

خلاصة المسائل

(جلد اول)

منتشره:

از سوی حوزه علمیه احناف خواف

زیر نظر:

مرحوم حضرت مولانا شمس الدین مطهری رحمة الله عليه

عنوان کتاب:	خلاصه المسائل - فقه حنفی
تألیف:	حضرت مولانا خواجه شمس الدین مطهری
موضوع:	فقه حنفی
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	خرداد (جوزا) ۱۳۹۵ شمسی، شعبان ۱۴۳۷ هجری
منبع:	سایت عقیده www.aqeedeh.com



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

۱۵ بعضی مسائل عقیدتی و اخلاقی
۱۵ عقیده در باره یگانگی خداوند
۲۲ بیان سخن‌های کفر و شرک
۲۴ بیان اعمال خلاف شریعت و بدعت
۲۶ بیان بعضی گناهان بزرگ که سخت وعید بر آنها آمده
۲۷ بیان بعضی نقصانات دنیوی که به واسطه گناه بوجود می‌آید
۲۸ بیان بعضی فوائد دنیوی که از عبادت حاصل می‌شود
۲۹ بیان طهارت
۲۹ وضو
۲۹ احکام وضو
۳۰ فرائض وضو
۳۰ سنت‌های وضو
۳۴ بیان شکننده‌های وضو
۳۸ احکام معذور
۳۹ غسل
۳۹ احکام غسل
۴۰ فرائض غسل
۴۲ بیان آب‌هایی که وضوء و غسل با آنها درست است و آنها که درست نیست
۴۵ مسائل و احکام آب چاه
۴۷ بیان احکام پسخور حیوانات

۴۹ بیان احکام تیمم
۵۳ بیان احکام مسح بر موزه
۵۵ بیان چیزهائی که غسل را واجب می کند
۵۷ بیان اقسام نجاست و طریق پاک کردن نجاست ها
۶۱ بیان استنجاء

۶۳ بیان نماز

۶۳ بیان اوقات نماز
۶۵ بیان شرطهای نماز
۶۷ بیان رو آوردن به قبله
۶۷ طریقه‌ی خواندن نماز
۷۳ بیان خواندن قرآن
۷۴ بیان شکننده‌های نماز
۷۶ بیان مکروهات و ممنوعات نماز
۷۸ بیان چیزهائی که به واسطه آنها شکستن نماز جائز است
۷۹ بیان نماز وتر
۸۰ بیان نمازهای سنت و نفل
۸۴ بیان نماز استخاره
۸۵ بیان نماز توبه
۸۵ بیان نمازهای قضائی
۸۷ احکام سجده سهو
۹۱ بیان سجده تلاوت
۹۴ بیان نماز مریض
۹۶ بیان اقسام سفر و تعریف و آداب و احکام سفر

- ۹۶ بیان اوقات سفر و آداب آن
- ۱۰۰ بیان سفر شرعی
- ۱۰۱ احکام مخصوص سفر شرعی
- ۱۰۳ بیان اقسام سه گانه وطن و احکام آنها
- ۱۰۵ بیان احکام و مسائل تیمم مسافر
- ۱۰۷ بیان احکام درآمد و بلیط ماشین و قطار و غیره
- ۱۰۸ احکام سفر دریائی
- ۱۰۹ بیان احکام سفر هوائی
- ۱۱۰ نماز جمعه
- ۱۱۰ بیان فضائل روز جمعه
- ۱۱۰ بیان آداب جمعه
- ۱۱۱ بیان فضائل نماز جمعه
- ۱۱۱ نماز جمعه بر چه اشخاصی واجب است
- ۱۱۲ بیان شرطهای صحت جمعه
- ۱۱۳ بیان مسائل خطبه
- ۱۱۴ بیان مسائل نماز جمعه
- ۱۱۵ بیان نماز عیدین
- ۱۱۵ سنتهای روز عید فطر
- ۱۱۸ احکام اذان و اقامه
- ۱۲۱ احکام امامت
- ۱۲۱ شرایط صحت پیشنمازی
- ۱۲۱ شرطهای صحت اقتداء
- ۱۲۳ احکام اسقاط حضور جماعت
- ۱۲۴ بیان اشخاصی که برای پیشنمازی مقدمند
- ۱۲۵ احکام آنچه مقتدی باید بعد از فراغت امام انجام دهد و انجام ندهد

۱۲۶ بیان حالات بعد از نماز
۱۲۶ احکام جنایز
۱۲۶ احکام محتضر
۱۲۸ بیان غسل میت
۱۳۰ احکام کفن
۱۳۲ احکام نماز جنازه
۱۳۳ شروطی که در نماز جنازه تعلق به نماز خواننده دارد
۱۳۳ شروطی که در نماز جنازه تعلق به میت دارد
۱۳۶ احکام دفن میت
۱۳۸ بیان مسائل متفرقه جنازه
۱۴۰ احکام شهید
۱۴۰ احکام و مسائل حیض و نفاس
۱۴۴ احکام استحاضه
۱۴۴ احکام نفاس
۱۴۵ روزه
۱۴۵ در بیان فضیلت روزه
۱۴۶ مسائل و احکام روزه‌ی ماه رمضان
۱۴۷ احکام دیدن ماه
۱۴۸ احکام روزه نذر
۱۴۹ احکام روزه نفل
 بیان چیزهائی که شکننده روزه نیست و یا هست، کفار و قضا، یا قضای لازم می‌آید
۱۵۰
۱۵۴ احکام تزریق آمپول در ماه رمضان

- ۱۵۴..... احکام قضا بجای آوردن روزه
- ۱۵۵..... احکام کفارہ
- ۱۵۶..... بیان فضائل سحری
- ۱۵۷..... بیان چیزهائی که به واسطه آنها شکستن روزه جائز است
- ۱۵۷..... بیان صورت هائی که به واسطه آنها روزه نگرفتن جائز است
- ۱۶۰..... احکام اعتکاف

۱۶۲..... احکام زکات

- ۱۶۴..... بیان زکات گوسفند
- ۱۶۵..... احکام زکات شتر
- ۱۶۶..... احکام زکات گاو
- ۱۶۷..... احکام زکات طلا و نقره و غیره
- ۱۶۹..... بیان مسائل متفرقه زکات
- ۱۷۰..... احکام عشر
- ۱۷۱..... بیان اشخاصی که دادن زکات به آنها جائز است
- ۱۷۴..... احکام صدقه فطر
- ۱۷۵..... بیان مقدار صدقه فطر

۱۷۵..... احکام قربانی

- ۱۷۷..... بیان اوقات قربانی
- ۱۷۸..... بیان حیواناتی که قربانی کردن آنها جائز است
- ۱۷۹..... بیان عیب هائی که به واسطه آنها قربانی کردن حیوان جائز نیست

۱۸۱..... احکام عقیقه

۱۸۲..... بیان احکام حج

- ۱۹۱..... احکام جنایات در حج

- در بیان ممنوعات متفرقه و حج و تدارکات آن ۱۹۴
- جنایاتی که با ارتکاب آنها صدقه لازم می‌شود ۱۹۵
- احکام حج از جانب غیر ۱۹۷
- احکام و فضیلت زیارت مدینه منوره ۱۹۸
- آداب داخل شدن به مسجد حضرت رسول ﷺ و آداب زیارت ۱۹۹
- آداب آمدن به محل مقبره مبارکه ۱۹۹

بنام خدا

چون خلاصه المسائل منتشره از سوی حوزه علمیه احناف خواف زیر نظر مرحوم حضرت مولانا شمس الدین مطهری رحمته الله بوده و بنا است که تجدید چاپ گردد. لازم دانستیم که مختصراً گوش‌های از زندگینامه آن مرحوم را از نظر خوانندگان عزیز بگذرانیم.

مولانا خواجه شمس الدین مطهری رحمته الله فرزند مرحوم خواجه محمدرضا (که سلسله نسبشان به حضرت قطب الأقطاب ژنده پیل شیخ احمد جامی قدس سره می‌رسد). در سال (۱۲۸۲ هجری شمسی). در قریه تیزاب میان خواف متولد شدند. بعد از اینکه قرآن شریف و کتب فارسی را در محل فرا گرفتند در سال (۱۳۰۷ هجری شمسی) به شهر هرات افغانستان رفته و در مسجد خرقة مبارکه مشغول تحصیل علوم دینی شدند، و از اساتید مشهور هرات که در مسجد خرقة و مسجد جامع بودند علوم صرف، نحو، فقه، منطق، معانی و بیان را کسب کردند. در این مدت از محبوبیت خاص در میان اساتید و علما برخوردار بودند.

ایشان در شهریور (۱۳۱۲ هـ) عازم هندوستان که در آن زمان مستعمره انگلیس بود شدند و در چهاردهم شهریور همان سال به شهر چمن (یکی از شهرهای بلوچستان پاکستان امروز می‌باشد) وارد و از آنجا راهی دهلی گردیدند و مدتی در آنجا از حضور علما کسب فیض نمودند، تا اینکه در سال (۱۳۶۱ هـ) وارد مهد علم و عرفان، دارالعلوم دیوبند مرکزی که بحث دژی محکم و استوار و در تزکیه نفوس و ناملازمات مملکتی نقش به‌سزایی داشته است شدند.

ایشان تا سال (۱۳۶۶ هـ) از حضور علمای ربانی همچون مولانا حسین احمد مدنی رحمته الله، مولانا شبیر احمد عثمانی رحمته الله، مولانا اعزاز علی رحمته الله، مولانا محمد ادریس کاندهلوی رحمته الله، مولانا عبدالخالق رحمته الله، مولانا ابراهیم بلیاوی رحمته الله، مولانا سید اصغر

حسین رحمته الله، مولانا مفتی محمد شفیع رحمته الله به سرپرستی مولانا قاری محمد طیب رحمته الله از تمام علوم منجمله: تفسیر، حدیث، فقه، اصول، فلسفه، منطق، عقائد، کلام و هیئت کسب فیض و فارغ التحصیل شدند.

بعد از اتمام دوره تحصیل به مدت سه سال از طرف دارالعلوم دیوبند در بدیلی یکی از شهرهای هند به سمت استاد معرفی شده و در آنجا به تدریس مشغول گشتند. ایشان در اواخر سال (۱۳۲۶ هـ) از طریق افغانستان به زادگاه خود تیزاب خواف برگشتند. بعد از اطلاع فرمائی شان به شهر خواف جهت تدریس و ارشاد شدند تا اینکه با کوشش و تلاش طرفین در سال (۱۳۲۷ هـ) حوزه علمیه احناف خواف را تاسیس نمودند که الحمد لله تا کنون با کمال جدیت مشغول تربیت و ارشاد فرزندان مسلمین می باشد و علمائی تربیت نموده که در خود حوزه علمیه و منطقه خواف و نقاط دیگر از دور و نزدیک مشغول خدمت به اسلام و جامعه اسلامی می باشند.

وفات ایشان در روز سه شنبه دهم ذی الحجة (۱۴۱۰ هـ). مطابق با یازدهم تیرماه (۱۳۶۹ هـ) روز عید قربان مقارن با طلوع خورشید رخ داد و روح آن عالم ربانی و باغبان بوستان محمدی رحمته الله، پاسبان حریم نبوت، نکته دان اسرار شریعت، به ملکوت اعلی پیوست، «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ».

آری، موت چیزی نیست که انسان از آن اظهار تعجب کند یا کسی از آن مستثنی باشد بلکه آمدن به این دنیا مقدمه‌ای است برای رفتن، اما در این دنیا کسانی هستند که مردم از نورشان استفاده می کنند و قلب‌های مجروح مردم از انفاس قدسیه شان شفا می یابد. درماندگان در سایه عطوفتشان پناه می گیرند، و خود مانند شمع می سوزند و دیگران را روشنائی می بخشند، خود بیقرارند و دیگران را آرام می سازند. این‌ها از این جهان رحلت می کنند در حالی که اهل آسمان و زمین در سوگشان اشک می ریزند و عالمی را در غم و اندوه فرو می برند و از رفتنشان مجالس دینی و علمی بی رونق می شود.

مرحوم مولانا شمس الدین مطهری رحمته الله از همین گروه بودند و ایشان نمونه علم و عمل و اخلاص و تقوا بودند. ایشان در هر مجلس چراغ آن محفل بودند، با این همه از شهرت و خودنمائی و زرق و برق دنیا شدیداً نفرت داشتند و به همین خاطر بود که بر دل‌های مسلمین تسلط داشتند.

این است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «من تواضع لله رفعة الله». اللهم اغفره وأرحمه ونور مرقده وأرفع درجته وأجعل قبره روضة من رياض الجنة. آمین

حبيب الرحمن مطهری عفی الله عنه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

این کتاب به دستور حضرت مولانا خواجه شمس الدین مطهری استاد العلماء و سرپرست حوزه علمیه احناف خوفا و راهنمائی اساتذہ مخصوصا جناب مولوی حفیظ اللہ طاہری سرپرست مدرسہ تعلیم القرآن نشتیقان کہ سہم عمدہ آن را بر عہدہ داشتند تالیف گردید، امید است انشاء اللہ به زودی جلد دیگر آن انتشار یابد.

أحققر الطلبة: غلام أحمد موحدی.

بعضی مسائل عقیدتی و اخلاقی

عقیده در باره یگانگی خداوند

الحمد لله وكفى والصلوة والسلام على سيدنا ونبينا محمد المصطفى وعلى آله وأصحابه المتأدبين بالتقوى.

عقیده ۱- تمام جهان نیست و ناپایدار بود خداوند عالم جهان و جهانیان را به قدرت کامله خود بوجود آورد.

عقیده ۲- خدا یکی است و یگانه و او را مثل و مانند نیست او به کسی محتاج نیست و تمام عالمیان به دربار بی نیاز او نیازمندند، او از کسی زائیده نشده و کسی را هم نزائیده، او را زن و فرزند نیست.

عقیده ۳- خدا همیشه بوده و هست و همیشه خواهد بود.

عقیده ۴- او زنده و بر همه توانا است، هیچ چیز از علم آن بیرون نیست، همه چیز را می بیند و می شنود و سخن می گوید، ولی سخن آن مانند سخن مخلوق نیست، هر چه خواهد می کند و هیچکس نمی تواند اراده او را باز دارد فقط ذات آن قابل عبادت است. بر بندگان خدا مهربان است، از همه عیب و نقص پاک است، بندگان خود را از تمامی آفات نگهدارنده است.

عقیده ۵- خدا عزت دهنده و خوار کننده است، خالق تمامی کائنات است، کسی او را پیدا نکرده، بلکه پیدا کننده تمام جهانیان است.

عقیده ۶- آمرزنده گناهان است، روزی دهنده مخلوقات است و کم و زیاد روزی به قدرت او است.

عقیده ۷- با عدل و انصاف است، بسیار حلیم و بردبار است و اجابت کننده دعاها است.

عقیده ۸- او بر همه حکمفرما است، هیچ کس بر آن حکمفرما نیست و هر کاری می‌کند از حکمت خالی نیست، درست کننده کار همه اوست، زنده می‌کند و می‌میراند، اوصاف او را همه می‌دانند که رزاق است، و غفار است، و ستار است و غیره. به ذات آن، کسی را دسترسی نیست.

عقیده ۹- خدا توبه توبه کننده را می‌پذیرد و مستحق پاداش را پاداش می‌دهد و هدایت کننده اوست. در جهان هر چه واقع می‌شود به فرمان اوست و بی‌فرمان او برگی از شاخه‌های درخت نمی‌ریزد و ذره بی‌فرمان او به هوا نمی‌رود.

عقیده ۱۰- او نمی‌خوابد، و پلکی نمی‌زند، از نگهداری تمام عالم خسته نمی‌شود، همه چیز را در قدرت خود دارد، دارای همه صفات کمال است و از عیب و نقص منزّه است.

عقیده ۱۱- هر پیش آمدی که در عالم به وقوع می‌آید چه خوب و چه زشت خداوند متعال قبلا آن را دانسته و می‌داند و طبق دانسته خود آن را به وقوع آورده و این را تقدیر الهی می‌نامند، و در پیدا کردن به رازهای زیادی است که هرکس به آن پی نمی‌برد.

عقیده ۱۲- خدا بندگان خود را عاقل و با اراده آفریده که به واسطه آن هر کاری خوب و بد را به اختیار و اراده خود انجام می‌دهد ولی انسان قدرت آفرینش در کارها را ندارد و همه افعال را خدا خلق نموده است، از کار بد ناراضی و از کار خوب خشنود می‌شود.

عقیده ۱۴- هیچ چیز بر خدا لازم و واجب نیست، هرچند مهربانی می‌فرماید از فضل اوست.

عقیده ۱۵- پیامبرانی بسیار برای راهنمایی مخلوق فرستاده که از همه گناه پاک و منزّه‌اند، شمار آنان به خدا معلوم است و بس. برای اثبات صداقت و حقانیت از دست، و زبان‌شان کارهای و سخنانی به ظهور پیوسته که دیگران از کردن آن کارها و گفتن آن کلمات عاجزند و این‌ها را معجزه می‌گویند. اولشان حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آخرشان حضرت

محمد مصطفیٰ ﷺ می باشد، و بعضی از آن‌ها بسیار مشهورند مثل: حضرت یونس علیہ السلام، ابراهیم علیہ السلام، اسماعیل علیہ السلام، یحییٰ علیہ السلام، یوشافع علیہ السلام، داود علیہ السلام و سلیمان علیہ السلام، ایوب علیہ السلام، مؤمنین علیہ السلام، هارون علیہ السلام، زکریا علیہ السلام، یحییٰ علیہ السلام، عیسیٰ علیہ السلام، النبی الموعود علیہ السلام، الیتم علیہ السلام، یونس علیہ السلام، ادریس علیہ السلام، ذوالکفل علیہ السلام، عیسیٰ علیہ السلام، یونس علیہ السلام و شعیب علیہ السلام.

عقیده ۱۶- درجه و مرتبه بعضی از بعضی بالاتر است و از همه بلندتر درجه و رتبه حضرت سیدنا محمد مصطفی است که آخرین همه است، و بعد از ایشان کسی به پیغمبری مبعوث نمی شود، تا قیامت هر چند انس و جن باشد نبی آن‌ها است.

عقیده ۱۷- پیغمبر ما حضرت محمد مصطفی در حالت بیداری با جسد شریف از مکه به بیت المقدس و از آنجا تا هفت آسمان و از آنجا تا جایی که مقصود پروردگار بود برده شدند و سپس به مکه برگردانیده شدند و این را معراج می گویند.

عقیده ۱۸- خداوند یک مخلوق را از نور آفریده است و آن را از نظر ما پنهان کرده و آن را فرشته می گویند، و بسیاری از کارها به آن‌ها سپرده شده است و آن‌ها نافرمانی خدا را نمی کنند و آنچه از طرف پروردگار به ایشان دستور برسد آن را انجام می دهند، از میان آن‌ها چهار فرشته برگزیده تر و مشهورترند، اول: حضرت جبرئیل علیہ السلام، دوم: حضرت میکائیل علیہ السلام، سوم: حضرت اسرافیل علیہ السلام، چهارم: حضرت عزرائیل علیہ السلام.

عقیده ۱۹- خداوند یک مخلوق از آتش آفریده و از نظر ما پنهان کرده و آن را جن می گویند، در میان آن‌ها خوب، بد، مؤمن و کافر است. از همه شریرتر و مشهورتر ابلیس یعنی شیطان است.

عقیده ۲۰- مسلمان وقتی خوب عبادت کند و از گناه برحذر باشد و محبت دنیا را از دل بیرون کند و بر نقش قدم پیغمبر قدم بر دارد، دوست خدا می شود و این کس را ولی می گویند، و از ولی گاهی کارهایی بوجود می آید و سر می زند که از دیگران ساخته نیست و این را کرامات می گویند.

عقیده ۲۱- ولی هر چند قرب و منزلت به پیشگاه پروردگار حاصل نماید به بنی نمی‌رسد.

عقیده ۲۲- ولی هر چند دوست خدا باشد تا وقتی که به حواس خود باشد پایبند به شریعت لازمی است و هیچ عبادتی از آن ساقط نمی‌شود و از معاصی پرهیز نمودن بر آن لازم است.

عقیده ۲۳- هرکس برخلاف شریعت اسلام قدم بردارد آن دوست خدا نیست، اگر چه از آن کارهای خارق العاده سرزند.

عقیده ۲۴- برای اولیاء بعضی از رازها در حالت بیداری یا خواب منکشف می‌شود و آن را کشف و الهام می‌گویند، اگر موافق شریعت است مقبول و اگر مخالف شریعت است مردود می‌باشد.

عقیده ۲۵- خدا و رسول تمام مسائل دینی را مفصلاً یا اجمالاً بیان نموده حالیه از طرف خود چیزی بیان کردن و دین گفتن بدعت است و بدعت گناه بزرگ است.

عقیده ۲۶- خداوند به واسطه جبرئیل کتاب‌های زیادی از آسمان بر پیغمبران نازل فرموده تا جوامع بشر را به راه راست هدایت نماید، در میان آن‌ها چهار کتاب بسیار مشهورند:

۱- تورات که بر حضرت موسیٰ علیہ السلام نازل شده.

۲- زبور بر حضرت داود علیہ السلام.

۳- انجیل بر حضرت عیسیٰ علیہ السلام.

۴- قرآن مجید بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله. و قرآن آخرین کتابی است که نازل شده و تا قیامت احکام آن نافذ و جاری است، مردمان گمراه دیگر کتب آسمانی را تغییر و تبدیل گردانیدند و قرآن مجید به حفاظت خداوند از هرگونه دست خوردگی محفوظ و مسلم است.

عقیده ۲۷- هرکس پیغمبر ما حضرت محمد مصطفی ﷺ را دیده و به ایشان ایمان آورده و بر ایمان وفات نموده، آن را صحابی می‌گویند، و اصحاب پیغمبر تمامی دارای فضائل و درجاتی زیادند و همه ایشان را دوست داشتن نشانه ایمان است و آنچه در میانشان از نزاع و اختلافات به وقوع آمده با احتیاط کامل و بسیار مؤدبانه نسبت به آنان زبان باید گشود، و از همه بزرگ‌تر چهار صحابه‌اند، اول حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه که جانشین پیغمبر گشت و پایه‌های دین اسلام که به واسطه مرتد شدن گروهی و اختلاف گروهی دیگر در شرف از هم پاشیدن بود مضبوط و مستحکم گردانید، و به همین سبب خلیفه اول نامیده شد و از همه امت برتر و درجه شان بالاتر است. بعد از حضرت ابوبکر حضرت عمر رضی الله عنه خلیفه دوم است، و بعد از ایشان حضرت عثمان رضی الله عنه خلیفه سوم، و بعد از ایشان حضرت علی رضی الله عنه خلیفه چهارم می‌باشند. و دوران خلافت اسلامی بر حضرت امام حسن رضی الله عنه خاتمه پیدا نمود.

عقیده ۲۸- صحابه پیغمبر را درجه و بزرگی به حدی است که بزرگ‌ترین اولیاء به مقام و مرتبه کوچک‌ترین صحابی نمی‌رسد.

عقیده ۲۹- ازواج مطهرات پیغمبر و اولادشان قابل و لایق تعظیم و تکریم است و در میان اولاد از همه بزرگ‌تر حضرت فاطمه رضی الله عنها و در میان ازواج مطهرات از همه بزرگ‌تر حضرت خدیجه رضی الله عنها و حضرت عایشه رضی الله عنها می‌باشند.

عقیده ۳۰- ایمان وقتی ایمان گفته می‌شود که: آنچه خدا و رسول گفته همه را راست دانسته و به همین یقین کامل داشته باشد، در گفته‌های خدا و رسول شک کردن یا آن‌ها را دروغ شمردن یا در آن‌ها عیب تراشیدن یا مزاح و تمسخر کردن کفر است.

عقیده ۳۱- مطالب واضح و روشن قرآن و حدیث را قبول نکردن بلکه این طرف و آن طرف زدن و طبق خواسته خود ترجمه و تفسیر نمودن بی‌دینی است.

عقیده ۳۲- از حلال دانستن گناه، ایمان نابود می‌شود.

عقیده ۳۳- گناه هر چند بزرگ باشد تا وقتی که گناه را گناه بداند ایمان از بین نمی‌رود بلکه ضعیف می‌شود و ناامیدی از رحمت خدا کفر است.

عقیده ۳۴- از کسی غیب پرسیدن و به آن یقین کردن کفر است.

عقیده ۳۵- غیب را غیر از خدا هیچکس نمی‌داند البته به واسطه وحی به انبیاء علیهم‌السلام و به واسطه الهام به اولیاء و از علائم به عوام بعض چیزها معلوم می‌شود.

عقیده ۳۶- برای شخص معین کافر گفتن یا لعنت کردن کبیره است. مگر آن کس را که خدا و رسول نام برده و لعنت کرده یا به واسطه صفت عام به این نحوه بر کافران یا ظالمان یا دروغ‌گویان لعنت کردن به جهت عبرت گناه نیست.

عقیده ۳۷- وقتی انسان بمیرد خواه در قبر دفن شود یا نه، نزد آن دو فرشته می‌آید به یکی نکیر، و به دیگری منکر گفته می‌شود. از مرده می‌پرسند که: پروردگارت کیست و دینت چیست؟ و پیغمبرت کیست؟ و درباره این شخص یعنی حضرت محمد رسول الله چه می‌گفتی؟ اگر میت اهل ایمان باشد جواب صواب می‌دهد که پروردگارم، الله و دینم اسلام و پیغمبرم حضرت محمد رسول الله می‌باشد. بعدا برایش هرگونه آرامش و آسایش میسر می‌گردد. به این کیفیت که از بهشت روزنه به قبرش باز شده هوای سرد بهشت و بوی خوش آن وارد قبر گردیده و بوی آن به مشام میت می‌رسد و در نتیجه به استراحت خوبی می‌پردازد. و اگر میت بی‌ایمان باشد (نعوذ بالله منها) در پاسخ همه سوالات می‌گوید: نمی‌دانم و اطلاعی ندارم و در نتیجه معذب می‌گردد.

تذکر: این کیفیت به مرده معلوم می‌شود و زندگان از تشخیص دادن آن عاجزند مانند این که: شخصی در حالت خواب چیزهائی را مشاهده می‌کند و بیدار از آن چیزها بیخبر است.

عقیده ۳۸- هر صبح و شام قرارگاه اموات به آن‌ها نشان داده می‌شود اهل بهشت مقام خود را که می‌بینند بر شادی و سرور آن‌ها افزوده می‌شود و اهل دوزخ که مقام خود را در دوزخ مشاهده می‌نمایند بر حسرت و ندامتشان می‌افزاید.

عقیده ۳۹- از برای اموات دعا کردن و صدقه دادن و ثواب آن صدقه را به روح آن‌ها بخشیدن درست است و به آن فایده زیادی می‌رسد.

عقیده ۴۰- خدا و رسول برای آمدن قیامت علائم و نشانه‌هایی بیان فرموده‌اند که یکی بعد از دیگری حتما خواهد آمد، از آن جمله: بی‌احترامی به پدران و مادران و خروج دجال و برای از بین بردن دجال نزول عیسی علیه السلام، از آسمان و بیرون آمدن یاجوج و مأجوج و ظاهر شدن دابة الأرض، و طلوع خورشید از مغرب، و برداشته شدن قرآن مجید، و مردن مسلمانان و فرا گرفتن کفر زمین را و غیره.

عقیده ۴۱- وقتی همه علائم و نشانه‌های قیامت به وقوع پیوست، قیامت آشکار خواهد شد به این ترتیب که حضرت اسرافیل علیه السلام به حکم و فرمان خداوندی در شیپور خواهد دمید و از هیبت آن آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها شکافته شده و از هم خواهند گسیخت، و همه مخلوق خواهند مرد، و آن‌هایی که قبلا مرده‌اند ارواح آن‌ها بی‌هوش خواهد شد، مگر آن‌هایی را که خدا بخواهد و تا مدتی همین حال و کیفیت خواهد بود.

عقیده ۴۲- وقتی اراده خداوندی تعلق گیرد مجددا صور دمیده می‌شود و همه مخلوقات زنده شده و در میدان محشر جمع خواهند گشت، و از مشقت‌ها و سختی‌های آن روز ترسیده، برای سفارش روی به انبیاء علیهم السلام خواهند آورد و بالاخره به تقاضا و شفاعت حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله میزان عدالت الهی نصب خواهد شد و به عمل خوب و زشت پاداش داده خواهد شد، و عده ای بی حساب وارد بهشت خواهند شد. نامه اعمال نیکوکاران بدست راست و بدکاران به دست چپ داده خواهد شد، پیغمبر اکرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله امتان خود را از حوض کوثر آب خواهد نوشانید، و از پل صراط عبور نموده وارد بهشت می‌شوند، و بدکاران از بالای آن سرازیر در جهنم خواهند شد.

عقیده ۴۳- الآن دوزخ موجود است، و در آن مار و کژدم و عذاب‌های گوناگون به شکل‌های مختلف بیان شده و از دوزخیان کسی که به اندازه ذره‌ای ایمان داشته باشد بعد از چشیدن کیفر اعمال زشت خود به تقاضا و شفاعت انبیاء، و اولیاء، و علما و صلحا از

دوزخ بیرون آمده وارد بهشت خواهند شد، و به واسطه گناه هر نوع گناهی باشد در دوزخ دائمی نمی ماند، کافران و مشرکان برای همیشه در دوزخ باقی می مانند نه از آن بیرون کرده می شوند و نه در آن می میرند.

عقیده ۴۴- خداوند پاک مختار است که به واسطه گناه کوچک عذاب کند و گناه بزرگ را عفو نماید.

عقیده ۴۵- خداوند شرک را هرگز عفو نمی کند، و غیرشرک را برای هرکس صلاح بداند به فضل و رحمت خود عفو می کند.

عقیده ۴۶- خدا و رسول هرکس را واضح نام برده و بهشتی بودنش را اعلام فرموده اند بهشتی است، و دیگر کسی را بطور یقین بهشتی نمی توانیم گفت. البته علائم خوب را در اشخاص دیده و گمان خوب بودن و از رحمت خدا امیدوار بودن صحیح است.

عقیده ۴۷- در بهشت از همه نعمت ها بزرگ تر و بهتر دیدار خداوندی است که نصیب بهشتیان خواهد شد و در مقابل این لذت همه لذت ها هیچ است.

عقیده ۴۸- در دنیا در حالت بیداری کسی خداوند را ندیده و نمی تواند دید.

عقیده ۴۹- تمام عمر انسان چه خوب و چه بد، بهر حالتی که خاتمه اش شود طبق آن پاداش داده خواهد شد.

عقیده ۵۰- انسان هرگاه توبه و ایمان آورد توبه و ایمانش مقبول درگاه الهی است مگر وقتی که نفس در سینه بحرکت و فرشته عذاب را ببیند، در آن وقت نه ایمان قبول می شود و نه توبه.

بیان سخن های کفر و شرک

۱- پسند کردن کفر، کفر است.

۲- خوب دانستن کلمات کفرآمیز.

- ۳- دیگران را وادار کردن به گفتن کلمات کفر.
- ۴- از ایمان خود پشیمان شدن که شخص می گوید: اگر من مسلمان نمی بودم فلان کار نمی شد.
- ۵- در فوت اولاد و غیره این چنین می گوید که خدا فقط در صدد بردن همین بود و برای کشتن کسی دیگر غیر از این ندید.
- ۶- یا می گوید: خدا اینطور نباید می بود یا این ظلمی که خدا کرد دیگری نمی کند.
- ۷- به غیر خدا این عقیده را داشتن که: در همه وقت حالات ما به آن معلوم است.
- ۸- غیر خدا را از دور آواز دادن به این نیت که آن می شنود.
- ۹- غیر خدا را صاحب نفع و ضرر دانستن.
- ۱۰- از غیر خدا مقصود و مراد خواستن و روزی طلب کردن.
- ۱۱- بنام غیر خدا روزه گرفتن و غیر خدا را سجده کردن و بنام غیر خدا حیوانی نذر و ذبح کردن.
- ۱۲- فرمان مخلوق را بر فرمان خالق مقدم دانستن.
- ۱۳- در پیش کسی به سجده افتادن یا به مثل تصاویر بدون حرکت ایستادن.
- ۱۴- احترام کردن زیارات بزرگان را به اندازه احترام خانه خدا.
- ۱۵- عمرپرست، حسین بخش، علی بخش، عبدالنبی، عبدالحسین، محمدپرست نام گذاشتن و عقیده بر این داشتن.
- ۱۶- حیوانی بنام کسی نذرکردن و از آن حیوان احترام گرفتن.
- ۱۷- کار و بار عالم را از تاثیر ستاره ها دانستن.
- ۱۸- روز خوب و بد را پرسیدن.
- ۱۹- شگون و فال بد زدن.
- ۲۰- ماهی یا روزی را نحس دانستن.
- ۲۱- نام بزرگی را ورد و وظیفه کردن.

- ۲۲- و این چنین گفتن که: اگر خدا و رسول بخواهد اینطور می شود، فقط هر چه خدا بخواهد می شود.
- ۲۳- به جان یا سرکسی قسم خوردن.
- ۲۴- عکس پدر و برادر یا غیره را به قصد حرکت در خانه یا جیب گذاشته و تعظیم نمودن.

بیان اعمال خلاف شریعت و بدعت

- ۱- در سر قبرستان در یک روز معین جمع شدن.
- ۲- چراغ در سر قبرستان روشن کردن.
- ۳- زنان به گورستان رفتن.
- ۴- پرده و لباس بالای قبر انداختن.
- ۵- از سیمان و آجر قبر را بنا کردن.
- ۶- برای خشنودی بزرگان قبر را تعظیم کردن.
- ۷- قبر را طواف و سجده کردن.
- ۸- بطرف قبر نماز خواندن.
- ۹- شیرینی و دیگر ماکولات بر سر قبرستان بردن.
- ۱۰- عزاداری بیشتر از سه روز برپاداشتن.
- ۱۱- خیمه بر سر قبر برپا کردن.
- ۱۲- تعظیم کردن و سجده کردن و زیارت کردن علم.
- ۱۳- در یک ماه معین یا یک روز بخصوص شیرینی نخوردن و یا عروسی و خواستگاری نکردن و با عیال خود نزدیکی نکردن و لباس جدید نپوشیدن.
- ۱۴- شام گوری و خرج روز سوم و هفتم و دهم و بیستم و چهلم و خرج سال را تعیین نمودن، و عقیده داشتن که اینگونه نفقات برای میت بیشتر ثواب دارد و لازم است.

- ۱۵- نکاح بیوه زنان را عیب دانستن.
- ۱۶- در عروسی و ختنه سوری و غیره از طاقت زیادتر خرج کردن خصوصا که وام بگیرد خرج نماید.
- ۱۷- رقص، ساز و دیگر لهو لعب را در کار انداختن.
- ۱۸- در جای سلام چاکرم، بنده‌ام یا دست بر سر و سینه گذاشته خم شدن.
- ۱۹- رفتن زنان بدون پروا پیش پسر عمو و پسر خالو و برادر شوهر و غیره.
- ۲۰- شنیدن و شرکت کردن در مجلس ساز و دهل.
- ۲۱- دیدن رقص زنان رقاچه.
- ۲۲- تار و تمبک دیدن و از آن خوشحال شدن.
- ۲۳- فخر کردن بر نسب، یعنی شخصی بگوید: من پسر فلانی هستم.
- ۲۴- برای نجات خود از مهلکه کسی را کافر شمردن.
- ۲۵- طعن بر نسب شخص زدن.
- ۲۶- حرقه و پیشه‌ای را ذلیل و خوار شمردن.
- ۲۷- زیاده از حد تعریف کسی را نمودن.
- ۲۸- در وقت مصیبت به آواز بلند کردن نوحه کردن و گریه نمودن.
- ۲۹- بر سر و سینه زدن و در وقت مصیبت رو خراشیدن.
- ۳۰- تا یک هفته یا بیشتر از شستن لباس امتناع نمودن.
- ۳۱- لباس نو یا شسته نپوشیدن.
- ۳۲- در تاریخ‌های معین مجددا غم و مصیبت را اعاده کردن.
- ۳۳- زیاده از حد مشغول زیب و زینت شدن.
- ۳۴- وضع ساده را عیب شمردن.
- ۳۵- قندان و سرمه دان و عطر دان را از طلا و نقره ساختن و استعمال کردن.
- ۳۶- لباس بسیار نازک و تنگ یا لباس ابریشمی یا زعفرانی رنگ پوشیدن برای مردان.

بیان بعضی گناهان بزرگ که سخت وعید بر آنها آمده

- ۱- شریک بر خدا گرفتن.
- ۲- خون ناحق کردن.
- ۳- اذیت کردن پدر و مادر.
- ۴- خوردن مال یتیمان.
- ۵- محروم کردن دختران از میراث.
- ۶- به کوچک‌ترین شبهه کسی را متهم کردن به زنا.
- ۷- ظلم کردن.
- ۸- در غیاب کسی بدی او را بیان کردن.
- ۹- از رحمت خدا ناامید شدن.
- ۱۰- وعده را خلاف کردن.
- ۱۱- در امانت خیانت کردن.
- ۱۲- ترک فرائض از قبیل نماز و روزه و غیره کردن.
- ۱۳- قرآن مجید را فراموش کردن.
- ۱۴- دروغ گفتن.
- ۱۵- بنا حق سوگند یاد کردن.
- ۱۶- بغیر نام یا صفت خدا قسم یاد کردن.
- ۱۷- یا این چنین قسم خوردن که: در وقت مرگ کلمه طیبه نصیب من نشود و یا خاتمه ام بر ایمان نشود.
- ۱۸- غیر خدا را سجده کردن.
- ۱۹- بدون عذر نماز و روزه را قضاء کردن.
- ۲۰- مسلمان را کافر یا بی‌ایمان یا خدازده و یا دشمن خدا گفتن.
- ۲۱- دزدی کردن.

- ۲۲- از گرانی قیمت گندم و مایحتاج عمومی خشنود شدن.
- ۲۳- در وزن و پیمانہ کم کردن.
- ۲۴- زنان به تنهائی نزد نامحرمان نشستن.
- ۲۵- قمار زدن.
- ۲۶- رسومات کفر را پسند کردن.
- ۲۷- حلال را بد شمردن.
- ۲۸- پسند کردن ساز و رقص و شنیدن آنها.
- ۲۹- در صورت قدرت بر نصیحت، نصیحت را ترک کردن.
- ۳۰- کسی را مسخره و بی حرمت و شرمنده کردن.
- ۳۱- عیب جوئی کسی را کردن.
- ۳۲- عیب کسی را پیش دیگران فاش کردن.

بیان بعضی نقصانات دنیوی که به واسطه گناه بوجود می آید

- ۱- محروم ماندن از علم.
- ۲- کم شدن روزی.
- ۳- وحشت از یاد خدا.
- ۴- وحشت از اشخاص نیک.
- ۵- پدید آمدن مشکلات در کارها.
- ۶- سیاه شدن دل.
- ۷- محرومی از طاعت.
- ۸- کمی عمر.
- ۹- توفیق توبه را از دست دادن.
- ۱۰- بیرون شدن عیب گناه از دل.
- ۱۱- ذلیل بودن در نزد خدا.

- ۱۲- سستی بوجود آمدن در عقل.
- ۱۳- مورد نفرین دیگران قرار گرفتن.
- ۱۴- سزاوار لعنت رسول و فرشته گردیدن.
- ۱۵- رفتن شرم و غیرت از وجود.
- ۱۶- بیرون رفتن بزرگی خدا از دل.
- ۱۷- هجوم بلاها.
- ۱۸- در وقت مردن محرومیت از کلمه طیبه.
- ۱۹- از رحمت خدا ناامیدی و بهمین سبب بدون توبه از دنیا رفتن.

بیان بعضی فوائد دنیوی که از عبادت حاصل می شود

- ۱- افزایش و برکت روزی.
- ۲- دور شدن رنج و پریشانی ها.
- ۳- آسانی در بدست آمدن مقصود و مرادها.
- ۴- لطف و لذت در زندگی.
- ۵- آمدن باران.
- ۶- دور شدن بلاها.
- ۷- مهربانی و کارسازی خدا و دستور رسیدن به فرشتگان برای ثابت داشتن آن.
- ۸- حاصل شدن عزت و آبرو و مرتبه بلند.
- ۹- محبت در دل همه مخلوق خدا.
- ۱۰- شفیع گردیدن قرآن.
- ۱۱- عوض بهتر در وقت فوت مال و جان.
- ۱۲- ترقی در مال و نام.
- ۱۳- حصول تسلی و راحت.
- ۱۴- شنیدن مژده از غیب.

- ۱۵- در وقت مردن از فرشته مژده خوب شنیدن و تهنیت در آمدن بهشت.
- ۱۶- برکت در عمر.
- ۱۷- از فاقه و تنگدستی محفوظ شدن.
- ۱۸- برکت زیادتی در چیز کم.
- ۱۹- از غصه و خشم خدا در امان بودن.

بیان طهارت

وضو

احکام وضو

وضوگیرنده در وقت وضوء رو به قبله نموده در جای بلند بنشیند، اولاً: بسم الله الرحمن الرحيم گفته، هر دو دست را تا مچ سه مرتبه بشوید، بعداً سه مرتبه آب در دهان کرده مسواک نماید، و اگر مسواک نباشد به وسیله پارچه درشت یا انگشتان دست راست آن هم انگشتان سبابه و ابهام دندانها را خوب تمیز کند، و اگر روزه دار نباشد آب را غرغره کرده تا به تمام دهان برسد و خوب پاک شود و اگر روزه داشت از غرغره پرهیز کند.

بعداً سه مرتبه آب در بینی کرده و با دست چپ بینی را تمیز کند، سپس سه مرتبه روی خود را که عبارت است از روئیدن موی پیشانی تا زیر زرخدان و از این نرمه گوش تا آن نرمه گوش شسته و اگر ابروان فشرده یا ریش پرموی دارد آب را به بیخ مویها برساند، بعداً دست راست را از سرانگشتان با آرنج بشوید و همچنین دست چپ و یا انگشتان یک دست دیگر خلال نموده و آب جدید گرفته سر را مسح کشد و بعد از مسح سر مسح گوش به این ترتیب که هر دو انگشت سبابه را به سوراخ گوشها کرده و با

شکم هر دو انگشت ابهام پشت گردن را مسح کشد، و بعد دو پای خود را با هر دو کعب «کله» بشوید و انگشتان پای را به این ترتیب خلال نماید یعنی: با انگشت کوچک دست چپ انگشتان پای راست را از انگشتان کوچک شروع کرده خلال نماید، و همچنین با دست راست انگشتان پای چپ را.

این بود طریقه وضو گرفتن ولی در این افعال بعضی اینطور است که: اگر ترک شود یا چیزی باقی ماند وضوء درست نیست و به این افعال فرض گفته می شود، و بعضی دیگر این چنین است که اگر انجام نگرفت به وضوء نقصی وارد نمی شود ولی انجام دادن آنها موجب ثواب است، و در شریعت نسبت به آنها تاکید شده است، و اگر بیشتر آنها ترک شود گناه است و به این افعال سنت گفته می شود، و بعضی دیگر طوری است که انجام آن ثواب دارد و انجام ندادن آنها گناه ندارد و در شریعت نسبت به آنها تاکید نشده است و اینها را مستحب می گویند.

فرائض وضو

مسئله ۱: در وضوء فقط چهار چیز فرض است،

(۱) یک مرتبه شستن تمام رو.

(۲) شستن هر دو دست تا آرنج.

(۳) مسح یک چهارم سر.

(۴) شستن هر دو پا با کعبین «یعنی کله».

مسئله ۲: اگر یکی از این چهار فرض ترک شود یا در یک عضو به اندازه سر سوزن

خشک ماند وضوء درست نیست.

سنت های وضو

مسئله ۳:

(۱) شستن هر دو دست تا مچها در اول وضوء.

- ۲) بسم الله گفتن.
 - ۳) سه مرتبه آب در دهان و در بینی کردن.
 - ۴) مسواک کردن.
 - ۵) تمام سر را مسح کردن.
 - ۶) هر عضو را سه مرتبه شستن.
 - ۷) مسح گوش را انجام دادن.
 - ۸) خلال انگشتان دست و پا را کردن.
 - ۹) به ترتیب به جا آوردن: یعنی اول رو بعد دست‌ها و سپس مسح سر و در آخر شستن پای انجام گیرد.
 - ۱۰) پی در پی شستن اعضاء.
 - ۱۱) نیت گرفتن وضوء در آغاز وضوء.
- مسئله ۴: شروع کردن از جانب راست و مسح کردن از مستحبات وضوء می‌باشد.
- مسئله ۵: هرگاه چهار عضو که شستن آن فرض است شسته شد وضوء حاصل می‌شود، خواه قصد وضوء گرفتن داشته باشد یا نه، البته در صورت نداشتن قصد وضوء ثواب حاصل نمی‌شود.
- مسئله ۶: طریق سنت همان بود که قبلا بیان شد، اگر کسی برخلاف آن وضوء گیرد، وضو درست ولی خلاف سنت انجام شده احتمال گناه است.
- مسئله ۷: یک عضو را شسته و در شستن عضو دیگر این قدر تاخیر نکند که عضو اولی خشک شود.
- مسئله ۸: در شستن هر عضو سنت است که بدست خوب مالیده شود تا همه جای آن تر شود.
- مسئله ۹: پیش از آمدن وقت اسباب وضو را آماده و مهیا نمودن مستحب است.

مسئله ۱۰: تا وقتی که عذر نباشد بدست خود وضوء بگیرد و از کسی امداد حاصل نکند هنگام وضو گرفتن از صحبت دنیوی پرهیز نموده و در اول شستن هر عضو بسم الله گفته و کلمه طيبة و دعاهاى ماثوره بخواند.

مسئله ۱۱: آب هرچند زیاد در دسترس باشد از حد سنت بیشتر مصرف نکند و هر عضو را از سه مرتبه بیشتر نشوید.

مسئله ۱۲: آب را بشدت بر صورت و اعضاء نزنند.

مسئله ۱۳: چشم و دهان را در وقت شستن نبندد و اگر چشم را طوری بست که پلک چشم خشک ماند وضوء درست نیست.

مسئله ۱۴: اگر انگشتر یا دستینه را در انگشت و دست دارد، در صورتی که بدون چرخانیدن آن قسمت زیرین تر می شود چرخ دادن آن مستحب است و اگر تر نمی شود و چرخ دادن آن واجب و لازم است و همینطور است حکم خال بینی.

مسئله ۱۵: اگر زیر ناخن ها از خمیر یا سیمان یا پیه و غیره پر شده و خشکیده و آب در جلد زیر ناخن نمی رسد وضوء درست نیست، باید آن ها را باز کرده و دور نموده وضوء بگیرد و اگر با همین وضع نماز خواند نماز را اعاده نماید.

مسئله ۱۶: بعد از وضوء خواندن سوره: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿۱﴾﴾ تا آخر، و این دعا «اللَّهُمَّ أَجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» مستحب است. ترجمه این دعا این است: «ای خدا بگردان مرا از گروه توبه کنندگان، و بگردان مرا از جمله پاکیزگان، و بگردان مرا از جمله بندگان نیکوکار خود، و بگردان مرا از جمله آنانی که ترس و غم ندارند.

مسئله ۱۷: بعد از وضوء گرفتن بهتر است که دو رکعت نماز بخواند و این نماز را تحية الوضوء می گویند و دارای ثواب زیادی است.

مسئله ۱۸: اگر برای چند وقت یک وضوء گرفت و وضوء بر حال خود بود درست است، ولی اگر برای هر وقت یک وضوء بگیرد ثواب زیادی دارد.

مسئله ۱۹: اگر وضوء گرفته تا زمانی که با آن عبادتی را بجای نیاورده، دو مرتبه وضوء گرفتن مکروه است و اگر عبادتی بجای آورده مجددا وضوء بگیرد نور علی نور است.

مسئله ۲۰: اگر وقت غسل کردن وضوء گرفت و به آن وضوء نماز خواند درست است.

مسئله ۲۱: اگر دست و پا ترکیده و آن را از روغن موم یا دیگر دوائی پر کرده، اگر بیرون آوردن آن مضر است بدون بیرون آوردن وضوء درست است.

مسئله ۲۲: اگر بعد از وضوء کله پا یا مقداری از بقیه اعضاء که باید در وضوء شسته شود خشک ماند کشیدن دست تر بر آن کافی نیست بلکه باید آب بر آن جاری شود.

مسئله ۲۳: اگر در دست و پا و بقیه اعضا وضوء زخم وجود دارد و یا مرضی دارد که رسیدن آب به آن عضو مضر است دست خود را به آب زند و بر آن اعضا مسح کشد، و اگر مسح هم مضر است آن را هم ترک کند.

مسئله ۲۴: اگر زخم اعضاء بدن باندپیچی شده و یا پارچه بر آن بسته که نباید آب به آن رسد و بازکردن آن مضر است، بر روی باند و پارچه مسح کشد و بازکردن لازم نیست.

مسئله ۲۵: اگر زیر پارچه یا تخته شکسته بندی تمامی زخم نیست و بازکردن آن بدون اذیت ممکن است باید باز کرده شود و جای سالم را شسته و بر زخم مسح کشد، و اگر در باز کردن اذیت است بر روی پارچه و تخته شکسته بندی مسح کشد خواه تمام زیر آن زخم باشد یا نه.

مسئله ۲۶: اگر پارچه‌ای که بر زخم و غیره بسته شده بود باز کرده و زخم خوب نشده بود آن را ببندد و مسح بر حال خود باقی است، و اگر زخم خوب شده بود و احتیاج به بستن نداشت مسح باطل و آن محل را شسته نماز بخواند.

بیان شکننده‌های وضو

مسئله ۲۷: آنچه از جلو^۱، و عقب^۲ بیرون آید وضو را می‌شکند، مگر احیاناً باد از جلو خارج شود که وضوء را نمی‌شکند، و اگر کرم از جلو یا عقب بیرون آید وضوء را می‌شکند.

مسئله ۲۸: اگر در بدن زخمی است و از آن کرم بیرون آید یا از گوش و زخم بدن پاره گوشتی جدا شده و به زمین افتاد ولی خونی نشد وضو نمی‌شکند.

مسئله ۲۹: اگر کسی رگ زد، یا دانه‌ای در بدنش بود و آن دانه پاک شد و خون بیرون آمد یا از جای دیگر خون یا چرک بیرون آمد وضوء می‌شکند. اگر خون بیرون شده کم بود که از محل زخم تجاوز نکرد وضوء نمی‌شکند، و اگر یک ذره به اطراف تجاوز کرد وضوء می‌شکند.

مسئله ۳۰: اگر کسی عطسه زد و از بینی او مقداری خون بسته بیرون آمد وضوء نمی‌شکند، و اگر خون بسته نبود وضوء می‌شکند، اگر کسی انگشت در بینی کرد و بیرون آورد و بر انگشتش خون دیده شد ولی خون این قدر است که به انگشت آن مالید شده و جاری نگردیده وضوء نمی‌شکند.

مسئله ۳۱: اگر در چشم دانه زخم بود و آن را پاره کرد یا خود پاره شد و آب آن در چشم ریخت اگر آن آب از چشم بیرون آمد وضوء می‌شکند، و اگر بیرون نیامد وضوء نمی‌شکند و همچنین در گوش و بینی اگر زخمی بود در صورت پاره شدن اگر آب و

۱- قبل.

۲- دبر.

چرک در محلی که شستن آن در غسل فرض است رسیده وضوء می‌شکند و اگر نرسید بدن محل نمی‌شکند.

مسئله ۳۲: اگر پوست بالای زخم را برداشت و خون یا زرداب دیده شد ولی از محل خود تجاوز نکرد وضوء باقی است و اگر تجاوز کرد وضوء می‌شکند.

مسئله ۳۳: اگر از زخم کم کم خون بیرون می‌آید و بر زخم خاک یا پنبه می‌گذاشت، بعداً مشاهده نماید اگر خون به اختیار خود از محل زخم تجاوز می‌کرد وضوء می‌شکند اگر تجاوز نمی‌کرد وضوء نمی‌شکند.

مسئله ۳۴: اگر در آب دهان خون دیده شد و خون بسیار کم است که رنگ آب دهان سفید یا به زردی مشابه است وضوء نمی‌شکند، و اگر خون از آب بیشتر است یا برابر است که رنگ آب دهان به سرخی مشابه است وضوء می‌شکند.

مسئله ۳۵: اگر با دندان چیزی را شکست یا دندان را خلال کرد و بر آن اثر خون مشاهده گردید ولی در آب دهان اصلاً خون مشاهده نمی‌شود وضوء نمی‌شکند.

مسئله ۳۶: اگر زالویی خون بدن را مکید و پر از خون گردید به اندازه‌ای که اگر پاره شود خون جاری می‌شود وضوء می‌شکند، و اگر خون مکیده شده بسیار کم بود که اگر پاره شد خون جاری نمی‌شود وضوء نمی‌شکند.

مسئله ۳۷: اگر پشه یا مگسی خون از بدن مکیدند وضوء نمی‌شکند.

مسئله ۳۸: اگر به وسیله سرنگ آمپول خون از بدن کسی کشیده شد به اندازه‌ای که سرنگ پر گردیده وضوء می‌شکند.

مسئله ۳۹: اگر گوش کسی درد می‌کرد و از آن آب بیرون آمد این آب نجس است، اگرچه زخم مشاهده نشود، لذا وضوء از بیرون آمدن آن آب می‌شکند بشرطی که از محلی که شستن آن در غسل فرض است تجاوز نماید، و همچنین اگر از ناف دردناک آب بیرون آید یا از چشمی که سوزش یا خارش یا درد دارد آب بیرون آید وضوء می‌شکند، و اگر بدون درد یا زخم آب از چشم بیرون آمدن کننده وضوء نیست.

مسئله ۴۰: اگر استفراغ کرد و در آن غذا یا آب و غیره بود اگر دهان پر شد وضوء می‌شکند، و اگر دهان پر نشد وضوء بر حال خود باقی است. و اگر قی خون بود در صورتی که صاف باشد چه کم و چه زیاد وضوء می‌شکند و اگر غلیظ باشد که پری دهان باشد و پاره پاره بیرون آید وضوء را باطل می‌کند، و اگر مقدار قی دهان را پر کنند وضوء نمی‌شکند.

مسئله ۴۱: اگر کم کم استفراغ نمود در صورتی که همه جمع کرده شود دهان پر می‌شود اگر سبب یکی باشد وضوء می‌شکند و اگر سبب یکی نباشد وضوء نمی‌شکند. منظور از سبب همان حالت تهوع و شورش است.

مسئله ۴۲: اگر شخص دراز کشید و خواب شد یا به چیزی تکیه کرد و خواب شد بطوری که اگر آن چیز برداشته شود به زمین می‌افتد وضوء می‌شکند، و اگر در حالت قیام یا قعود خوابید وضوء نمی‌شکند، و اگر در سجده خوابید اگر نمازگزار زن است وضوء می‌شکند، و اگر مرد است و سجده به هیئت سنت بجای آورده وضوء نمی‌شکند، و اگر خلاف طریق سنت سجده بجا آمد یعنی اعضاء در حالت سجده شل شد و تغییرات پیدا کرد وضوء می‌شکند.

مسئله ۴۳: اگر نماز خواننده در حالت نشستن خوابید بطوری که بالا و پائین می‌شود ولی به زمین نمی‌افتد وضوء نمی‌شکند، و اگر به زمین افتاد و فوراً چشم را باز کرد هم نمی‌شکند و اگر بعد از افتادن چند ثانیه بعد چشم را گشود وضوء می‌شکند.

مسئله ۴۴: اگر شخص وضوء دارنده بی‌هوش شد یا به واسطه جنون عقل آن از بین رفت وضوء می‌شکند چه مدت بی‌هوشی کم باشد و چه زیاد، همچنین دیوانگی، و اگر چیز نشه آوری استعمال کرد و نشه شد اگر در رفتارش کجی پیدا شود وضویش می‌شکند، و اگر کجی پیدا نشود نمی‌شکند.

مسئله ۴۵: اگر شخص در نماز خندید که خودش و رفقای دو طرفش آواز خنده را شنیدند وضوء می‌شکند و نمازش فاسد می‌شود، و اگر صدای خنده را خویش شنید و

رفیقش نشنید نماز فاسد و وضوء نمی‌شکند، و اگر وقت خندیدن دندان‌ها آشکار شد و آواز بیرون نیامد وضوء نمی‌شکند و نماز هم فاسد نمی‌شود.

تبصره: خنده بچه صغیر اگر چه قهقهه باشد وضویش را نمی‌شکند، خنده شخصی در نماز جنازه و سجده تلاوت شکننده وضوء نیست.

مسئله ۴۷: اگر بعد از وضوء عورت خود یا دیگری را دید یا بدون لنگ وضوء گرفت و غسل کرد وضویش صحیح است، البته بدون عذر به عورت خود یا دیگری نگاه کردن و بدون لنگ در محل عموم غسل کردن گناه است.

مسئله ۴۸: هر چیزی که به واسطه بیرون شدن آن وضوء می‌شکند نجس است و هر چیزی که وضوء از خارج شدن آن نمی‌شکند مثل اینکه مقداری از خون زخم بطوری که اطراف زخم آلوده نشود به وسیله پنبه ای برداشته شود پاک است اگر به لباس با بدن ترشح شود نجس نمی‌شود.

مسئله ۴۹: بچه شیرخواره اگر شیر قی کرد اگر به اندازه پری دهان است، نجس است و به هر جا بریزد بدون شستن آن نماز درست نیست، و اگر به این مقدار نباشد پاک و بدون شستن آن نماز درست است.

مسئله ۵۰: اگر وضوء گرفتن یادش بود و در شکستن آن شک شد وضوء باقی است و نماز درست است، ولی مجدداً وضوء گرفتن بهتر است، و اگر در شکستن وضوء شک داشت و جانب شکستن ترجیح داشت وضوء شکسته محسوب می‌شود و نماز درست نیست.

مسئله ۵۱: اگر در میان نحوه گرفتن شک کرد که فلان عضو را شسته است یا خیر، عضو مشکوک را مجدداً بشوید و اگر بعد از وضوء این شک پیش آمد هیچ پروا نکند وضوء آن کامل است مگر به شستن یقین حاصل شود که شستن آن حتماً لازم است.

مسئله ۵۲: بدون وضوء قرائت قرآن از حفظ جائز است، مساس قرآن بدون وضوء درست نیست. و اگر قرآن مجید را باز کرده بدون دست زدن تلاوت کرد اشکالی ندارد،

اگر قرآن را به پارچه‌ای که از قرآن جداست گرفته تلاوت نشود صحیح است. بدون وضوء دست کشیدن دعا یا ظرفی که بر آن قرآن نوشته شده جائز نیست.

احکام معذور

مسئله ۵۳: کسی که در بدن آن زخمی است که همیشه خون و چرک از آن در جریان است یا مبتلا به مرض سلسله بول است یعنی همیشه قدری پیش آب از شخص خارج می‌شود یا بطور دائمی از آن باد خارج می‌شود یا از بینی آن همیشه خون در جریان است این شخص معذور گفته می‌شود، و حکم آن این است که: در وقت هر نماز وضوء بگیرد و تا وقتی که وقت باقی است وضوء آن هم ثابت و با آن وضوء هر نمازی را می‌تواند بخواند و همین که وقت تمام شد وضوء آن می‌شکند و برای نماز دیگر وضوء مجدد لازم است، البته در بین وقت اگر شکننده‌ای غیر از این عذر بوجود آید وضوء آن می‌شکند و باید وضوء جدیدی بگیرد.

مسئله ۵۴: اگر شخص معذور وقت بامداد وضوء گرفت بعد از طلوع آفتاب وضویش می‌شکند، و اگر بعد از برآمدن آفتاب وضوء گرفت با آن وضوء نماز ظهر را می‌تواند اداء نماید و بداخل شدن وقت عصر وضوء آن باطل می‌شود.

مسئله ۵۵: اگر در بدن زخمی است که همیشه از آن خون یا زرد آب جاری است، اگر این شخص وضوء گرفت و بعد از وضوء زخم دیگری بوجود آمد و از آن خون جاری شد وضوء آن می‌شکند.

مسئله ۵۶: انسان به واسطه این عذرهای وقتی معذور شمرده می‌شود که وقت نماز کامل بر آن بگذرد و خون و غیره از آن زخم جریان داشته باشد، یعنی این قدر فرصت نیابد که در آن نماز را با وضوء اداء کند و اگر این فرصت برایش میسر باشد معذور گفته نمی‌شود و این حکم برای آن نیست، البته در اوقات دیگر جاری بودن خون بطور دائمی شرط نیست بلکه اگر گاهی جاری و گاهی مسدود باشد معذور گفته می‌شود.

مسئله ۵۷: اگر چند دقیقه از وقت نماز ظهر گذشت که خون جریان پیدا کرد تا لحظات آخر وقت انتظار کشد اگر خون ایستاد وضوء گرفته نماز خواند، و اگر نه ایستاد هم وضوء گرفته نماز را اداء نماید بعداً در وقت عصر اگر مرتباً خون جاری بود و قطعاً نه ایستاده آن وقت معذور است، و حکم معذور بر آن جاری می‌شود. و اگر در وقت عصر خون ایستاد معذور گفته نمی‌شود و نماز ظهر را باید قضا بیاورد.

مسئله ۵۸: شخص معذور اگر بعلت غیر از عذر وضوء گرفت و بعد از وضوء عذر آن مجدداً بوجود آمد باید مجدداً وضوء بگیرد.

مسئله ۵۹: اگر خون یا پیش آب و غیره شخص مذکور به لباس ریخت، شخص معذور نظر کند که اگر پیش از اتمام نماز مجدداً خواهد ریخت شستن آن لازم نیست و اگر تصور می‌رود که به این زودی نمی‌ریزد شستن آن لازم است.

غسل

احکام غسل

برابر دستورات شریعت مقدس اسلام غسل کننده باید در ابتداء غسل هر دو دست خود را تا مچ‌ها بشوید و بعد استنجاء بزند، و اگر بر بدن آن نجاستی باشد آن را دور گرداند و بعد وضوء بگیرد مثل وضوء نماز، مگر محل غسل طوری باشد که آب مستعمل در آن جمع شد و در این صورت هر دو پای خود را بعد از غسل هنگام بیرون رفتن از آنجا بشوید و بعد از غسل وضوء جدیدی لازم نیست.

مسئله ۶۰: این طریق غسل که بیان گشت موافق سنت است، و در آن بعضی کارها فرض است که بدون آن غسل درست نیست. و شخص همانطور جنب می‌ماند و بعضی افعال سنت است که انجام آن‌ها دارای ثواب است و اگر انجام نداد غسل درست است.

فرائض غسل

مسئله ۶۱: در غسل سه چیز فرض است، اول: آب در دهان کردن که تمام دهان را فراگیرد و شسته شود، دوم: آب در بینی کردن بطوری که تا انتهای نرمی دماغ برسد، سوم: شستن تمامی بدن یک مرتبه.

مسئله ۶۲: در وقت غسل کردن باید روی بطرف قبله نکند، و در آب اسراف ننماید، و در جائی غسل کند که کسی او را نبیند، و در وقت غسل کردن سخن نگوید، و بعد از غسل بدن خود را خشک نماید و سپس در پوشیدن لباس عجله کند.

مسئله ۶۳: اگر در محلی که غسل می‌کند کسی آن را نمی‌بیند بدون لنگ غسل کردن درست است و بالنگ بهتر است.

مسئله ۶۴: نیت در غسل واجب نیست وقتی که مضمضه و استنشاق کرد و آب را بر همه بدن جاری نمود غسل تمام شد اراده غسل باشد یا نه.

مسئله ۶۵: اگر در بدن به اندازه سر سوزنی خشک ماند یا مضمضه و استنشاق را فراموش کرد غسل درست نیست.

مسئله ۶۶: اگر بعد از غسل یادش آمد که فلان موضع خشک مانده مجدداً غسل لازم نیست، بلکه همان محل را بشوید و کشیدن دست تر کافی نیست، و همچنین مضمضه و استنشاق را اگر فراموش کرد تجدید غسل لازم نیست بلکه مضمضه و استنشاق را انجام دهد غسل صحیح است.

مسئله ۶۷: اگر به واسطه مرض ریختن آب بر سر مضر است سر را ترک کرده بقیه بدن را بشوید، البته بعد از سالم شدن و شفایافتن شستن سر ضروری است.

مسئله ۶۸: اگر غسل کننده مرد است و موی بر سر دارد و موی خود را بافته است، وقت غسل کردن باز کردن موها لازم است، و اگر غسل کننده زن است در صورت تر شدن بیخ موها گشادن آنها لازم نیست و اگر بیخ موها تر نمی‌شود باید موهای خود را بگشاید.

مسئله ۶۹: اگر انگشتر یا گوشواره و ساعت و غیره طوری است که در وقت وضوء و غسل خود می چرخد چرخانیدن آن لازم نیست، و اگر بخودی خود نمی چرخد باید چرخانیده شود تا آب به قسمت زیر آنان برسد.

مسئله ۷۰: اگر به ناخن خمیر یا گل و سیمان چسبیده و مانع رسیدن آب بود غسل درست نیست، باید بعد از دیدن زیر ناخن صاف گردد و شسته شود و پیش از این اگر نماز خوانده باید اعاده گردد و همچنین است حکم لاک پشت ناخن.

مسئله ۷۱: اگر دست و پا ترکیده و آنها را از روغن و موم و غیره پر کرده جاری نمودن آب بر بالای آنها کافی است.

مسئله ۷۲: داخل کردن آب در گوش و ناف لازم است ولی آب نوشید بطوری که همه دهان را آب رسید غسل درست است.

مسئله ۷۳: اگر در وقت غسل مضمضه نکرد ولی آب نوشید بطوری که همه دهان را آب رسید غسل درست است.

مسئله ۷۴: اگر مویها یا دست و پا یا باقی بدن چرب است که آب قرار نمی گیرد، غسل صحیح است.

مسئله ۷۵: اگر در میان دندانها پاره گوشت و نان و غیره ماند و مانع رسیدن آب شد غسل صحیح نیست.

مسئله ۷۶: اگر برای دندانهای سالم و روکش طلا و غیره گذاشته شده غسل صحیح نیست و اگر دندان مریض است و طبیب دستور داده است مانعی ندارد.

مسئله ۷۷: زنانی که در وقت عروسی و غیره روغن یا سرخی و وسمه چسب دار بر سر و روی و لب و ناخن می زنند و در وقت غسل یا وضوء آنها را پاک نمی کنند و همانطور چسبیده بر روی آنها آب جاری می کنند وضوء و غسل شان صحیح نیست.

مسئله ۷۸: اشخاصی که درد چشم دارند و چشم شان چرکین شده باید در موقع وضوء و غسل پلک‌ها را باز نمایند و اگر پلک‌ها بهم چسبیده بود و باز نکردند، وضوء و غسل شان صحیح نیست.

بیان آب‌هایی که وضوء و غسل با آن‌ها درست است و آن‌ها که درست نیست

مسئله ۷۹: با آب باران، رودخانه، چشمه، چاه و دریا وضوء و غسل صحیح است، آب شیرین باشد یا غیر شیرین.

مسئله ۸۰: با آب میوه و آبی که از درخت یا برگ آن فشرده شده است وضوء و غسل صحیح نیست.

مسئله ۸۱: هر آبی که با آن چیزی مخلوط گشته یا در آن چیزی پخته شده که در عرف عام به آن آب گفته نمی‌شود بلکه چیزی بر اسم آن افزوده گشته مثل: آب گوشت، گلاب و غیره وضوء و غسل با آن درست نیست.

مسئله ۸۲: آبی که با آن چیزی پاک مخلوط شده بطوری که در رنگ، یا مزه، یا بوی آن کمی فرق آمده ولی آن چیز در آب ریخته نشده و در وقتش تغییری بوجود نیامده مثل آب جاری که در آن شن مخلوط شده، یا صابون یا زعفران و قدری در یکی از اوصاف سه گانه‌اش تغییر بوجود آمده وضوء و غسل درست است.

مسئله ۸۳: اگر در آب چیزی پخته گردیده که به واسطه آن رنگ، یا مزه یا بوی آن فرق کرده مثل آب نخود و باقلا وضوء و غسل درست است.

مسئله ۸۴: اگر برای رنگ دادن لباس زعفران و غیره انداخته شده در آن آب، وضوء و غسل صحیح نیست.

مسئله ۸۵: اگر در آب شیر و ماست مخلوط گشته، اگر رنگ شیر و غیره غالب است وضوء و غسل درست نیست و بالعکس درست است.

مسئله ۸۶: اگر در بیابان و کوه آب اندک دیده شد تا مادامی که به نجاست آن یقین حاصل نشود باید با آن آب وضوء گرفته شود به محض اینکه ممکن است این آب نجس

باشد وضوء را بدان ترک نکند، و اگر وضوء را ترک کرد که شاید نجس باشد و تیمم گرفت تیممش درست نیست.

مسئله ۸۷: اگر در چاه و حوض بزرگ برگ افتاد و آب بدبوی شد و رنگ و مزه‌اش تغییر کرد ولی در وقت و سیلاننش تغییری پیدا نشد وضوء و غسل درست است.

مسئله ۸۸: اگر در آب نجاست بیفتد با آن آب وضوء و غسل درست نیست، خواه نجاست کم باشد یا زیاد. البته اگر آب جاری است یا در حکم جاری مثل حوضی که تقریباً ۳۶ متر مربع باشد تا مادامی که یکی از اوصاف سه گانه‌اش که رنگ و بوی و مزه باشد تغییر پیدا نکند وضوء و غسل صحیح است.

مسئله ۸۹: آبی که پرکاهی یا برگ درختی یا امثال این‌ها را ببرد جاری گفته می‌شود اگرچه جریانش آهسته صورت گیرد.

مسئله ۹۰: حوض ده در ده شرعی که مساحتش ۳۶ متر است و عمقش به قدری باشد که هنگام برداشتن آب به وسیله دست زمین معلوم نشود، اگر در آن نجاست غیر دیدنی بیفتد مثل شراب، پیش آب و غیره بر چهار طرف آن وضوء درست است، و اگر نجاست دیدنی بیفتد مثل سرگین یا حیوانی خود مرده و غیره به همان طرف وضوء درست نیست و به سه طرف دیگر درست است به شرطی که در اوصاف سه گانه‌اش تغییری نیاید، و اگر در یکی فرق آمد وضوء جائز نیست.

مسئله ۹۱: اگر یک جوی آب دو متر پهنا داشت و هیجده متر درازا، آن جوی در حکم حوض بزرگ است.

مسئله ۹۲: اگر بر سطح بام خانه نجاست موجود بود و باران بارید و از ناودان به زمین می‌ریخت باید ملاحظه شود که: اگر نصف سطح یا بیشتر آن ملوث به نجاست است آب فرود آمده از ناودان نجس است، و اگر کم‌تر آن ملوث است آب پاک. و اگر نجاست در جلوی ناودان جمع بود و همه آب از بالای نجاست به زمین می‌ریخت آن نجس است.

مسئله ۹۳: اگر آب آهسته حرکت می‌کرد، آرام آرام وضوء بگیرد تا آب مستعمل مجددا در استعمال وضوء گیرنده مصرف نگردد.

مسئله ۹۴: اگر در آب کافر یا بچه کوچک (طفل نادانی) دست خود را فرو برد اگر بر دست‌های آنان نجاست ظاهر نباشد آب نجس نمی‌شود، ولی چون به بچه‌های کوچک زیاد اطمینان نیست اگر آب بهتر موجود است با آن وضوء گرفته شود.

مسئله ۹۵: اگر در آب حیوانی که خون ندارد مرد مثل پشه، زنبور، مگس یا در بیرون آب مرد و به آب افتاد آب نجس نمی‌شود، وضوء و غسل با آب جائز است.

مسئله ۹۶: حیواناتی که پیدایش و زندگانی آنان در آب است مثل ماهی، مگس (قورباغه) اگر در آب بمیرند آب نجس نمی‌شود، و همچنین اگر در غیر آب مثل شیر، روغن، شیره بیفتد و بمیرند آن‌ها نجس نمی‌شوند.

تذکر: حکم قورباغه آبی و خاکی یکی است، اگر قورباغه خاکی خون داشت به مرگ آن در آب، آب نجس می‌شود.

تذکر: فرق بین قورباغه آبی و خاکی این است که میان پنجه‌های آبی پرده دارد و خاکی ندارد.

مسئله ۹۷: هر حیوانی که در آب زندگی کند ولی پیدایش آن در آب نباشد مثل مرغابی و غیره اگر در خارج آب بمیرد و در آب بیفتد و یا در داخل آب بمیرد آب نجس می‌شود.

مسئله ۹۸: مگس و غیره اگر در آب بمیرد و ریزه ریزه شود آب پاک است ولی از لحاظ طبی نوشیدن و غذا درست کردن با آن جائز نیست.

مسئله ۹۹: آبی که با آفتاب گرم شده چون استعمال آن احتمال پیدا شدن داغ‌های سفید در بدن دارد از وضوء و غسل با آن اجتناب بهتر است.

مسئله ۱۰۰: پوست حیوان خود مرده وقتی به وسیله آفتاب و غیره آتش داده شود و خشک گردد بطوری که به واسطه گذشت زمان خراب نشود، نماز در روی آن جائز است

مگر پوست خوک که به هیچ عنوان پاک نمی‌شود، البته پوست انسان پاک می‌شود ولی استعمال آن از جهت شرافت انسانیت جائز نیست.

مسئله ۱۰۱: حیوان حرام گوشت که پوست آن با آتش دادن پاک می‌شود اگر سر بریده شود و در موقع سر بریدن بسم الله گفته شود، بدون آتش دادن پوست آن پاک است ولی گوشت آن حرام است برای خوردن.

مسئله ۱۰۲: استخوان، شاخ، دندان، شیر موجود در پستان، تخم آماده از حیوان خود مرده پاک است، مگر که ملوث به روغن و خون و غیره باشند که بدین واسطه نجس و آب را نیز نجس می‌کنند.

مسئله ۱۰۳: استخوان و موی انسان پاک است ولی از جهت عزت و شرافت انسانی از استعمال آنها خودداری شود.

مسائل و احکام آب چاه

مسئله ۱۰۴: وقتی در چاه نجاستی بیفتد، چاه نجس می‌شود، آن نجاست کم باشد یا زیاد، باید همه آب کشیده شود وقتی تمام آب کشیده شود چاه پاک می‌شود و همچنین دیوار، ریسمان، دلو پاک می‌گردند و احتیاج به شستن مجدد نیست.

تبصره: مقصود از کشیدن تمام آب چاه این است که: باید آب چاه تا موقعی که دلو بعد از انداختن در چاه نصفه از آب نشده بیرون آید آب کشیده شود.

مسئله ۱۰۵: اگر در چاه پس افکنده کبوتر یا گنجشک افتد نجس نمی‌شود، و اگر از مرغ یا مرغابی افتد نجس می‌شود و همه آب باید کشیده شود.

مسئله ۱۰۶: اگر در چاه گاوی یا گوسفندی یا گربه‌ای یا سگی پیش آب کند و همچنین حیوانی دیگر یا انسان چاه نجس می‌شود و همه آن آب باید کشیده شود.

مسئله ۱۰۷: اگر در چاه آدمی، یا گوسفندی یا مثل این‌ها حیوانی دیگر افتاده و بمیرد باید همه آب کشیده شود و اگر در بیرون بمیرد و در چاه افتد نیز همین حکم است.

مسئله ۱۰۸: اگر حیوانی زنده در چاه افتاد و مرد و بعد از مردن باد کرده یا پاره پاره شده تمام آب چاه باید کشیده شود، این چنین حیوان بزرگ باشد یا کوچک فرق ندارد.

مسئله ۱۰۹: اگر موشی یا گنجشکی یا به اندازه این‌ها حیوان دیگری در چاه افتاد و مرد ولی نپوسید و ریزه ریزه هم نشد، حتما باید بیست دلو برای تطهیر چاپ آب کشیده شود و اگر سی دلو کشیده شود بهتر است. باید توجه داشت که دلوهای مقرر در موارد بعد از بیرون آوردن نعش حیوان افتاده حساب می‌گردد.

مسئله ۱۱۰: اگر کبوتر یا مرغی یا به اندازه آن‌ها حیوانی دیگر افتاد و مرد حتما چهل دلو آب باید کشیده شود و اگر شصت دلو کشیده شود بهتر است.

مسئله ۱۱۱: معتبر دلوی است که از چاه با آن کشیده می‌شود، لذا اگر به دلوی بزرگ‌تر یا کوچک‌تری غیر از دلو خود چاه کشیده شد باید به دلو چاه محاسبه گردد.

مسئله ۱۱۲: اگر چاه چشمه سار است که کشیدن آب آن دشوار می‌باشد اول باید اندازه گیری شود و سپس به همان اندازه آب کشیده شود، مثلا اول پی در پی پنجاه دلو بیشتر یا کم‌تر کشیده شود و دیده شود که چه اندازه آب کم شد؟ بعداً بهمان مقیاس و اندازه آب کشیده شود، اگر پنجاه دلو یک متر آب را کم کرد و چاه مثلا پنج متر آب روی هم دارد برای چهارمتر دیگر دوپس دلو آب کشیده شود.

مسئله ۱۱۳: اگر از چاه موش مرده بیرون آمد و معلوم نیست چه موقعی افتاده اگر بدنش نپوسیده و یا نفخ نکرده بود اعاده پنج وقت نماز، شستشوی ظروف و لباسی که در ظرف یک شبانه روز شسته شده لازم می‌باشد، و اگر بدنش پوسیده یا ریزه ریزه شده بود اعاده سه شبانه روز نماز و شستشوی ظروف و لباسی که پیش از سه روز با آن آب شسته شود، لازم است. و اگر نان یا خمیر از این آب موجود بود استفاده نشود.

مسئله ۱۱۴: اگر بر کسی غسل واجب شد و برای بیرون آوردن دلو به چاه رفت و حال اینکه بر بدن آن نجاست ظاهری نبود، چاه نجس نمی‌شود و همین حکم درباره

شخص کافر است، و اگر بر بدن بیرون آورنده دلو نجاست ظاهری بود چاه نجس می شود و کشیدن همه آب لازم است و اگر شک بود در این صورت چاه پاک است.

مسئله ۱۱۵: اگر در چاه بزی یا موشی افتاد و زنده بیرون آورده شد چاه پاک است.

مسئله ۱۱۶: اگر گربه موشی گرفت و زخمی اش کرد، موش خود را نجات داده به چاه افتاد چاه نجس می شود و تمامی آب آن باید کشیده شود.

مسئله ۱۱۷: اگر دم موشی یا چلپاسه قطع شده به چاه افتاد تمام آب آن باید کشیده شود.

مسئله ۱۱۸: اگر در چاه چیزی افتاد و با وجود کوشش زیاد بیرون آورده نشد، باید ملاحظه شود که آیا خود آن پاک است یا خیر، اگر خود آن پاک بود به واسطه اتصال نجاست به آن چاه نجس نمی شود و بعد از سعی و کوشش بیرون نیامدن آن معاف است، و اگر آن چیز افتاده در چاه نجس بود مثل موش یا حیوان خود مرده و غیره در این صورت تا وقتی که یقین حاصل نشود که آن خاک شده و نابود گردیده چاه نجس است و بعد از حصول یقین تمام آب کشیده شود آنوقت چاه پاک می گردد.

مسئله ۱۱۹: بعد از کشیدن آبی که کشیدن آن واجب است چاه پاک می شود خواه این مقدار یکدم کشیده شود یا کم کم.

بیان احکام پسخور حیوانات

مسئله ۱۲۰: پسخور انسان پاک است، مسلمان باشد یا کافر، در حالت حیض باشد یا جنابت و همچنین عرقش البته اگر دست یا دهان ملوث به نجاست باشد پسخور آن نجس است.

مسئله ۱۲۱: پسخور سگ نجس است اگر در ظرف پوزه خود را داخل کرد به سه مرتبه شستن پاک می شود، خواه سفالی باشد یا غیر سفالی ولی بهتر است که هفت مرتبه شسته شود یک مرتبه با خاک.

مسئله ۱۲۲: پسخور خوک، شیر، گرگ، پلنگ و دیگر حیوانات درنده نجس است.

مسئله ۱۲۳: پسخور گربه با کراهیت پاک است، در بودن آب تمیز با آن وضوء گرفته نشود.

مسئله ۱۲۴: اگر در نان خورش و شیر و غیره گربه پوزه زد و از آن مقداری خورد اگر صاحبش ثروتمند است و زمانی است که احتیاج زیادی به غذا نیست نباید از این غذا خورده شود، و اگر صاحبش فقیر است و یا موقعیت غیر این است خوردنش اشکالی ندارد.

مسئله ۱۲۵: اگر گربه موشی خورد و فورا در ظرف و غیره پوزش زد نجس می شود و اگر قدری توقف کرد بعدا پوزه زد مکروه است.

مسئله ۱۲۶: مرغ خانگی که رهاست و به هر طرف می رود پسخور آن مکروه است.

مسئله ۱۲۷: پسخور پرندگان شکاری مانند باز و غیره مکروه است.

مسئله ۱۲۸: پسخور حیوانات حلال گوشت و پرندگان حلال گوشت پاک است.

مسئله ۱۲۹: پسخور حیواناتی که در منازل جای دارند مثل مار، موش و غیره مکروه است.

مسئله ۱۳۰: اگر موش از نان خورد، محل خورده شده بیرون انداخته شود و بقیه خورده شود.

مسئله ۱۳۱: پسخور خر و قاطر مشکوک است، اگر آب غیر از این وجود نداشت باید هم وضوء گرفته شود و هم تیمم و هر یک را مقدم نماید اشکالی ندارد.

مسئله ۱۳۲: هر حیوانی که پسخور آن پاک باشد، عرق آن نیز پاک است و حیوانی که پسخور آن ناپاک است عرق آن نیز ناپاک است.

مسئله ۱۳۳: اگر گربه خانگی و غیره دست یا چیز دیگری را لیسید، باید شسته شود.

مسئله ۱۳۴: پسخور مرد نامحرم برای زن و بالعکس در صورت التذاذ مکروه است.

بیان احکام تیمم

مسئله ۱۳۵: اگر شخص در بیابان است و معلوم نیست که آب در کجا است و کسی هم در آنجا نیست که سوال نماید در این چنین موقعی می‌تواند تیمم بگیرد. و اگر کسی بود و آن در یک کیلومتری شرعی نشان آب را داد و گمان غالب است که راست می‌گوید یا به دیگر علامتی پی برد که در این اندازه مسافت آب است اگر در تلاش آب به خود شخص و رفقاء مشقتی پیش نمی‌آید طلب کردن آب لازم است، و پیش از جستجو تیمم جائز نیست و اگر یقین بوجود آب باشد آوردن آن واجب است.

تبصره: کیلومتر شرعی طبق تحقیق علماء یک هزار و یک صد و بیشت و پنج متر است در صورتی که کیلومتر معمولی یک هزار متر است.

مسئله ۱۳۶: اگر محل آب معلوم شد ولی یک کیلومتر شرعی دورتر است، آوردن آب واجب نیست، بلکه تیمم جائز است.

مسئله ۱۳۷: اگر از آبادی به اندازه یک کیلومتر دور است و از یک کیلومتر نزدیک‌تر آب نیست تیمم جائز است، خواه مسافر باشد یا نه.

مسئله ۱۳۸: اگر در راه به چاه آبی رسید ولی دلو و ریسمان نبود تیمم جائز است.

مسئله ۱۳۹: اگر در وسط راه آب یافت ولی به اندازه‌ای بود که یک مرتبه بیشتر اعضاء چهارگانه را نمی‌تواند بشوید تیمم جائز نیست بلکه این اعضاء را شسته مسح سر نماید و سنت‌های وضوء را ترک نماید و اگر این اندازه آب نبود باید تیمم بگیرد.

مسئله ۱۴۰: اگر مرض به واسطه استعمال آب زیاد می‌گردد و یا در صحت تاخیر پیدا می‌شود تیمم بگیرد، و اگر استعمال آب مطلقاً مضر است حکم آن همین است و اگر آب سرد مضر است گرم کرده شود مگر که وسائل گرم کن موجود نشود.

مسئله ۱۴۱: اگر آب در مسافت کم‌تر از یک کیلومتر وجود دارد، برای زن به واسطه شرم کردن از مردها تیمم زدن جائز نیست بلکه تا حد امکان حجاب کرده آب بیاورد و در محل خلوت وضوء گرفته نماز بخواند.

مسئله ۱۴۲: تا مادامی که برای نماز خوان آب میسر نشود تیمم زده نماز را بخواند و هیچ وقت وسوسه بخود راه ندهد.

مسئله ۱۴۳: اگر آب به قیمت داده می شود، در اینصورت اگر اضافه از مخارج سفر پول در اختیار داشت و قیمت هم قیمت روز بود آب خریداری نماید و تیمم جائز نیست، و اگر پول اضافه از هزینه سفر نداشت یا داشت ولی از قیمت روز زیادتر بود تیمم گرفتن جائز است.

مسئله ۱۴۴: اگر هوا سرد است که وضوء یا غسل سبب مریضی می شود تیمم جائز است.

مسئله ۱۴۵: اگر بیشتر بدن کسی زخم داشت یا آبله و سرخک بیرون کرده تیمم زده نماز بخواند.

مسئله ۱۴۶: اگر در بیابان تیمم زد و نماز بخواند و آب در همان نزدیکی یافت می شود ولی اطلاع نداشت نماز و تیمم هر دو جائز است و بعد از آگاهی اعاده لازم نیست.

مسئله ۱۴۷: اگر در راهی با چند رفیق همسفر است و رفقاء آب دارند از آن ها مطالبه کند اگر آب دادند وضوء بگیرد، و إلا تیمم زده نماز بخواند، و اگر به گمان اینکه رفقاء آب نخواهند داد تیمم زد و نماز بخواند و بعد مطالبه کرد و به او آب دادند باید وضوء گرفته نماز را دو مرتبه بخواند.

مسئله ۱۴۸: اگر ظرفی سر بسته از آب زمزم همراه داشت تیمم گرفتن جائز نیست بلکه سر آن را باز کرده با آن وضوء بگیرد مگر آب خیلی کم باشد که کفایت شستن یک مرتبه اعضا چهارگانه را نکند در آن صورت تیمم بگیرد.

مسئله ۱۴۹: اگر آب برای آشامیدن داشت و از آشامیدن بیشتر نبود تیمم جائز است.

مسئله ۱۵۰: اگر برای شخص جنب غسل مضر بود و وضوء ضرر نداشت باید وضوء بگیرد و بعوض غسل تیمم زند.

مسئله ۱۵۱: اگر کسی احتیاج به غسل و وضوء دارد یک تیمم برای هر دو کافی است.

مسئله ۱۵۲: زمین و هر چیزی که از جنس زمین باشد تیمم با آن جائز است.
تبصره: هر چیزی که با آتش نسوزد و باز نشود از جنس زمین است و هر چیزی
بسوزد و یا باز شود از جنس زمین نیست و بر خاکستر تیمم زدن جائز نیست.

مسئله ۱۵۳: بر ظروفی که از مس و شیشه و برنج و امثال اینها ساخته شده و
همچنین بر لباس تیمم جائز نیست ولی اگر بر روی آنها گرد باشد که به سبب دست
زدن گرد بلند شود تیمم جائز است و بر ظروف سفالی تیمم جائز است، خواه گرد باشد
یا نه.

مسئله ۱۵۴: اگر بر سنگ قطعا گرد نباشد تیمم جائز است و همچنین بر آجر.

مسئله ۱۵۵: بر گل تیمم جائز است مگر مناسب نیست، و اگر غیر از گل دیگر چیزی
یافت نشد مقداری از گل را در دستمال بسته تا خشک شود بعد بر آن تیمم زند.

مسئله ۱۵۶: اگر بر زمین بول یا دیگر نجاستی ریخته که بر اثر آفتاب خشکیده و بوی
آن از بین رفته بر آن زمین تیمم جائز نیست ولی نماز خواندن جائز است.

مسئله ۱۵۷: همانطور که در عوض وضوء در موقع عذر تیمم جائز است در عوض
غسل نیز جائز است و طریق هر دو یکی است.

مسئله ۱۵۸: اگر برای آموختن به کسی تیمم گرفت و نیت تیمم نداشت آن تیمم جائز
نیست به واسطه اینکه نیت در تیمم فرض است.

مسئله ۱۵۹: در وقت تیمم گرفتن همین اندازه نیت داشته باشد که برای حصول پاکی
تیمم می‌زنم یا برای نماز خواندن کافی است.

مسئله ۱۶۰: اگر برای مساس قرآن تیمم گرفته شد نماز خواندن با آن تیمم جائز
نیست و اگر برای نماز خواندن تیمم زد می‌تواند با آن نماز دیگری را بخواند و قرآن را
مساس کند.

مسئله ۱۶۱: اگر کسی تیمم گرفت و نماز خواند بعدا آب در وقت میسر گشت اعاده
نماز واجب نیست.

مسئله ۱۶۲: اگر آب از یک کیلومتر کم‌تر دور است ولی وقت تنگ است که به رفتن در محل آب وقت فوت می‌شود تیمم جائز نیست باید محل آب برود وضوء بگیرد اگر وقت باقی ماند فبها وإلا نماز را قضائی بجا آورد.

مسئله ۱۶۳: اگر در موقع وجود آب برای مساس کردن قرآن تیمم گرفت جائز نیست.

مسئله ۱۶۴: اگر امید رسیدن به آب در آخر وقت بود در اول وقت برای نماز تیمم نزنند بلکه انتظار کشد اگر در آخر وقت به آب رسید وضوء گرفته نماز بخواند و اگر نرسید تیمم گرفته نماز را اداء نماید، و اگر در اول وقت به تیمم نماز خواند جائز است ولی سعی شود که وقت به کراهیت نکشد.

مسئله ۱۶۵: اگر آب موجود است ولی این خوف است که اگر وضوء گیرد از ماشین یا قطار می‌ماند یا در سرچشمه آب مار یا دیگر گزنده یا درنده موجود است تیمم جائز است.

مسئله ۱۶۶: اگر در میان وسائل سفر آب برای وضو بود ولی فراموش کرده تیمم گرفت و نماز خواند بعد به یادش آمد اعاده نماز واجب نیست.

مسئله ۱۶۷: به هر چیزی که وضوء می‌شکند تیمم نیز می‌شکند و قدرت بر آب نیز شکننده تیمم است، و اگر تیمم گرفت و راه می‌رفت تا از اندازه شرعی کم‌تر به آب باقی ماند تیمم شکست.

مسئله ۱۶۸: اگر به واسطه مرض تیمم گرفت و بعد مرض مرتفع گشت بطوری که استعمال آب مضر نبود تیمم می‌شکند.

مسئله ۱۶۹: اگر به واسطه نبودن آب تیمم گرفت و بعد مریض شد به مرضی که استعمال آب ضرر داشت و آب هم میسر گشت تیممش باطل است باید مجدداً تیمم بگیرد، و اگر احتیاج به غسل داشت و غسل کرد ولی کمی از بدن خشک ماند و آب تمام شد باید تیمم گیرد و هرگاه آب یافت محل خشک مانده را بشوید.

مسئله ۱۷۰: اگر بدن یا لباس نجس است و احتیاج به وضوء هم دارد و آب به اندازه کافی نیست بدن یا لباس را بشوید و بجای وضوء تیمم گیرد.

بیان احکام مسح بر موزه

مسئله ۱۷۱: اگر کسی وضوء بگیرد و موزه چرمی یا جورابی که چهار نقابه به چرم باشد بپوشد وقتی مجددا خواسته باشد وضوء بگیرد می تواند بر آن موزه یا آن جوراب منعل مسح بکشد.

مسئله ۱۷۲: اگر ساق موزه کوتاه است که شتالنگ (کله) را نمی پوشاند یا بدون وضوء موزه را پوشیده مسح جائز نیست باید ساق موزه شتالنگ را بپوشاند، و وقتی موزه را بی وضوء پوشیده باید موزه را بکشد و پای خود را بشوید.

مسئله ۱۷۳: مدت مسح بر موزه برای مسافر سه شبانه روز جائز است و برای مقیم یک شبانه روز، ولی این مدت از وقت بی وضوء شدن بعد از پوشیدن موزه بر وضوء کامل حساب می شود، مثلاً شخص مسافر عصر وضوء گرفته و موزه را پوشیده و نماز عشاء بی وضوء شده حالیه از موقع نماز عشاء برایش سه شبانه روز مسح جائز است، و برای مقیم به همین ترتیب یک شبانه روز.

مسئله ۱۷۴: در حالت وجوب غسل مسح کردن بر موزه جائز نیست، باید موزه کشیده شود.

مسئله ۱۷۵: مسح بر موزه باید بر بالای آن مسح کشیده شود نه بر کف موزه.

مسئله ۱۷۶: چگونگی مسح بر موزه این است که: انگشتان دست را با آب تر کرده از سر انگشتان پا شروع کند و بطرف بالا بکشد و کف دست را نگذارد.

مسئله ۱۷۷: اگر بر پهنای (عرض) پاها مسح کرد جائز است و خلاف مستحب مرتکب شده است.

مسئله ۱۷۸: مسح بر کف پا یا دو طرف آن یا عقب پا جائز نیست.

مسئله ۱۷۹: اگر تمام انگشتان دست را بر موزه نگذاشت بلکه سرانگشتان را گذاشت مسح جائز نیست مگر در صورتی که از سر انگشتان آب بریزد و به اندازه یک انگشت بالای موزه خیس آب شود.

مسئله ۱۸۰: به اندازه سه انگشت بر هر موزه مسح فرض است و از این کم‌تر جائز نیست.

مسئله ۱۸۱: به هر چه وضوء می‌شکند مسح نیز می‌شکند، و همچنین به بیرون کردن هر دو موزه یا یکی و به تمام شدن وقت (یعنی مدت مسح).

مسئله ۱۸۲: اگر وقت مسح تمام شد و وضوء باقی است موزه‌ها را کشیده هر دو پای را بشوید و اعاده وضوء لازم نیست.

مسئله ۱۸۳: اگر بعد از مسح یک پا به آب افتاد و آب داخل موزه شد و همه پا یا از نصف بیشتر خیس شد مسح باطل است باید هر دو موزه کشیده شود و هر دو پا را بشوید.

مسئله ۱۸۴: اگر موزه پاره باشد که هنگام رفتن به اندازه سه انگشت کوچک پا گشاد شود به آن موزه مسح جائز نیست، و اگر کم‌تر باشد جائز است.

مسئله ۱۸۵: اگر کوک موزه باز شد ولی پا معلوم نمی‌شود مسح جائز است، و اگر وقت راه رفتن پا به اندازه سه انگشت کوچک معلوم می‌شود و بدون راه رفتن معلوم نمی‌گردد مسح جائز نیست.

مسئله ۱۸۶: اگر از یک موزه چند موضع پاره شده بود که در صورت یکی بودن به اندازه سه انگشت می‌شود مسح جائز نیست، و اگر به این حد نرسد جائز است.

مسئله ۱۸۷: اگر مقیم پیش از تمام شدن یک شبانه روز مسافر شد سه شبانه روز مسح نماید و اگر بعد از تمام وقت مسافر شده موزه‌ها را کشیده هر دو پا را بشوید.

مسئله ۱۸۸: مسافر اگر قبل از یک شبانه روز مقیم شد مدت اقامت که یک شبانه روز است تمام کرده موزه را بیرون نماید.

مسئله ۱۸۹: اگر بر بالای جوراب موزه پوشید بر بالای آن مسح جائز است.
 مسئله ۱۹۰: بر جوراب مسح جائز نیست مگر که بسیار محکم باشد که آب به آن طرف بعد از دست کشیدن سرایت نکند، یا چهار نقابه به چرم شده باشد، یا به ساق خود بایستد.

مسئله ۱۹۱: بر عمامه و روبند و دستینه مسح جائز نیست.

بیان چیزهایی که غسل را واجب می کند

مسئله ۱۹۲: چهار چیز واجب کننده غسل است:

(۱) بیرون آمدن آب منی که با جستن و خوشی باشد.

(۲) ادخال اندام در اندام.

(۳) بعد از قطع شدن خون حیض.

(۴) ایستادن خون نفاس.

مسئله ۱۹۳: اگر از خواب بلند شد و بر لباس یا بر بدن آب منی دید غسل واجب می شود، خواهی یادش باشد یا نه.

تذکر لازم: آبی که از اندام نهانی مرد یا زن بیرون می آید بر سه قسم است:

(۱) مذی.

(۲) ودی.

(۳) منی.

مذی آبی است که وقت شوخی و دست بازی با زن بیرون می آید یا در فکر قربابت

می افتد. و حکم آن این است که: غسل واجب نمی شود البته وضوء می شکند.

ودی آبی است که بعد از ادرار از سستی اعصاب بیرون می آید که حکم آن مثل حکم

مذی است در واجب نشدن غسل.

منی آبی است که در وقت جماع یا نظر کردن به شهوت با جستن و خوشی بیرون

می آید حکم آن این است که: غسل را واجب می کند.

مسئله ۱۹۴: حیض عبارت از علتی است برای زنان که هرماه خون می‌بینند، حد کم آن سه شبانه روز و حد اکثر آن ده شبانه روز است. از سه کم‌تر و از ده بیشتر حیض محسوب نمی‌شود.

مسئله ۱۹۵: نفاس خونی است که بعد از زایمانی آن را زن می‌بیند حد اقل آن تعیین نیست ممکن است بعد از زایمان یک ساعت یا کم‌تر ببیند، و حد اکثر آن چهل روز است.

مسئله ۱۹۶: اگر با زن صغیره جماع کرد بر زن غسل واجب نمی‌شود و بر مرد غسل واجب است.

مسئله ۱۹۷: اگر در خواب دید که جماع می‌کند و بعد در بیداری هیچ اثری از آب منی ندید غسل واجب نمی‌شود، و اگر آب منی در لباس یا بدن دید غسل واجب می‌شود و اگر در خواب ندید ولی بعد از بیدار شدن آب منی را در لباس یا بدن دید غسل واجب است.

مسئله ۱۹۸: اگر منی بیرون آمد و غسل کرد و بعد از غسل کردن مجدداً منی بیرون آمد غسل دوباره واجب می‌شود، بشرطی که این حادثه پیش از ادرار و یا خواب شدن یا چهل قدم برداشتن پیش آید.

مسئله ۱۹۹: اگر از زن بعد از غسل کردن منی شوهر بریزد مجدداً غسل واجب نمی‌شود.

مسئله ۲۰۰: اگر به واسطه مرض یا علت دیگری منی خارج شود و جستن و لذت نداشته باشد غسل واجب نمی‌شود البته وضوء می‌شکند.

مسئله ۲۰۱: اگر مرد و زن در جای خوابیدند و بعد از بیداری بر لباس یکی منی دیده شد احتیاطاً هر دو غسل کنند زیرا معلوم نیست از کدام یک است.

مسئله ۲۰۲: اگر کافری مسلمان شد غسل آن مستحب است بشرطی که پیش از قبول اسلام غسل بر آن واجب نشده باشد.

مسئله ۲۰۳: بر کسی که غسل واجب شده است اگر بخواهد پیش از غسل کردن چیزی بخورد یا بنوشد بهتر است که دست و دهان خود را بشوید و اگر هم نشست گناهی نیست.

مسئله ۲۰۴: بر کسی که غسل واجب شده خواندن قرآن و مساس آن و داخل شدن مسجد حرام است، البته نام خدا را بر زبان جاری کردن، و درود خواندن، و کلمه گفتن جائز است.

مسئله ۲۰۵: مساس کردن کتب تفسیر بدون غسل و وضوء مکروه است.

بیان اقسام نجاست و طریق پاک کردن نجاستها

مسئله ۲۰۶: نجاست بر دو قسم است:

(۱) غلیظه.

(۲) خفیفه.

غلیظه آن است که: نجاستی آن سخت تر و زیادتر است. و حکم آن این است که: وقتی به لباس یا بدن برسد باید شسته شود خواه کم باشد یا زیاد. و خفیفه آن است که: نجاستی آن سبک تر است.

مسئله ۲۰۷: خون، بول، منی، شراب، بول و غایط حیوانات درنده، گوشت خوک، موی آن، استخوان آن، و مدفوع همه حیوانات و جانوران، پس افکنده مرغ خانگی و مرغابی، غاز، بول حیوانات حرام گوش، گوشت خود مرده، خام پوست خود مرده، بول بچه شیر خواره تمامی اینها نجاست غلیظه اند.

مسئله ۲۰۸: پس افکنده پرندگان حرام گوشت، و بول حیوانات حلال گوشت نجاست خفیفه است.

مسئله ۲۰۹: غیر از مرغ خانگی و مرغابی و اردک پس افکنده بقیه پرندگان حلال گوشت پاک است.

مسئله ۲۱۰: نجاست غلیظ اگر رقیق باشد و بدن یا لباس به آن آلوده شود به اندازه کف دست و کم‌تر از این معاف است، یعنی: بدون شستن نماز جائز است ولی شستن بهتر است، و اگر به اندازه کف دست بیشتر باشد، شستن آن واجب است، و اگر جامد باشد به اندازه شش نخود معاف است، و از این بیشتر شسته شود.

مسئله ۲۱۱: اگر لباس یا بدن به نجاست خفیفه آلوده شود اگر از یک چهارم آن قسمت از لباس یا بدن که آلوده است کم‌تر باشد اشکالی ندارد، و اگر یک چهارم یا بیشتر آن قسمت را قرار گرفته است شستن آن واجب است.

مسئله ۲۱۲: اگر در آب نجاست غلیظ افتاد آب هم نجس غلیظ می‌گردد، و اگر نجاست خفیفه افتاد آب نجس خفیفه می‌شود، کم باشد نجاست یا زیاد.

مسئله ۲۱۳: اگر لباس به روغن نجس چرب شد و کم‌تر از مقدار کف دست بود بعداً گذاخته زیاد گشت تا مادامی که کم بود اشکالی نداشت و وقتی زیاد شد شستن آن واجب است.

مسئله ۲۱۴: خون ماهی، مگس، پشه و ساس نجس نیست.

مسئله ۲۱۵: اگر بر لباس یا بدن بول به اندازه سر سوزن ترشح شد معاف است.

مسئله ۲۱۶: اگر لباس یا بدن نجس گشت دور کردن و شستن آن لازم است، خواه به یک مرتبه شستن عین آن زائل و دور گردد یا به چند مرتبه، ولی اگر عین نجاست دور گشت و اثر و رنگ آن باقی ماند اشکالی ندارد.

مسئله ۲۱۷: اگر لباسی به نجاست ندیدنی نجس گشت به سه مرتبه شستن و در هر مرتبه فشردن پاک می‌شود.

مسئله ۲۱۸: اگر نجاست به چیزی که فشرده نمی‌شود ریخت مثل فرش‌های بزرگ و ظروف وغیره، طریق پاک کردن آن‌ها این است که: اولاً شسته شود و نگهداشته شود تا قطرات آب بایستد و تا سه مرتبه همین کار تکرار شود.

مسئله ۲۱۹: هر چیز روان و پاک نجاست حقیقی را پاک می کند، مثل سرکه و گلاب، غیر از روغن و شیر و دیگر چیزها که چرب است.

مسئله ۲۲۰: اگر منی بر بدن یا لباس ریخت و خشک شد به مالیدن پاک می شود و اگر تر بود یا رقیق مثل بول بدون شستن به آن پاک نمی شود.

مسئله ۲۲۱: اگر به کفش یا موزه نجاست چسبید و خشک شد خوب کشیده شود تا نجاست بریزد، و اثر آن دور شود پاک می شود و اگر نجاست نرم و نازک بود مثل بول، شراب، خون و غیره بدون شستن پاک نمی شود.

مسئله ۲۲۲: بدن و لباس فقط به شستن پاک می شود نجاست هر چه باشد.

مسئله ۲۲۳: اگر آئینه، کارد، چاقو و امثال اینها نجس گشتند چند مرتبه به زمین مالیده شوند پاک می گردند بشرطی که منقش نباشند.

مسئله ۲۲۴: اگر زمین آلوده به نجاست بود و به واسطه تابیدن آفتاب خشک گشت و هیچ بوی و تعفنی نماند لکن اثر آن باقی است زمین پاک است و نماز جائز است و نه تیمم، و هر سنگ و خستی که به زمین فرو رفته باشد همین حکم را دارد.

مسئله ۲۲۵: سنگ و خستی که روی زمین افتاده باشد بدون شستن پاک نمی شود.

مسئله ۲۲۶: خاشاک تا زمانی که بعد از خشک شدن نیفتاده اگر نجاست به آنها برسد و بر اثر شعاع آفتاب خشک شود پاک می شود.

مسئله ۲۲۷: کارد و چاقوی نجس و مانند آنها اگر به آتش انداخته شود پاک می شود.

مسئله ۲۲۸: اگر خاک نجس را کوزه یا کاسه کردند بعد از بیرون آوردن از کوره پاک است.

مسئله ۲۲۹: عسل، یا شیر یا روغن اگر به واسطه افتادن چیزی کثیف نجس شد، به اندازه آن آب ریخته بجوشانند تا آب تمام شود، و این کار را سه مرتبه تکرار کند پاک می شود.

مسئله ۲۳۰: اگر پارچه یا لباس به رنگ نجس رنگ داده شد باید شسته شود تا آب خالص بیرون آید آن موقع پاک می‌شود.

مسئله ۲۳۱: آتش و خاکستر و دود چیز نجس پاک است.

مسئله ۲۳۲: فرش وقتی یک گوشه آن نجس شد و بقیه آن پاک به گوش‌های که نجاست نرسیده نماز خواندن جائز است.

مسئله ۲۳۳: بعد از شستن پا اگر بر زمین نجس راه برود و اثر قدم آن بر زمین بماند پا نجس نمی‌شود مگر اینقدر تر شود که خاک یا گل به پای آن بچسبد.

مسئله ۲۳۴: اگر بر فرش نجس خوابید و عرق کرد و بدن و لباس آن خیس شد لباس بدن آن پاک است مگر اینکه نجاست بر لباس و بدن آن دیده شود.

مسئله ۲۳۵: اگر به حناء نجس دست و پای را رنگ کرد سه مرتبه دست و پا را بشوید پاک می‌شود، اگرچه اثر آن باقیماند، و اگر سرمه نجس در چشم کشید شستن آن لازم نیست مگر از چشم بیرون آید.

مسئله ۲۳۶: اگر روغن نجس بر سر مالیده به سه مرتبه شستن پاک می‌شود.

مسئله ۲۳۷: اگر سگ آرد را پوزه زد تا محل پوزه زده را بردارد بقیه پاک است.

مسئله ۲۳۸: لعاب دهان سگ نجس است نه خود آن، لذا اگر سگی خود را به لباس یا بدن کسی کشید اگر چه خیس باشد نجس نمی‌شود مگر که نجاست ظاهری بر بدن آن باشد.

مسئله ۲۳۹: بیرون شدن باد بعد از استنجاء لباس را نجس نمی‌کند اگر چه محل خشک نشده باشد.

مسئله ۲۴۰: اگر لباس نجسی را فشرده در میان لباس پاک پیچید اگر به فشردن مجدد آب از آن بیرون آید لباس پاک را نجس می‌کند، و اگر به فشردن مجدد آب بیرون نیاید اشکالی ندارد، و اگر نچکد ولی دست را خیس کند در این صورت نیز لباس پاک نجس می‌شود.

مسئله ۲۴۱: اگر یک طرف تخته نجس است و طرف دیگر پاک، اگر تخته اینقدر ضخیم است که از وسط دو تا می شود برطرف پاک نماز جائز است و إلا نه.

مسئله ۲۴۲: اگر پتو یا چادر در دو لایه است و یک لای آن نجس است اگر بهم دوخته نیست بر بالای لای پاک نماز جائز است و اگر دوخته است جائز نیست.

بیان استنجاء

مسئله ۲۴۳: وقتی از خواب بلند شد مادامی که دست خود را تا مچ شسته است نباید داخل ظرف کند، و طریق شستن این است: اگر ظرف دیگری موجود است با آن آب برداشته دستها را بشوید، اولاً دست راست و بعداً دست چپ را و اگر نیست به دست چپ، بطوری که هر چند کم تر دست داخل آن شود آب برداشته دست راست را بشوید و سپس به راست دست چپ را و این ترکیب برای دست شستن وقتی است که از نجاست ظاهری پاک باشد، و اگر دستها آلوده به نجاست ظاهری باشد قطعاً نباید داخل آب نماید بلکه به وسیله پارچه یا دستمال پاک آب برداشته و به قطرات آبی که از پارچه می چکد دست راست را بشوید و بعد دست چپ.

مسئله ۲۴۴: بعد از بول و غایط استنجاء گرفتن سنت است.

مسئله ۲۴۵: اگر نجاست از محل خود تجاوز نکند استنجاء به کلوخ و غیره جائز است ولی در بودن آب خلاف پاکی و نظافت و صفای مزاج است، و در نبودن آن استنجاء به کلوخ و غیره مجبوری است.

مسئله ۲۴۶: برای استنجاء به غیر آب راه دیگر نیست و اگر نجاست از محل خود تجاوز نکند استنجاء به غیر آن اشکالی ندارد و اگر از محل خود تجاوز نماید به جز آب به دیگر چیزی جائز نیست.

مسئله ۲۴۷: استنجاء به آب و غیره باید در محلی انجام شود که از انظار مردم دور باشد و اولاً هر دو دست را تا مچ بشوید و بعد استنجاء زند تا اطمینان حاصل نماید که

پاک شده، و اگر شخص وسواسی است سه مرتبه یا هفت مرتبه این کار را بنماید و با اطمینان توجه نماید.

مسئله ۲۴۸: اگر احیانا محلی دور از انظار عمومی برای استنجاء زن نبود، استنجاء نگیرد و بدون استنجاء نماز بخواند.

مسئله ۲۴۹: به چیزهای نجس و خوراک آدمی و استخوان و ذغال و شیشه و آجر و دست راست استنجاء نزنند.

مسئله ۲۵۰: در وقت قضای حاجت رو و پشت به قبله کردن ممنوع است، خواه شخص بزرگ باشد یا کوچک.

مسئله ۲۵۱: وضوء گرفتن با باقیمانده آب استنجاء و بالعکس جائز است.

مسئله ۲۵۲: وقتی اراده رفتن توالت را دارد جلوی در توالت بسم الله گفته، این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ وَالْخَبَائِثِ»^۱. سر برهنه نرود، و اگر انگشتر یا چیز دیگری که نام خدا و پیغمبران بر آن نقش همراه دارد بگذارد، اولای پای چپ را گذاشته داخل توالت شود، در داخل توالت نام خدا را نبرد، و اگر عطسه آید در دل بدون اینکه به زبان جاری نماید الحمد لله بگوید، و هنگام بیرون شدن اول پای راست را بیرون گذارد و بعد از خارج شدن این دعا را بخواند: «غُفْرَانَكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنِّي الْأَذَى وَعَافَانِي»^۲.

۱- الهی! از جنهای خبیث و پلید، اعم از زن و مرد، به تو پناه می‌برم.

۲- الهی! از تو آمرزش می‌طلبم تمام ستایش‌ها مر خدایی راست که اذیت دهنده را از من دور کرده عافیت بخشید.

بیان نماز

در نزد خداوند جل جلاله نماز دارای رتبه و مقامی بسیار بزرگ است. نماز از هر عبادت دیگر عزیزتر و محبوبتر است، خداوند سبحانه و تعالی پنج وقت نماز را بر بندگان خود فرض گردانیده که به خواندن آنها ثواب و مزد بسیار حاصل می‌شود، و ترک آنها گناه کبیره است. در حدیث است که: هر که خوب وضوء گیرد و بخاطر جمع نماز را اداء نماید روز قیامت خداوند عز اسمه گناهان صغیره‌اش را معاف فرموده و به بهشت داخلش می‌کند. و نیز فرمودند که: نماز ستون دین است، هر کس نماز را بخوبی اقامه کرد دین را مستحکم و محفوظ ساخت، و هر کس این ستون را خراب کرد دین را بر باد داد. و نیز فرمودند که: در قیامت پس از توحید از اولین چیزی که سوال شود نماز خواهد بود. در قیامت تمام اعضاء نمازگزار خواهد درخشید مانند آفتاب. و بی‌نماز از این نعمت عظمی محروم خواهد بود. و نیز پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند که: نمازگزار با انبیاء، و شهداء، و اولیاء حشر خواهد شد و بی‌نماز با فرعون، و هامان و قارون.

خواندن نماز لازم و ضروری است مگر بر دیوانه‌ها و کودکان، ولی اولاد وقتی هفت ساله شوند به پدر و مادر دستور داده شده است که آنها را به خواندن نماز عادت دهند، و در سن ده سالگی اگر ترک نماز کنند آنها را تادیب نمایند. و تا آنجا نسبت به نماز تاکید شده است که اگر ایستاده قدرت اداء نبود نشسته، و اگر نشسته نبود دراز کشیده با اشاره سر نماز را بخواند.

بیان اوقات نماز

مسئله ۲۵۳: اول وقت نماز بامداد طلوع صبح صادق است، و آخر آن طلوع آفتاب. لازم به تذکر است که صبح صادق: عبارت از سفیدی می‌باشد که در کنار آسمان بوجود می‌آید و پراکنده به اطراف می‌شود.

مسئله ۲۵۴: اول وقت ظهر زوال آفتاب است و آخر آن هنگامی که سایه هر چیز دو برابر سایه اصلی گردد.

مسئله ۲۵۵: اول وقت عصر، از آخر وقت ظهر شروع شده و آخر آن غروب آفتاب است.

مسئله ۲۵۶: اول وقت مغرب، غروب آفتاب است، و آخر آن گم شدن سرخی است که بعد از غروب در آسمان در سمت قبله دیده می‌شود.

مسئله ۲۵۷: اول وقت عشاء (خفتن) از آخر وقت شام شروع می‌شود، و آخر آن طلوع صبح صادق است.

مسئله ۲۵۸: در تابستان تاخیر نماز تا هنگامی که از شدت گرما کاسته شود مستحب است و در زمستان اول وقت.

مسئله ۲۵۹: تاخیر نماز عصر تا وقتی که در آفتاب تغییری پدید نیاید مطلقاً بهتر است، و تعجیل مغرب در همه زمان‌ها یعنی زمستان و تابستان اولی و افضل است، و تاخیر نماز خفتن تا ثلث شب مستحب است.

مسئله ۲۶۰: در وقت بیرون آمدن خورشید و غروب آن و در وقت زوال خورشید هیچ نمازی جائز نیست فرض باشد، یا نفل یا قضائی.

مسئله ۲۶۱: بعد از طلوع صبح صادق غیر از دو رکعت نماز سنت بامداد دیگر نماز نافله جائز نیست، البته نماز قضائی جائز است. و بعد از نماز عصر همین حکم را دارد یعنی بعد از نماز عصر نماز نفل جائز نیست، و قضائی تا موقعی که در نور خورشید تغییری پیدا نشده جائز است، البته عصر خود همان روز تا غروب آفتاب جائز است.

مسئله ۲۶۲: اگر ترس طلوع آفتاب بود سنت بامداد را ترک کرده فرض را بخواند و سنت قضائی ندارد.

مسئله ۲۶۳: اگر کسی در نماز صبح وارد مسجد شد و دید که جماعت ایستاده است باید فوراً به جماعت بپیوندد و سنت را ترک کند، مگر محلی علیحده باشد که قرائت امام

را نشنود و اطمینان رسیدن به جماعت را داشته باشد در این چنین محلی سنت را خوانده داخل جماعت شود.

مسئله ۲۶۴: پیش از خواندن نماز خفتن خوابیدن مکروه است مگر در صورت عذر.

بیان شرطهای نماز

مسئله ۲۶۵: شرطهای نماز نه چیز است، اول: پاک بودن از حدث اصغر و اکبر یعنی از بی وضوئی و جنابت، دوم: پاک بودن بدن، سوم: پاک بودن لباس، چهارم: پاک بودن محل نماز، پنجم: پوشیدن عورت، ششم: رو آوردن به طرف قبله، هفتم: نیت کردن، هشتم: تکبیر تحریمه یعنی در اول نماز الله اکبر گفتن، نهم: شناخت وقت.

مسئله ۲۶۶: اگر در وقت نماز خواندن یک چهارم از عورت نمازگزار برهنه بود نماز جائز نیست.

مسئله ۲۶۷: عورت مرد از زیر ناف است تا زیر زانو، یعنی خود ناف عورت نیست، و هر دو زانو عورت است، و عورت زن همه بدن اوست مگر رو و هر دو دست آن تا مچ و هر دو پای آن تا کله.

مسئله ۲۶۸: دختر نابالغ اگر در وقت نماز خواندن سر آن برهنه شد نمازش جائز است.

مسئله ۲۶۹: اگر بر بدن یا لباس نجاستی چسبیده و چیزی که با آن نجاست را دور کند موجود نبود نماز با آن لباس از برهنه خواندن بهتر است.

مسئله ۲۷۰: اگر تمامی لباس نجس است و یا کم‌تر از یک چهارم آن پاک و بقیه نجس است در اداء نماز با آن لباس و برهنه خواندن مختار است، ولی نماز خواندن با آن لباس بهتر است، و اگر یک چهارم لباس پاک باشد نماز خواندن با آن لباس واجب است.

مسئله ۲۷۱: اگر کسی در موقع نماز خواندن لباس نداشت باید نماز را نشسته بخواند و رکوع و سجده را با اشاره اداء نماید، و اگر ایستاده خواند رکوع و سجده را با اشاره اداء کرد جائز است.

مسئله ۲۷۲: اگر در مسافرت به اندازه‌ای آب داشت که یا باید وضو بگیرد و یا نجاست را دور نماید در این صورت به مقدار آبی که دارد نجاست را بشوید و برای نماز تیمم بگیرد.

مسئله ۲۷۳: اگر شخص نماز ظهر را اداء کرد ولی بعدا معلوم شد که وقت ظهر تمام شده و این وقت عصر بوده است، نماز ظهر را قضائی نیاورد و همین ظهر آن کامل و جائز است.

مسئله ۲۷۴: اگر کسی نماز خواند و بعد معلوم شد که هنوز وقت آن نماز داخل نشده آن نماز جائز نیست باید دو مرتبه بخواند.

مسئله ۲۷۵: به زبان نیت کردن لازم نیست بلکه به قلب همین قدر اراده کردن که می‌خواهم فلان نماز را بخوانم کافی است، و اگر به زبان نیت کرد اینقدر گفتن که: نیت کردم اداء نمایم چهار رکعت فرض ظهر یا عصر یا خفتن کافی است.

مسئله ۲۷۶: اگر در قلب نیت ظهر را داشت و بر زبان نماز عصر (مثلا) جاری شد اشکالی ندارد و نماز صحیح است.

مسئله ۲۷۷: اگر به فراموشی بجای چهار شش و بجای دو سه گفت جائز است.

مسئله ۲۷۸: اگر از کسی چند نماز قضاء شد و اراده نمود که قضائی بجا آورد باید وقت را در نیت تعیین نموده اینجور نیت کند که: مثلا: نیت کردم اداء نمایم دو رکعت فرض اولین بامداد، یا چهار رکعت فرض اولین ظهر، و اگر مطلق فرض را نیت کرد جائز نیست.

مسئله ۲۷۹: اگر از کسی نماز چند روزی پی در پی فوت شده می‌خواهد قضاء آورد باید وقت خواندن این چنین نیت کند: نیت کردم قضا آورم دو رکعت فرض بامداد روز شنبه، یا یکشنبه را (مثلا)، و اگر نماز چند ماه یا چند سالی فوت شده همین قدر گفتن: دو رکعت فرض اولین بامداد، یا چهار رکعت فرض اولین ظهر یا عصر کافی است.

مسئله ۲۸۰: در نمازهای سنت و نفل همین نیت کافی است که بگوید: دو رکعت نماز برای خدا الله اکبر، البته در نماز تراویح بهتر است که بگوید: دو رکعت نماز سنت تراویح.

بیان رو آوردن به قبله

مسئله ۲۸۱: اگر کسی قصد نماز خواندن داشت و جهت قبله برایش معلوم نبود و کسی در آنجا نبود که از آن سوال نماید، باید فکر نماید و به هر طرف قلبش گواهی داد رو آورده و نماز را ادا کند، و اگر بدون فکر نماز خواند نمازش جائز نیست، اگرچه به سوی قبله نماز خوانده باشد، و همچنین اگر کسی بود و شرم کرده از آن نپرسید و نماز خواند نمازش جائز نیست.

مسئله ۲۸۲: اگر کسی نبود که سوال نماید از قبله و بعد از فکر نماز خواند سپس معلوم شد که آن طرف جهت قبله نبوده نمازش جائز است.

مسئله ۲۸۳: اگر در بین نماز به نماز خواننده معلوم شد که جهت قبله آن طرف دیگر است در بین نماز دور زده رو به طرف قبله ای که برایش معلوم شده آورد، و اگر نچرخید نمازش جائز نیست.

مسئله ۲۸۴: اگر کسی داخل کعبه نماز بخواند نمازش جائز است هر نمازی باشد و به هر طرف بخواهد رو آورد.

طریقه‌ی خواندن نماز

نیت نماز کرده الله اکبر بگوید، و هنگام گفتن الله اکبر دست‌ها را تا برابر گوشه بلند نماید، و در زیر ناف به این کیفیت که: دست را بر پشت دست نهاده و با انگشتان دست راست میچ دست چپ را گرفته و ببندد، و اگر زن باشد بالای سینه به کیفیت ذکر شده بگذارد، و این دعا را بخواند:

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ: خداوندا! پاکی تو را بیان می‌کنم، و تو را ستایش می‌نمایم.

وَتَبَارَكَ اسْمُكَ، وَتَعَالَى جَدُّكَ: و با برکت است نام تو و برتر است ذات تو.

وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ: و نیست خدائی جز تو.

بعد از خواندن دعا: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» گفته،
سوره مبارکه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» را بخواند، و بعد از «وَلَا الضَّالِّينَ» آمین بگوید، و بعد سوره‌ای
یا چند آیت بخواند، و بعد الله اکبر گفته به رکوع برود، و در رکوع سه مرتبه یا پنج مرتبه
«سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ»^۱ بگوید، و در حالت رکوع با انگشتان دست زانو را محکم بگیرد و
بازوها را از پهلو جدا نگهدارد، سپس «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ»^۲ گفته از رکوع بلند شود و بعد
از تمام شدن «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ»^۳ بگوید، و اندازه یک دقیقه ایستاده
توقف نماید، اگر با جماعت نماز می خواند امام «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» بگوید و مقتدی «رَبَّنَا
وَلَكَ الْحَمْدُ». و بعد به سجده برود و سجده را به این کیفیت بجای آورد که: اولاً هر دو
زانو را به زمین بنهد و سپس هر دو دست را در حالی که دست‌ها از پهلوها خوب جدا
باشد و سر را میان هر دو دست نهاده بطوری که بینی و پیشانی به زمین برسد و در
سجده سه مرتبه یا بیشتر ولی طاق باشد «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى»^۴ بگوید، و زن دست‌ها را به
پهلو بچسباند و بعد سر را از سجده برداشته اندازه‌ای که تمام اعضاء بجای خود قرار
گیرد توقف نماید و سجده دومی را مثل اولی بجای بیاورد، و رکعت دومی مثل اولی با
این تفاوت که در رکعت دوم «أَعُوذُ بِاللَّهِ» را نخواند و نیز «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ» را نخواند فقط
در اول الحمد بسم الله الرحمن الرحيم را بگوید، و بعد بقعه به این ترتیب بنشیند که
پای چپ را فرش کرده پای راست را نصب کند و تا سرحد امکان سر انگشتان را به

۱- ترجمه: پروردگار بزرگم پاک و منزّه است.

۲- ترجمه: الله شنید و قبول کرد ستایش کسی را که او را ستایش نمود.

۳- ترجمه: پروردگارا! حمد و ستایش و مبارک از آن تو است.

۴- ترجمه: منزّه است پروردگار بزرگ و برتر من.

سوی قبله نماید، و هر دو دست را بالای زانو بگذارد و انگشتان را بهم نچسباند بلکه بحالت طبیعی آنها را داشته باشد و این دعا را بخواند:

التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ، وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

تمام عبادات قولی و بدنی و مالی برای رضای خدا است، سلام بر تو ای پیغمبر و رحمت خدا، سلام بر ما و بر بندگان نیکوکار، گواهی می‌دهم اینکه هیچ خدائی سزاوار پرستش نیست مگر خدای یگانه و یکتا، و گواهی می‌دهم اینکه محمد ﷺ بنده و فرستاده شده خداست.

وقتی که به کلمه طیبه رسید سر انگشت وسط را به بند انگشت ابهام گذاشته حلقه دهد و انگشت سبابه را در وقت «لَا إِلَهَ» گفتن بلند کند، و در وقت «إِلَّا اللَّهُ» پائین بیاورد، و با این اشاره سبابه گفته می‌شود، و اشاره سنت موکده است، و اگر نماز چهار رکعتی است بعد از خواندن التحیات فوراً الله أكبر گفته بلند شود، و در دو رکعت آخر فرض فقط تنها الحمد لله را بخواند، و اگر نماز سنت می‌خواند در هر چهار رکعت بعد از حمد سوره یا چند آیه بخواند و در قعده اخیر بعد از خواندن التحیات این درود را بخواند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

ای خدایا! درود بفرست بر محمد و آل محمد، مثلی که درود فرستادی بر حضرت ابراهیم و بر آل ابراهیم، همان تو ستوده شده و بزرگوار هستی. ای خدایا! برکت بفرست بر محمد ﷺ مثلی که برکت فرستادی بر ابراهیم عليه السلام و آل ابراهیم، همانا تو ستوده شده و بزرگواری.

بعد این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِأَسْتَاذِي وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

ای خدایا! بیامرز مرا و پدر و مادر مرا و استاد مرا و تمام مردان مؤمن و زنهای مؤمن را و مردان مسلمان و زنهای مسلمان را، ای برآورنده حاجت‌ها! همانا تو بر همه چیز توانا هستی.

سپس بطرف راست سلام داده بعد بطرف چپ، و در وقت سلام نیت فرشته و یا فرشته و مسلمین را داشته باشد. این بود طریق نماز ولی در آن فرائضی است که به ترک یکی از آنها نماز باطل می‌شود، خواه سهوا باشد خواه قصدا، و واجباتی است که بر ترک آنها قصدا نماز ناقص ادا می‌شود و سهوا به سجده سهو تدارک می‌شود. و سنت‌ها و مستحباتی است.

مسئله ۲۸۵: در نماز شش چیز فرض است، اول: تکبیر تحریمه «یعنی گفتن الله اکبر در موقعی که دست‌ها را به نرمه گوش بلند می‌نمائیم». دوم: قیام، سوم: قرائت یعنی قرآن چند آیتی یا سورتی خواندن، چهارم: رکوع کردن، پنجم: هر دو سجده را بجا آوردن، ششم: در آخر نماز به اندازه‌ای که التحیات خوانده شود نشستن.

مسئله ۲۸۶: در نماز هیجده چیز واجب است، اول: خواندن الحمد لله، دوم: خواندن سوره دیگر یا سه آیه کوچک و یا یک آیه بزرگ با الحمد لله، سوم: تعیین قرائت در دو رکعت اول فرض، «توضیح اینکه خواندن سوره یا چند آیه با الحمد لله در دو رکعت اول از نمازهای چهار رکعتی فرض و همه رکعت‌های وتر و نفل واجب است، و در دو رکعت آخر فرض یا در یک رکعت آخر نماز شام فقط تنها الحمد لله خوانده می‌شود». چهارم: مقدم نمودن الحمد لله بر سوره، پنجم: در موقع سجده با پیشانی بینی خود را نیز بر زمین بگذارد، ششم: در هر رکعت از نماز باید سجده دوم را پیش از اینکه انتقال بعمل دیگر از نماز پیدا کند بجا آورد، هفتم بجا آوردن هر فرض را با اطمینان و آرامش، هشتم: قعده اول، نهم: خواندن التحیات در هر دو قعده، دهم: برخاستن از قعده اول به رکعت

سوم بعد از خواندن التحیات بدون تاخیر، یازدهم: در موقع سلام، السلام علیکم ورحمت الله گفتن، دوازدهم: در نماز وتر دعای قنوت را خواندن، سیزدهم: تکبیرات نماز هر دو عید، چهاردهم: تعیین کردن لفظ الله اکبر را برای شروع کردن در هر نمازی، پانزدهم: تکبیر رکعت دوم در موقع رکوع در نماز عیدین، شانزدهم: بلند خواندن امام جماعت دو رکعت اول شام و خفتن و نماز بامداد را، هفدهم: بلند خواندن امام جماعت قرائت را در نماز جمعه و عیدین و تراویح و وتر در ماه رمضان، هیجدهم: آهسته خواندن قرائت در نماز ظهر و عصر و رکعت‌های پس از دو رکعت اول نماز شام و خفتن و نمازهای نفل روز.

تذکر: شخصی که تنها می‌خواند یا شب نماز نفل می‌خواند در بلند خواندن در اوقاتی که بلند خوانده می‌شود و آهسته خواندن قرائت مخیر است.

مسئله ۲۸۷: ماسوای فرائض و واجبات نماز بقیه همه یا سنت یا مستحب است.

مسئله ۲۸۸: اگر کسی الحمدلله را نخوانده بلکه سوره دیگری یا چند آیت خواند یا الحمدلله را خواند و ختم سوره یا آیه نمود، یا دو رکعت خواند و بقعه نشست، یا نشست و التحیات را نخواند در همه این صورت‌ها اگر قصداً باشد فرض اداء شد ولی نماز بسیار ناقص است که اعاده آن واجب می‌باشد، و اگر سهواً باشد به سجده سهو نماز درست و کامل می‌گردد.

مسئله ۲۸۹: اگر وقت سلام دادن لفظ: السلام وعلیکم ورحمة الله را نگفت بلکه با کسی صحبت کرد، یا برخاسته رفت یا عمل دیگری که ناقص نماز است انجام داد نیز همین حکم است یعنی نماز ناقص اداء شده.

مسئله ۲۹۰: بعد از الحمدلله حد اقل باید سه آیه خوانده شود، اگر یک آیه یا دو آیه خواند اگر این یک آیه یا دو آیه به اندازه سه آیه کوچک است نماز جائز و اگر کم‌تر باشد نماز ناقص و حکم ماقبل را دارد.

مسئله ۲۹۱: اگر کسی از رکوع بلند شده سمع الله را نگفت، یا در رکوع و سجده «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَسُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى» را نگفت یا در قعه اخیر بعد از التحیات درود شریف را نخواند، یا دعا نکرد در همه این صورت‌ها نماز جائز و کامل است ولی ترک سنت نموده.

مسئله ۲۹۲: اگر وقت تکبیر تحریمه دست‌ها را بلند نکرد نماز جائز ولی ترک سنت است.

مسئله ۲۹۳: در هر رکعت بسم الله الرحمن الرحيم گفته الحمدالله را شروع نماید.
مسئله ۲۹۴: در وقت سجده پیشانی و بینی هر دو به زمین گذاشته شود، و اگر پیشانی به زمین رسید و بینی نرسید نماز جائز است، و بالعکس جائز نیست مگر در صورت عذر.

مسئله ۲۹۵: اگر بعد از رکوع خوب راست نشد بلکه نیم راست شده به سجده رفت اگر قصدا بود نماز را باید دو مرتبه بخواند و اگر سهوا بود سجده سهو بجای آورد.
مسئله ۲۹۶: اگر از سجده سر خود را قدری برداشته و به سجده دومی رفت سجده دومی بجای نیامد و نماز قطعاً جائز نیست، و اگر اینقدر بلند شد که به نشستن نزدیک بود فرض اداء شد با نقصان، اگر این کار را قصدا انجام داده بود باید نماز را دو مرتبه بخواند و اگر سهوا بود باید سجده سهو بجای آورد.

مسئله ۲۹۷: اگر بر حصیر یا فرش که از زمین حرکت کرده است نماز خواند هنگام سجده کردن سر را خوب فشار دهد تا هر چند که خوابیدنی است بخوابد، و اگر آهسته سر را گذاشت سجده جائز نیست.

مسئله ۲۹۸: اگر در دو رکعت آخر فرض بعد از الحمد لله سوره خواند نماز کاملاً جائز است و هیچ اشکالی ندارد.

مسئله ۲۹۹: اگر در دو رکعت آخر فرض الحمدالله را نخواند بلکه سه مرتبه سبحان الله گفت یا به اندازه حمد خاموش ایستاد نماز جائز است ولی خواندن حمد بهتر است.

مسئله ۳۰۰: در دو رکعت اول خواندن سوره حمد واجب است، پس اگر کسی فقط تنها حمد را خواند و ضم سوره نکرد یا الحمد را هم نخواند بلکه سبحان الله گفت، باید در دو رکعت آخر با الحمد لله سوره را هم بخواند و اگر این کار قصدا باشد اعاده نماز واجب و اگر سهوا باشد سجده سهو بجای آورد.

مسئله ۳۰۱: در نمازهائی که آهسته می خواند باید طوری آهسته خوانده شود که شخص آواز خود را بشنود و اگر خود نمازگزار آواز خود را نشنید نماز جائز نیست.

مسئله ۳۰۲: شخص نمازگزار هر سوره ای را بخواهد بخواند و تعیین ننماید، اگر سوره معینی را برای نماز معین مقرر کرد مکروه است.

مسئله ۳۰۳: رکعت دوم نباید از اول درازتر باشد.

مسئله ۳۰۴: زنها نماز را تنها بخوانند، و اگر جماعت کردند امام در وسط بایستد، و اگر به جماعت مردان حاضر شدند در عقب صف زنند و در برابر مردی ایستاده نشود، و اگر زنی در برابر مردی در نماز ایستاد و امام نیت امامت زنها را داشت نماز هر دو فاسد است.

مسئله ۳۰۵: اگر در وسط نماز وضوء شکست وضوء گرفته نماز را مجددا بخواند، و اگر از همانجائی که وضوء شکسته نماز بخواند جائز است.

مسئله ۳۰۶: مستحب است که در حالت قیام به سجده گاه نظر شود و در حالت رکوع بر پشت پاها، و در حالت سجده بر بینی، و در قعدہ بر کنارہ، و وقت سلام بر شانہ های خود. و اگر خمیازه آمد تا حد امکان از آن جلوگیری کند، و إلا پشت دست بر دهان بگذارد و از سرفه نیز تا حد امکان جلوگیری نماید.

بیان خواندن قرآن

مسئله ۳۰۷: خواندن قرآن مجید بطور صحیح و درست واجب است. هر حرف را از منخرج اداء نموده، فرق میان دو حرف را آشکار کند.

مسئله ۳۰۸: اگر کسی حرفی را صحیح نمی‌تواند اداء کند مثلاً بجای «ح»، «ه» یا بجای «ث»، «س» می‌خواند یا بجای «ص»، «س» تمرین کردن لازم است، و اگر نکرد گنہکار است. و نمازش جائز نیست البته اگر با تمرین باز هم نتوانست معذور است و اشکالی ندارد.

مسئله ۳۰۹: اگر خواننده قرآن به واسطه بی‌پروائی امتیاز میان دو حرف را مراعات نکرد گنہکار و نمازش جائز نیست.

مسئله ۳۱۰: اگر سوره‌ای را که در رکعت اولی خوانده در رکعت دومی نیز بخواند اشکالی ندارد ولی بدون ضرورت نباید این کار را انجام دهد.

مسئله ۳۱۱: به همان ترتیبی که در قرآن نوشته شده در نماز خوانده شود و بالعکس قصدا مکروه است نه سهوا.

مسئله ۳۱۲: اگر در نماز سوره‌ای را شروع کرد بدون عذر ترک آن کرد سوره‌ای دیگر شروع کرد مکروه است.

مسئله ۳۱۳: اگر کسی قطعاً قرآن را نمی‌داند یا جدیداً اسلام آورده در همه حالات سبحان الله بگوید فرض اداء می‌گردد، ولی برای آموختن قرآن و نماز خوب زحمت بکشد، و اگر کوشش نکرد گنہکار است.

مسئله ۳۱۴: اگر کسی با وجود قدرت امتیاز میان حروف امتیاز را ترک کرد نمازش فاسد است، و اگر ترک امتیاز به واسطه عدم قدرت بر امتیاز است نماز جائز، چنانچه حال عموم مردم است، لذا نماز عوام که قدرت امتیاز میان حروف را ندارند جائز است اگرچه به واسطه ترک کوشش و جدیت گنہکارند.

بیان شکننده‌های نماز

مسئله ۳۱۵: اگر کسی به قصد یا سهو در میان نماز صحبت کرد نمازش فاسد است.

مسئله ۳۱۶: اگر بین نماز آه یا اوه یا اف یا های گفت، یا بلند گریه کرد نمازش باطل

شد ولی اگر گریه از یاد بهشت یا خوف دوزخ باشد نماز فاسد نمی‌شود.

مسئله ۳۱۷: اگر کسی بدون عذر خوش خفه (سرفه) یا گلوی را صاف کرد که به واسطه آن یک حرف یا نصف حرفی آشکار شد نمازش فاسد می‌شود، البته در صورت عذر معذور است و نمازش جائز می‌شود.

مسئله ۳۱۸: اگر در بین نماز عطسه زد و گفت: «الحمد لله»، نماز فاسد می‌شود ولی نباید بگوید، و اگر دیگری عطسه زد و گفت: «الحمد لله» و این در جوابش گفت: «یرحمک الله» نماز فاسد می‌شود.

مسئله ۳۱۹: اگر در بین نماز از روی قرآن قرائت خواند نماز فاسد است.

مسئله ۳۲۰: اگر در بین نماز جواب سلام کسی را داد نمازش فاسد است.

مسئله ۳۲۱: اگر در بین نماز با هر دو دست دکمه گریبان یا پالتو خود را بست نماز فاسد است.

مسئله ۳۲۲: خوردن و نوشیدن در بین نماز مفسد نماز است مگر آنچه میان دندان‌ها باشد به شرطی که از نخودی کم‌تر باشد، و اگر به اندازه نخودی یا بیشتر باشد نماز فاسد می‌شود.

مسئله ۳۲۳: اگر کسی شیرینی خورد و هنوز مزه آن در دهان موجود بود و در بین نماز به وسیله آب دهان مزه شیرینی پائین می‌رود نماز جائز است.

مسئله ۳۲۴: اگر کسی در بین نماز خبر خوش شنید و گفت: الحمد لله یا خبر ناخوش شنید و گفت: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» نماز فاسد می‌شود.

مسئله ۳۲۵: اگر در بین نماز بچه به زمین خورد و نماز خواننده گفت: بسم الله نمازش فاسد است.

مسئله ۳۲۶: در بین نماز بچه آمد و از پستان مادر خود که نماز می‌خواند شیر نوشید اگر از پستان شیر بیرون آمد نماز فاسد است، و اگر شیر بیرون نیامد فاسد نمی‌شود.

مسئله ۳۲۷: اگر نماز خواننده الله (اکبر) به مدالف یا (اکبار) یا رای اکبر را مد کشید نماز فاسد می‌شود.

مسئله ۳۲۸: اگر نماز خواننده به کتاب یا تابلو چشم آن افتاد و به زبان نخواند ولی مطلب آن را به قلب فهمید نماز جائز است، و اگر به زبان خواند نماز فاسد است.

مسئله ۳۲۹: اگر از جلوی نمازگزار شخصی یا حیوانی عبور کرد نماز جائز است. ولی شخصی عبور کننده گنهکار است و نمازگزار حتی امکان باید در جایی نماز بخواند که محل عبور و مرور مردم نباشد، و در صورت نبودن چنین جایی چوبی به اندازه نیم متر در جلوی خود به مقابل عابری ایستاده و به آن نزدیک شده نماز بخواند.

مسئله ۳۳۰: اگر به واسطه عذر یک قدم یا دو قدم پیش و پس شد و سینه‌اش از قبله منحرف نشد نماز جائز است، و اگر سینه از طرف قبله منحرف گشت یا از سجده گاه جلوتر رفت نماز فاسد می‌شود.

بیان مکروهات و ممنوعات نماز

مسئله ۳۳۱: مکروه چیزی است که به واسطه آن نماز فاسد نمی‌شود ولی از ثوابش کاسته می‌شود.

مسئله ۳۳۲: بازی کردن با لباس یا بدن دور کردن سنگریزه‌ها مکروه است، ولی اگر سجده کردن امکان نداشت محل سجده را به یک دست یک مرتبه یا دو مرتبه پاک کردن جائز است.

مسئله ۳۳۳: در نماز انگشتان دست و پای را شکستن و دست را در تهیگاه نهادن و گردن را بطرف راست و چپ گردانیدن و بطرف راست و چپ نگاه کردن مکروه است، البته به گوشه چشم نگرستن جائز است، و بدون ضرورت این چنین عملی را انجام ندادن بهتر است.

مسئله ۳۳۴: در نماز بدون عذر لکچه زدن (مثل سگ نشستن) و یا هر دو پا را نصب کردن مکروه است.

مسئله ۳۳۵: جمع کردن لباس‌های بدن و جواب سلام را با دست دادن در بین نماز مکروه است.

- مسئله ۳۳۶: اگر شخص نشسته صحبت می‌کند یا به کاری مشغول است دیگری پشت سر آن نماز می‌خواند اشکالی ندارد ولی نماز خواندن در چنین حالتی بهتر نیست.
- مسئله ۳۳۷: اگر جلو نمازگزار قرآنی یا شمشیری آویزان باشد جائز است.
- مسئله ۳۳۸: بر فرش که عکس دارد نماز جائز است بشرطی که بالای صورت نماز نخواند.
- مسئله ۳۳۹: جانماز عکس دار و عکس را در خانه نگاهداشتن گناه است.
- مسئله ۳۴۰: اگر عکس ذی روح بطرف بالا یا راست و چپ نمازگزار باشد نماز مکروه است، و اگر در زیر پا باشد و یا کوچک طوری که اگر به زمین گذاشته شود دیده نمی‌شود یا سربریده است مکروه نیست.
- مسئله ۳۴۱: صورت و عکس درخت و منظره‌ها کراهیت ندارد.
- مسئله ۳۴۲: شمردن آیات یا چیز دیگری را در بین نماز با انگشتان دست مکروه است.
- مسئله ۳۴۳: زیاده کردن قرائت را در رکعت دوم از رکعت اول به اندازه سه آیه مکروه است.
- مسئله ۳۴۴: معین کردن سوره‌ای را در نماز معین که همیشه همان سوره خوانده شود و غیر آن را نخواند مکروه است.
- مسئله ۳۴۵: انداختن عبا و نمد و پالتو بر شانه بدون اینکه آستین‌ها کشیده شود در نماز مکروه است.
- مسئله ۳۴۶: لباس چرکین و کثیف پوشیدن نماز خواندن مکروه است، مگر در صورت عذر.
- مسئله ۳۴۷: گذاشتن چیزی در دهان که مانع خواندن قرائت نباشد مکروه است و اگر مانع قرائت بود نماز فاسد است.
- مسئله ۳۴۸: اگر کسی وضوء تنگ است و در همین حال نماز بخواند کراهیت دارد.

- مسئله ۳۴۹: وقتی بسیار گرسنه باشد و غذا آماده اولاً غذا بخورد و بعد نماز بخواند، پیش از خوردن غذا نماز مکروه است مگر وقت تنگ باشد.
- مسئله ۳۵۰: بسته کردن چشم‌ها در نماز خوب نیست.
- مسئله ۳۵۱: بدون ضرورت گرفتن آب دهان و بینی مکروه است.
- مسئله ۳۵۲: اگر در نماز شپشی یا کیکی را گرفته بیرون انداخت اشکالی ندارد.
- مسئله ۳۵۳: در نماز فرض تکیه کردن به چیزی بدون عذر مکروه است.
- مسئله ۳۵۴: پیش از تمام شدن سوره یا آیت به رکوع رفتن و آن‌ها را در رکوع تمام کردن کراهیت دارد.
- مسئله ۳۵۵: اگر سجده گاه از جای قدم‌ها بلندتر است اگر یک وجب یا بیشتر باشد نماز جائز نیست و اگر کم‌تر باشد جائز است.

بیان چیزهایی که به واسطه آن‌ها شکستن نماز جائز است

- مسئله ۳۵۶: ماشین یا قطار حرکت نمود و در آن‌ها وسائل سفر یا زن و بچه سوار است در این صورت رها کردن نماز جائز است.
- مسئله ۳۵۷: از پیش روی نمازگزار مار یا دیگر گزنده می‌آید و احتمال گزیدن است رها کردن نماز جائز است.
- مسئله ۳۵۸: اگر هنگام نماز خواندن گرگ یا دیگر حیوان درنده دیده شد با دیدن آن ترک نماز کرده از گوسفندان و غیره حفاظت کردن جائز است.
- مسئله ۳۵۹: در بین نماز کفش را کسی برداشت و احتمال بردن آن در صورت مشغول بودن به نماز قوی‌تر است لذا ترک نماز برای باز پس گرفتن جائز است، و همچنین است حکم اسبابی که قیمت آن تقریباً دو بیست تومان باشد.
- مسئله ۳۶۰: در بین نماز دیگ بجوش آمد یا سماور و غیره آتش گرفت و احتمال از بین رفتن غذا یا اسباب می‌رود رها کردن نماز برای حفاظت جائز است.

مسئله ۳۶۱: در بین نماز حاجت انسانی غلبه نمود ترک نماز کرده جواب حاجت را بدهد.

مسئله ۳۶۲: کوری می‌رود و پیش روی آن چاهی است و ترس افتادن آن در چاه است برای نجات دادن آن ترک نماز واجب است، و اگر ترک نکرد و از بین رفت گنهکار می‌شود.

مسئله ۳۶۳: در بین نماز پدر، یا مادر، یا بابا بزرگ، یا مادر بزرگ به واسطه پیشامدی انسان را صدا زدند، نماز فرض را ترک کرده جواب آن‌ها را دادن واجب است.

مسئله ۳۶۴: اگر بدون حادثه یا پیش آمدی پدر، مادر، بابا بزرگ یا مادر بزرگ شخص را در بین نمازش صدا زدند اگر نماز فرض بود رها کردن آن جائز نیست، و اگر نماز نفل می‌خواند ترک نماز برای جواب دادن آن‌ها واجب است.

بیان نماز وتر

مسئله ۳۶۵: نماز وتر واجب است و درجه واجب نزدیک به فرض است، ترک آن گناه است، و اگر اتفاقاً ترک شود در اولین فرصت قضا آورده شود.

مسئله ۳۶۶: نماز وتر سه رکعت است دو رکعت خوانده بنشیند و التحیات را بخواند، بعد قیام نموده الحمد و سوره را خوانده الله أكبر گفته هر دو دست را تا برابر گوش‌ها بلند نموده و بعد ببندد و دعای قنوت را بخواند، دعای قنوت این است:

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِينُكَ، وَنَسْتَغْفِرُكَ، وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ وَنُثْنِي عَلَيْكَ الْحَمْدَ، وَنَشْكُرُكَ وَلَا نَكْفُرُكَ، وَنَخْلَعُ وَنَتْرُكُ مَنْ يَفْجُرُكَ، اللَّهُمَّ إِيَّاكَ نَعْبُدُ، وَلَكَ نُصَلِّي وَنَسْجُدُ، وَإِلَيْكَ نَسْعَى وَنَحْفِدُ، وَنَرْجُو رَحْمَتَكَ، وَنَخْشَى عَذَابَكَ، إِنَّ عَذَابَكَ بِالْكَفَّارِ مُلْحِقٌ».

ای خدایا! به تحقیق که از تو یاری و از تو آموزش طلب می‌کنم، و ایمان به تو داریم و بر تو توکل نموده‌ایم و بر تو نیکی را ثنا بفرستیم و تو را شکرگزاری می‌کنیم، و کفران تو را نمی‌نمائیم از بیخ بر می‌کنیم و ترک می‌کنیم کسانی را که نافرمانی تو را بنمایند، ای

خدایا! فقط تو را پرستش می‌کنیم و برای تو نماز می‌خوانیم و سجده می‌کنیم، و به سوی تو می‌شتابیم و در خدمتت ایستاده‌ایم و امیدوار رحمت تو ایم، و از عذاب تو می‌ترسیم، همانا عذاب تو به ناگرویدگان پیوست شونده است.

مسئله ۳۶۷: در هر سه رکعت نماز وتر با حمد سوره بخواند.

مسئله ۳۶۸: اگر در رکعت سوم خواندن دعای قنوت را فراموش کرد و به رکوع رفت و در رکوع یادش آمد برای خواندن قنوت برنگردد، بلکه در آخر سجده سهو بجا آورد، و اگر برگشت باز هم باید سجده سهو بجا آورد.

مسئله ۳۶۹: اگر به فراموشی در رکعت اول یا دوم دعای قنوت را خواند آن را اعتباری نیست و باید در رکعت سوم دعای قنوت را بخواند و در آخر سجده سهو بجا آورد.

مسئله ۳۷۰: اگر دعای قنوت را یاد نداشت این دعا را بخواند:

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾^۱.

و یا سه مرتبه «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي» یا سه مرتبه «يَا رَبِّ» بگوید نماز جائز است، ولی لازم است سعی و کوشش کند تا دعای قنوت را یاد بگیرد.

بیان نمازهای سنت و نفل

پیش از نماز فرض صبح دو رکعت نماز سنت است. و در حدیث شریف نسبت به این دو رکعت تاکید بسیاری شده لذا هیچ موقعی نباید ترک شود، مگر وقت بامداد فقط گنجایش فرض را داشته باشد یا جماعت تشکیل شده است که در این صورت‌ها می‌تواند سنت را ترک نماید.

مسئله ۳۷۲: پیش از فرض نماز ظهر چهار رکعت سنت است و بعد از آن دو رکعت، و ترک این رکعات بدون عذر و بطور مداومی گناه است.

۱- ترجمه: «پروردگارا! در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا فرما، و ما را از عذاب دوزخ نجات ده».

مسئله ۳۷۳: پیش از فرض عصر چهار رکعت سنت غیر مؤکده است، خواندن آن دارای ثواب و ترک آن گناه ندارد.

مسئله ۳۷۴: در وقت شام بعد از فرض دو رکعت سنت مؤکده است، و حکم آن حکم سنت ظهر است.

مسئله ۳۷۵: در وقت عشاء «خفتن» مستحب است که اولاً چهار رکعت سنت خوانده شود «این سنت غیر مؤکده است» و بعد چهار رکعت فرض اداء گردد و بعد دو رکعت سنت مؤکده و سپس وتر سه رکعت.

مسئله ۳۷۶: در ماه مبارک رمضان نماز تراویح سنت مؤکده است برای مرد و زن خواندن آن ثواب و ترک آن بدون عذر گناه است، و تعداد رکعات آن بیست است، و طریق خواندن دو رکعت به یک سلام و بعد از چهار رکعت استراحت تا اندازه‌ای و در حال استراحت خواند «سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ» یا هر ذکر دیگر.

تذکر: سنت‌هایی که در خواندن آن‌ها از طرف پیغمبر اکرم ﷺ سفارش بسیار شده است به آن‌ها سنت مؤکده گفته می‌شود، و در شبانه روز تعداد آن‌ها دوازده است، دو رکعت پیش از فرض صبح، چهار رکعت قبل از فرض ظهر، دو رکعت بعد از فرض ظهر، دو رکعت بعد از فرض شام، دو رکعت بعد از فرض عشاء، و نماز تراویح در ماه رمضان. و در نزد بعضی از علماء دین نماز شب از مؤکدات است.

مسئله ۳۷۷: از طرف شریعت اسلام همین نمازهای بیان شده مقرر گردیده است و غیر از این‌ها همه نوافل است، و نوافل را حدی و وقتی نیست، البته در اوقات مکروهه که منع شده است و در آینده انشاء الله بیان خواهد شد نباید خوانده شود.

مسئله ۳۷۸: در میان نمازهای نفل بعضی ثواب زیادی دارد که از آن جمله است: تحیة الوضوء، اشراق، چاشت، اوابین، تهجد، صلوة التسبیح.

مسئله ۳۷۹: نماز تحية الوضوء عبارت است: از نمازی که بعد از وضوء دو رکعت بخواند و در احادیث حضرت رسول اکرم ﷺ برای این دو رکعت فضیلت زیادی آمده است.

مسئله ۳۸۰: طریق نماز اشراق این است که: بعد از نماز بامداد از جای خود برنخیزد و به ذکر مشغول باشد تا وقتی که خورشید طلوع نماید و قدری آفتاب بلند شود، آن وقت دو رکعت یا چهار رکعت نماز بخواند این را نماز اشراق می‌گویند، و ثواب زیادی دارد و قدر دیگر توقف کرده سپس دو یا چهار رکعت نماز بخواند، این نماز چاشت است.

مسئله ۳۸۱: بعد از فرض و سنت مغرب (شام) حد اقل خواندن شش تا بیست رکعت نماز را نماز اوایین می‌گویند.

مسئله ۳۸۲: نصف شب از خواب برخاسته نماز بخواند این را نماز تهجد می‌گویند، حد اقل آن چهار رکعت و حد اکثر آن دوازده رکعت است، و اگر نصف شب نمی‌تواند برخیزد بعد از نماز عشاء (خفتن) بخواند.

مسئله ۳۸۳: صلوة التسييح: در حدیث شریف برای این نماز فضائل زیادی آمده است، حضرت پیغمبر اکرم ﷺ به عموی خود حضرت عباس رضی الله عنه این نماز را تعلیم داده فرمودند: اگر بتوانید هر روز بخوانید، و اگر وقت نداشتید هفته‌ای یک مرتبه، و اگر این هم میسر نشد ماهی یک مرتبه، و در ماه اگر میسر نشد سالی یک مرتبه، و در سال اگر میسر نشد در عمر یک مرتبه بخوانید تمام گناهان شما را خداوند متعال می‌بخشد اگرچه مثل کف دریا باشد. طریق خواندن نماز این است: نیت کرده بعد از تکبیر تحریمه «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ، و «أَعُوذُ بِاللَّهِ»، و «بِسْمِ اللَّهِ» را مثل باقی نمازها گفته حمد و سوره را بخواند، و بعد از اتمام سوره پیش از رکوع پانزده مرتبه این کلمات را بخواند: «سُبْحَانَ اللَّهِ،

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ^۱». بعد رکوع کند و در رکوع بعد از تسبیح رکوع ده مرتبه کلمات بیان شده را بخواند، از رکوع برخاسته بعد از الحمد لله «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» بعد رکوع کند، و در رکوع بعد از تسبیح رکوع ده مرتبه کلمات بیان شده را بخواند، از رکوع برخاسته بعد از «سمع الله لمن حمده» نیز ده مرتبه بخواند و سجده رفته بعد از تسبیح سجده ده مرتبه و میان هر دو سجده ده مرتبه و در سجده دومی بعد از «سبحان ربی الأعلى» نیز ده مرتبه و از سجده دومی بلند شده بنشیند و ده مرتبه این کلمات را بخواند و رکعت دومی را مثل اولی بجا آورده در قعه پیش از التحيات نیز ده مرتبه این کلمات را بخواند و بهمین ترتیب هر چهار رکعت را اداء نماید و برای این نماز سوره مخصوص نیست هر سوره را که بخواهد بخواند، تعداد تسبیحات هر رکعت هفتاد و پنج و مجموعاً در چهار رکعت سیصد مرتبه می‌شود.

مسئله ۳۸۴: در روز اگر بخواند دو رکعت نماز نفل نیت کنند و یا چهار و از چهار بیشتر مکروه است، و در شب شش تا هفت رکعت نماز نفل به یک سلام که در هر دو رکعت بنشیند، می‌تواند اداء نماید و بیشتر از هشت رکعت به یک سلام مکروه است.

مسئله ۳۸۵: اگر چهار رکعت نیت کرده اختیار دارد که دو رکعت خوانده بنشیند التحيات و درود و دعا را خوانده سلام دهد و بعداً برای رکعت سومی برخیزد و مجدداً «سبحانک اللهم» و «أعوذ بالله» و «بسم الله» را خوانده شروع نماید، و اگر بخواهد تنها التحيات خوانده برخیزد بسم الله گفته الحمد را شروع کند، و همچنین در شش رکعتی و هشت رکعتی نماز نفل شب.

مسئله ۳۸۶: در نماز نفل خواندن سوره با حمد در هر رکعت واجب است.

۱- ترجمه: «الله پاک و منزّه است، و حمد از آن اوست، و هیچ معبودی به جز الله «بحق» وجود ندارد، و خدا بزرگترین است».

مسئله ۳۸۷: وقتی شخص نیت نماز نفل شود و شروع کرد تمام کردن آن واجب است و اگر ترک کند گنهکار است، و هر نمازی را که بشکند قضا بجا آورد ولی نفل هر دو رکعت نماز جداگانه به شمار می‌آید، لذا اگر چهار یا شش رکعت نیت کرد و آن را شکست فقط دو رکعت قضا بیاورد، و اگر چهار رکعت نیت کرد و دو رکعت خواند و سلام داد گنهکار نیست چون در دو رکعت دوم شروع ننموده است.

مسئله ۳۸۸: اگر چهار رکعت نماز نفل نیت کرد و در رکعت سوم یا چهارمی نیت را شکست اگر بعد از رکعت دومی نشسته و التحیات را خوانده فقط دو رکعت قضا بیاورد و اگر نشسته خواه قصدا باشد خواه سهوا چهار رکعت باید قضا بیاورد.

مسئله ۳۸۹: بدون عذر نفل را نشسته می‌تواند بخواند، و اگر نفل را ایستاده شروع کرد می‌تواند نشسته تمام کند و بالعکس نیز جائز است.

مسئله ۳۹۰: بدون عذر در نماز نفل تکیه زدن به دیوار یا چیز دیگری جائز است.

بیان نماز استخاره

مسئله ۳۹۱: وقتی شخص مسلمان اراده کاری نماید از خداوند متعال طلب خیر کند و این طلب خیر را استخاره می‌گویند، و در احادیث شریفه حضرت پیغمبر اکرم ﷺ است به آن ترغیب زیادی آمده است.

مسئله ۳۹۲: طریق نماز استخاره این است که: اولاً دو رکعت نماز نفل بخواند و بعد متوجه به خدا شده این دعا را بخواند و دعا این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ، وَأَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ، وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ، وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ، اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ - وَيَسْمِي حَاجَتَهُ - خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي - أَوْ قَالَ: عَاجِلِهِ وَأَجَلِهِ - فَاقْدِرْهُ لِي وَيَسِّرْهُ لِي

ثُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ، وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي - أَوْ قَالَ: عَاجِلِهِ وَأَجَلِهِ - فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْنِي عَنْهُ وَاقْدِرْ لِي الْخَيْرَ حَيْثُ كَانَ، ثُمَّ أَرْضِنِي بِهِ!.

وقتی که به لفظ هذا الامر رسید آن کار را بیاد آورد که برای آن استخاره می کند، بعد بالای رختخواب پاکیزه رو به قبله بخوابد، وقتی که از خواب بلند شد هر چیزی که در دل آن مشخص شود انجام دادن آن بهتر است.

مسئله ۳۹۳: اگر در مرحله اول چیزی در قلبش مشخص نشد دو مرتبه تا هفت مرتبه این کار را بکند.

بیان نماز توبه

مسئله ۳۹۴: اگر عملی خلاف انجام داده، دو رکعت نماز خوانده در پیشگاه پروردگار به سجده افتاده و از کرده خود پشیمان شده استغفار طلبد، و اراده محکم نماید که در آینده این کار را هرگز انجام ندهد به فضل و رحمت خدا گناه بخشیده می شود.

بیان نمازهای قضائی

مسئله ۳۹۵: اگر نمازی از کسی قضا باشد هر وقت یادآورد آن را قضا بیاورد و بدون عذر تاخیر نکند و اگر امروز و فردا کرد و مرد و قضائی بجا نیاورد برای آن دو گناه است، گناه ترک قضا و گناه تاخیر آن.

۱- ترجمه: «ای الله! به وسیلهی علمت از تو طلب خیر می کنم، و بوسیلهی قدرتت از تو توانایی می خواهم، از تو فضل بسیار را مسألت می نمایم، زیرا تو توانایی و من ناتوان، و تو می دانی و من نمی دانم، و تو دانندهی امور پنهان هستی. الهی! اگر در علم تو این کار - حاجت خود را نام می برد - باعث خیر من در دین و آخرت است - یا می گوید: در حال و آیندهی کارم - آن را برایم مقدور و آسان بگردان، و در آن برکت عنایت فرما، و چنانچه در علم تو این کار برایم در دنیا و آخرت باعث بدی است - یا می گوید: در حال و آیندهی کارم - پس آن را از من، و مرا از آن، منصرف بگردان، و خیر را برای من هر کجا که هست مقرر نما، و آنگاه مرا با آن خوشنود بگردان».

مسئله ۳۹۶: برای قضا آوردن نماز فوت شده وقتی معین نشده بلکه غیر از اوقات ممنوعه که عبارت از طلوع آفتاب، و موقع استوای آن، و موقع غروب آن است در همه اوقات جائز است.

مسئله ۳۹۷: اگر از کسی در همه عمر فقط یک نماز قضا شده یا چند نماز ولی آنها را قضائی بجا آورده و فقط یکی باقیمانده قبل از اینکه وقتی را بخواند اگر وقت گنجایش داشت اولی نماز قضائی را بخواند و بعد وقتی را و اگر چنین نکرد نمازش جائز نیست.

مسئله ۳۹۸: اگر از شخص در همه عمر نماز قضا نشده یا اگر شده قضائی بجا آورده، به این شخص صاحب ترتیب می‌گویند، و شخص صاحب ترتیب اگر در وقت گنجایش بود و نمازی از آن فوت شده که به یادش بود نمی‌تواند نماز وقتی را بخواند بلکه باید اولاً قضائی بخواند و بعد وقتی را اداء نماید.

مسئله ۳۹۹: اگر از کسی شش نماز فوت شد، ترتیب ساقط می‌گردد، یعنی بدون قضا بجا آوردن نماز فوتی می‌تواند نماز وقتی را بخواند، و اگر از شش وقت کم‌تر باشد ترتیب ساقط نمی‌شود و پیش از بجای آوردن قضائی‌ها نمی‌تواند نماز وقتی را بخواند.

مسئله ۴۰۰: اگر وتر قضا شده و بر ذمه آن قضائی دیگر نیست پیش از قضا آوردن وتر نماز صبح جائز نیست.

مسئله ۴۰۱: اگر شخص که صاحب ترتیب است، نماز عشاء را خواند و خوابید موقعی که برای تهجد بلند شد وضوء گرفت و وتر را خواند در روز یادش آمد که نماز عشاء را بدون وضوء خوانده است فقط فرض عشاء را قضا آورد.

مسئله ۴۰۲: نمازهای فرض و وتر قضا آورده می‌شود نه سنت و نوافل، البته اگر نماز بامداد قضا شد و می‌خواهد پیش از زوال همان روز قضا بیاورد فرض و سنت هر دو را قضا بیاورد و بعد از زوال فقط فرض را قضا بیاورد. زوال یعنی نیمروز.

مسئله ۴۰۳: اگر در نماز صبح آنقدر فرصت تا طلوع خورشید باقیمانده است که فقط تنها فرض خوانده می‌شود، سنت را ترک کند و بعضی از علماء دین فرموده‌اند که: بعد از

طلوع خورشید دو رکعت نماز نفل بخواند، خداوند متعال او را از ثواب سنت صبح بهره مند می‌گرداند.

مسئله ۴۰۴: اگر کسی از بی‌نمازی توبه نمود و تصمیم گرفت که در آینده نماز از او ترک نخواهد شد باید نمازهای گذشته را قضائی بجا آورد.

مسئله ۴۰۵: اگر از کسی نماز قضا شد و فرصت اداء کردن قضائی را نیافت در وقت مرگ وصیت به فدیة دادن واجب است و اگر وصیت نکرد گنہکار است.

احکام سجده سهو

مسئله ۴۰۶: اگر کسی همه واجبات نماز یا یکی را سهوا ترک نمود سجده سهو واجب می‌گردد، و به وسیله این سجده نماز کامل می‌شود، و اگر سجده سهو بجا نیامورد باید نماز را مجدداً بخواند.

مسئله ۴۰۷: اگر به فراموشی فرضی از فرائض نماز ترک شد نماز جائز نیست و باید دوباره نماز خوانده شود.

مسئله ۴۰۸: طریق سجده سهو این است که: در رکعت اخیر فقط التحيات را خوانده به یک طرف سلام دهد و بعد از سلام دو سجده کند و مجدداً التحيات و درودها و دعا را خوانده سلام دهد.

مسئله ۴۰۹: اگر به فراموشی پیش از سلام دادن سجده سهو را بجا آورد و دو مرتبه التحيات و درودها و دعا را خوانده سلام داد و نماز را تمام کرد اشکالی ندارد و نماز جائز است.

مسئله ۴۱۰: اگر خواندن الحمد را در نماز فراموش کرد یا سوره را پیش از حمد خوانده سجده سهو واجب می‌شود.

مسئله ۴۱۱: اگر در دو رکعت اول ضم سوره نکرد در دور رکعت آخر ضم سوره نماید و اگر در یک رکعت ضم سوره نکرد باید سجده سهو بجا آورد و نیز در دو صورت گذشته سجده سهو بجا آورد.

مسئله ۴۱۲: در تمام رکعات نماز سنت و نفل و واجب ضم سوره واجب است، و اگر در یک رکعت از این نمازهای سه گانه ضم سوره نکرد سجده سهو واجب می شود.

مسئله ۴۱۳: اگر الحمد را خوانده فکر کرد که کدام سوره را بخواند و فکر آن اینقدر طولانی شد که از آن مدت گنجایش سه مرتبه «سبحان الله» گفتن را داشت سجده سهو واجب می شود.

مسئله ۴۱۴: اگر در رکعت آخر بعد از التحیات مشتبه شد که سه رکعت خوانده است یا چهار رکعت؟ و در همین فکر به اندازه سه مرتبه «سبحان الله» گفتن خاموش نشست بعد یادش آمد که چهار رکعت خوانده در این صورت نیز سجده سهو لازم است.

مسئله ۴۱۵: اگر خواننده نماز بعد از خواندن حمد و سوره به فکر رفت و فکر آن به اندازه سه تسبیح طولانی شد، سجده سهو واجب می شود و همچنین اگر در وقت خواندن قرائت یا در قعه اخیر یا میان هر دو سجده به فکر رفت سجده سهو لازم می شود.

مسئله ۴۱۶: در نمازهای سه رکعتی یا چهار رکعتی اگر در قعه اول دو مرتبه التحیات یا درود شریف را بعد از «التحیات» تا «علی محمد» به فراموشی خواند آن وقت یادش آمد که باید برخیزد و برخاست و باید در آخر سجده سهو بجا آورد.

مسئله ۴۱۷: در نمازهای نفل یا سنت اگر در قعه اول با التحیات درودها را خواند سجده سهو واجب نمی شود، البته تکرار التحیات موجب سجده سهو است.

مسئله ۴۱۸: اگر بجای التحیات به فراموشی در قعه دعای دیگر یا حمد را خواند سجده سهو لازم می شود.

مسئله ۴۱۹: اگر بجای «سبحانک اللهم» دعای قنوت را خواند یا در دو رکعت آخر بجای الحمد دعای قنوت را خواند سجده سهو واجب نمی شود.

مسئله ۴۲۰: اگر در نماز چهار رکعتی در قعه اول نشست و به سوی قیام حرکت کرد بعد یادش آمد اگر به نشستن نزدیک تر است بنشیند و سجده سهو هم لازم نمی شود،

و اگر بطرف قیام نزدیک تر بود ننشیند بلکه ایستاده نماز را تمام کند و بعد سجده سهو بجا آورد.

مسئله ۴۲۱: شخص نماز خواننده قعده اخیر را فراموش کرد و به سوی قیام حرکت کرد تا موقعی که برای رکعت پنجم سجده نکرده هرگاه سجده کرد یادش آمد یک رکعت دیگر بخواند و سجده سهو بجا آورد، هر شش رکعت نفل حساب می شود فرض را دوباره بخواند، و اگر در قعده آخر ننشسته و به خیال اینکه قعده اول است بلند شود تا مادامی که برای رکعت پنجم سجده نکرده هرگاه یادش آمد بنشیند و سجده سهو بجا آورد. و اگر برای رکعت پنجم سجده کرد و یادش آمد یک رکعت دیگر بخواند و در آخر سجده سهو بجا آورد چهار رکعت فرض و دو رکعت نفل محسوب می شود.

مسئله ۴۲۲: در نماز نفل اگر قعده اول را فراموش کرد تا مادامی که برای رکعت سوم سجده نکرده برگردد، و اگر سجده کرد برای رکعت سوم چهارم را بخواند و در هر دو صورت سجده سهو واجب می شود.

مسئله ۴۲۳: اگر در نماز شک کرد که سه رکعت خوانده یا چهار رکعت و این اولین مرتبه است که شک می کند نماز را رها کند و دو مرتبه بخواند و اگر بسیار برایش تاکنون شک پیش آمده فکر کند و به هر چه قلبش فتوی داد به آن عمل کند، اگر قلبش فتوی سه رکعت داد یک رکعت دیگر بخواند اگر به چهار رکعت قلبش گواهی داد نماز را تمام کند و سجده سهو لازم نیست و اگر قلبش بین سه رکعت و چهار رکعت برابر بود سه رکعت حساب کرده بنشیند و بعد یک رکعت دیگر بخواند و در این صورت سجده سهو حتما باید بجای آورد.

مسئله ۴۲۴: اگر در نماز چند سهو کرد که هر یک از آنها موجب سهو بود یک سجده برای همه کافی است.

مسئله ۴۲۵: اگر بعد از سجده سهو عملی کرد که به واسطه آن سجده سهو لازم می شد همان سجده اولی کافی است مثلاً بجای التحیات الحمد را خواند.

مسئله ۴۲۶: اگر سجده سهو را فراموش کرد و به هر دو طرف سلام دادن لکن هنوز همانجا نشسته است و سینه‌اش را از طرف قبله نگردانیده و با کسی هم صحبت ننمود حالیه سجده سهو را بجا آورد و اگر چه ذکر یا درود خوانده است.

مسئله ۴۲۷: اگر بر کسی سجده سهو لازم بود ولی قصداً به هر دو طرف سلام داد نیت داشت که سجده سهو را بجا نیاورد و با وجود این تا وقتی که عمل منافی نماز از آن صادر نشود می‌تواند سجده سهو را بجا آورد.

مسئله ۴۲۸: اگر کسی در نماز سه رکعتی یا چهار رکعتی به فراموشی در قعده اولی سلام داد بعد معلوم کرد که قعده اولی است، تا پیش از صدور عمل منافی نماز مثل صحبت کردن و چیزی را خوردن برخیزد نماز را تمام کند و سجده سهو بجا آورد.

مسئله ۴۲۹: اگر کسی به فراموشی در رکعت اول یا دوم و تر دعای قنوت را خواند، این خواندن معتبر نیست و در رکعت سومی دعای قنوت را بخواند و سجده سهو در آخر بجا آورد.

مسئله ۴۳۰: اگر کسی در نماز وتر شک کرد که رکعت دومی است یا سومی و هر دو طرف گمانش مساوی است در همان رکعت دعای قنوت را بخواند و بنشیند و التحیات را خوانده بلند شود یک رکعت دیگر بخواند و در آن هم دعای قنوت را بخواند و در آخر سجده سهو بجا آورد.

مسئله ۴۳۱: اگر در نماز وتر بجای دعای قنوت «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ» خواند اگر یادش آمد باید دعای قنوت را بخواند و سجده سهو واجب نمی‌شود، و همچنین اگر بعد از خواندن «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ» دعای قنوت یادش نیامد و به رکوع رفت سجده سهو لازم نمی‌شود.

مسئله ۴۳۲: اگر در دو رکعت آخر فرض بعد از حمد سوره هم خواند سجده سهو لازم نمی‌شود.

مسئله ۴۳۳: اگر خواندن سوره الحمد را در دو رکعت آخر فراموش کرد سجده سهو واجب نمی‌شود.

مسئله ۴۳۴: اگر در نماز خواندن «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ» یا تسبیحات رکوع و سجود و یا سنتی از سنت‌های نماز را به فراموشی ترک کرد سجده سهو لازم نمی‌شود.

مسئله ۴۳۵: هر چیزی که به فراموش کردنش سجده سهو واجب می‌شود اگر قصداً ترک شود سجده سهو واجب نمی‌شود بلکه نماز را ناقص می‌کند و دو مرتبه خواندنش لازم است.

بیان سجده تلاوت

مسئله ۴۳۶: در قرآن مجید چهارده سجده تلاوت است هر جا در کنار ورق سجده نوشته شده، آن آیت را که خواند سجده کند و این را سجده تلاوت می‌گویند.

مسئله ۴۳۷: طریقه سجده تلاوت این است که: «الله أكبر» گفته بدون اینکه دست‌ها را بلند کند به سجده برود، و در سجده سه بار یا بیشتر «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى» بگوید و بعد الله أكبر گفته بلند شود بهتر است که در حالت قیام به سجده رود و بعد از سجده نیز قیام کند و اگر نشسته بجا آورد جائز است.

مسئله ۴۳۸: سجده تلاوت بر خواننده و شنونده قصد شنیدن را داشته باشد یا نه واجب می‌شود، به این واسطه در جائی که می‌داند ممکن است شنوندگان سجده را بجا نخواهند آورد بهتر است آیه سجده را آهسته بخواند تا بر دیگران واجب نشود.

مسئله ۴۳۹: هر چه برای نماز شرط است برای سجده تلاوت نیز شرط است مثل وضوء داشتن، لباس پاک، مکان پاک، رو به قبله کردن و غیره.

مسئله ۴۴۰: اگر در وقت خواندن آیه سجده وضوء نداشت وضوء گرفته سجده را بجا آورد.

مسئله ۴۴۱: اگر بر ذمه کسی سجده تلاوت زیادی است باید به مرور اداء کند و اگر نکرد گنهکار است.

مسئله ۴۴۲: اگر زن در حالت حیض یا نفاس آیه سجده را شنید سجده در آن واجب نمی‌شود، و اگر در حالت جنابت شنید واجب می‌شود و بعد از غسل کردن باید سجده نماید.

مسئله ۴۴۳: اگر در حال مریضی آیه سجده را شنید و طاقت سجده کردن را نداشت با اشاره سجده نماید.

مسئله ۴۴۴: اگر در نماز آیه سجده را تلاوت کرد فوراً به سجده رود و بقیه را که می‌خواهد بخواند بعد از سجده بخواند، و اگر فوراً به سجده نرفت بلکه چند آیت دیگر تلاوت کرده سجده کرده جائز است.

مسئله ۴۴۵: اگر در نماز آیه سجده را خواند و سجده نکرد در بیرون نماز اداء نمی‌شود و برای همیشه گنهکار است و غیر از طلب مغفرت از خداوند متعال راهی دیگر نیست.

مسئله ۴۴۶: اگر آیه سجده را خواند و فوراً به رکوع رفت و در رکوع نیت کرد که به جای سجده تلاوت رکوع می‌کند سجده اداء می‌شود، و اگر در رکوع این نیت را نکرد هرگاه سجده کند سجده تلاوت اداء می‌شود خواه نیت کند و خواه نکند.

مسئله ۴۴۷: اگر کسی در بین نماز آیه سجده را از کسی شنید در میان نماز سجده نکند بلکه بیرون نماز سجده را اداء کند.

مسئله ۴۴۸: اگر یک جا نشسته چند مرتبه یک آیه سجده را خواند یک سجده واجب است، خواه در آخر سجده کند یا اینکه در مرتبه اول سجده کرد و بعداً چند مرتبه تلاوت کرد همان سجده اولی کافی است، و اگر در جاهای مختلف آیه سجده را تلاوت کرد برای هر یک مرتبه سجده لازم است.

مسئله ۴۴۹: اگر در یک جا چند آیه سجده را تلاوت کرد برای هر یک سجده جداگانه لازم است.

مسئله ۴۵۰: اگر کسی نشسته آیه سجده را تلاوت کرد، سپس حرکت نمود و در حالت ایستاده خواند یک سجده واجب می‌شود، و اگر چند قدمی رفت و آیه سجده را خواند دو سجده واجب می‌شود.

مسئله ۴۵۱: اگر کسی نشسته آیه سجده را خواند و بعد برخاسته به عقب کاری رفت، مجدداً برگشت و در همانجای اولی آیه سجده را خواند دو سجده واجب می‌شود.

مسئله ۴۵۲: اگر کسی آیه سجده را تلاوت کرد و بعد در همانجا مشغول به کاری شد مثل خوردن، آشامیدن، لباس پوشیدن و غیره و بعد آیه سجده را خواند دو سجده واجب می‌شود، خلاصه اینکه مشغول شدن به کاری حکم تغییر مکان را دارد.

مسئله ۴۵۳: اگر در یک گوشه خانه آیه سجده را خواند و بعد به گوشه دیگری رفته و خواند، یا به یک شاخ درخت خواند و بعد به شاخ دیگر رفته تلاوت کرد یک سجده واجب می‌شود، و اگر در محلی فراخ باشد مثل صحن منزل و از این گوشه به آن گوشه رفت و آیه سجده را تلاوت کرد، دو سجده واجب می‌شود، و گوش‌های از صحن منزل حکم جای مخصوصی دارد.

مسئله ۴۵۴: مسجد در حکم محل واحد است، یعنی در هر جای که از مسجد بخواند یک سجده واجب می‌شود.

مسئله ۴۵۵: اگر کسی آیه سجده را تلاوت کرد و سجده نکرد و در همانجا عقد نماز بسته همان آیه را خوانده و سجده کرد همین سجده کافی است، و اگر محل عوض شد یا بعد از تلاوت در بیرون سجده کرد بعد شروع به نماز کرد و همان آیه را خواند دو مرتبه سجده واجب می‌شود.

مسئله ۴۵۶: اگر خواننده ثابت بود و شنونده تغییر جا می‌داد برخواننده یک سجده و بر شنونده چند سجده واجب می‌شود، و اگر خواننده تغییر مکان می‌داد و شنونده ثابت بر خواننده چند سجده و بر شنونده یک سجده واجب است.

مسئله ۴۵۷: خواندن تمام سوره و ترک آیه سجده مکروه است، و بالعکس اشکالی ندارد ولی اگر در نماز این کار را کرد باید آیه سجده طویل باشد که به اندازه سه آیه کوچک باشد.

بیان نماز مریض

مسئله ۴۵۸: در هیچ حالتی نباید ترک نماز کرد، مادامی که توانائی ایستادن را دارد ایستاده، و اگر ندارد نشسته، و اگر توانائی نشستن را ندارد دراز کشیده با اشاره سر نماز را اداء کند.

مسئله ۴۵۹: برای سجده بالش یا دیگر چیزی که بر آن سجده کند نگذارد بلکه در این حالت که نمی‌تواند بطور عادی سجده کند با اشاره نماز بخواند و اشاره سر پائین تر از اشاره رکوع باشد.

مسئله ۴۶۰: اگر قدرت قیام را برای نماز دارد ولی در قیام اذیت می‌شود یا ترس زیادی مرض است نشسته نماز را اداء کند.

مسئله ۴۶۱: اگر ایستاده می‌تواند نماز بخواند ولی قادر به رکوع و سجود نیست، این وقت مخیر است که ایستاده با اشاره نماز بخواند یا نشسته ولی نشسته بهتر است.

مسئله ۴۶۲: اگر توانائی نشستن را ندارد بر پشت دراز کشیده و متکا گذارده تکیه زده نماز را با اشاره سر اداء نماید یا بر پهلو دراز کشیده نماز را با اشاره اداء نماید.

مسئله ۴۶۳: اگر مریض نمی‌تواند اشاره سر کند به چشم و ابرو اشاره نکند بلکه نماز را ترک نماید.

مسئله ۴۶۴: اگر حالت مریض طوری بود که اشاره سر نمی‌تواند بکند و این حالت یک شبانه روز طولانی شد نماز قطعاً از او ساقط می‌شود یعنی بعد از صحت قضائی

ندارد و اگر از یک شبانه روز کم تر بود و سپس قدرت اشاره یافت با اشاره نماز بخواند و آنچه فوت شده قضا بیاورد، و نگوید: باشد خوب شوم، که شاید بمیرد و در این صورت گنهکار می میرد و حکم بی هوشی هم همین است.

مسئله ۴۶۵: مریض اگر به واسطه شدت مرض بی هوش شد و بی هوشی آن از یک شبانه روز بیشتر شد قضا واجب نمی شود و اگر کم تر بود قضا واجب است.

مسئله ۴۶۶: اگر شخص در موقع شروع نماز سالم بود و در بین نماز مریض شد به هر طوری که قدرت داشت نماز را تمام کند.

مسئله ۴۶۷: اگر شخص مریض نماز را نشسته می خواند و در وسط نماز سالم شد، بقیه را ایستاده بخواند.

مسئله ۴۶۸: اگر مریض نماز را با اشاره می خواند و در میان نماز سالم شد که قدرت قیام را دارد و یا می تواند نشسته رکوع و سجده کند نمازش باطل و از نو باید نماز بخواند.

مسئله ۴۶۹: شخص مبتلا به فلج یا مرض دیگر گشته که استعمال آب برایش زیان آور است، استنجاء به کلوخ یا پارچه ای بزند و تیمم کرده نماز را بخواند، و اگر قدرت تیمم زدن را ندارد دیگری آن را تیمم دهد و نماز بخواند، و اگر قدرت استنجاء به کلوخ و غیره را ندارد کس دیگر بجز عیالش و عیال را شوهرش استنجا ندهد و نماز را ترک نکند.

مسئله ۴۷۰: اگر کسی در حال صحت نماز را ترک کرده وقت مریضی به هر نحوه ای که می تواند نماز را قضا آورد.

مسئله ۴۷۱: اگر ملافه و فرش مریض نجس است و در تعویض آن برایش ایجاد ناراحتی است همانطور بالای آن نمازش جائز است.

مسئله ۴۷۲: اگر طیب مریض را از نشست و برخاست منع کرد دراز کشیده با اشاره نماز را اداء کند.

بیان اقسام سفر و تعریف و آداب و احکام سفر

نیت سفر و انواع آن، سفر عادتاً دو نوع می‌باشد.

(۱) خاص برای دین.

(۲) خاص برای دنیا.

مثال اول: سفر حج، جهاد، طلب علم، زیارت علما و صلحاء و برادران دینی و خویشاوندان و دوستان و این سفر به مطابق مقصد سفر یا فرض است یا واجب یا مستحب به هر حال در هر قدم ثواب حاصل می‌شود.

مثال دوم: سفر برای تجارت و کسب معاش یا خاص برای تفریح و خوشحالی لکن برای شخص عاقل مناسب است که در این سفر نیت دین داشته باشد چرا که همه کار و بار دنیا با اراده دین و نیت خیر عبادت محسوب می‌گردد، مثلاً برای تجارت به این اراده بیرون شود که تا نان و نفقه اشخاصی که شریعت بر ذمه من واجب گردانیده ادا کرده و مازاد را در کارهای خیر صرف کنم، از عبارت نیت سفر انواع آن بخوبی دانسته می‌شود.

بیان اوقات سفر و آداب آن

مسئله ۴۷۳: روز جمعه یا شنبه برای مسافرت بهتر و با برکت تر است، پیغمبر اکرم ﷺ در این روزها مسافرت می‌کردند و نسبت به این سفر دعا فرمودند.

مسئله ۴۷۴: روز جمعه پیش از نماز جمعه سفر کردن جائز ولی نرفتن اولی است، بعد از اذان جمعه پیش از نماز سفر حرام است.

مسئله ۴۷۵: صبح زود مسافرت مبارک و در این خصوص نیز پیغمبر ﷺ دعا کرده‌اند.

مسئله ۴۷۶: مسافرت مناسب است با رفیق باشد بالخصوص در مسافرت‌های طولانی، و در این فوائد دنیوی و دینی است اگر رفیق یک نفر باشد کافی است و اگر بیشتر باشد بهتر است.

مسئله ۴۷۷: اگر جماعتی اقدام به مسافرت نمایند مناسب است یکی را از میان خود رئیس تعیین کرده و در صورت اختلاف آراء بر دستور و فیصله آن عمل نمایند اگرچه مخالف رای دیگران باشد.

مسئله ۴۷۸: پیش از سفر اسباب سفر را آماده نماید تا باعث تکلیف و اذیت دیگران نشود، در مسافرت داشتن سرمه، شانه، مسواک، مقرض سنت است.

مسئله ۴۷۹: مستحب است پیش از مسافرت استخاره کند طریق استخاره در بیان نماز استخاره بیان شده است.

تذکر لازم: عادت مردم بعضی مناطق است که: در وقت اراده مسافرت از ستارگان و حیوانات فال می گیرند، و این عادت مردود و خلاف شریعت است، و تنها چیزی که جائز است استخاره می باشد، چنانچه پیغمبر ﷺ فرمودند: «مَا حَابَ مَنْ إِسْتَحَارَ» یعنی زیان کار نمی شود کسی که استخاره نماید. هنگام رفتن به سفر با رفقاء و اقرباء خداحافظی کند، و در وقت جدائی این دعا را بخواند: «أَسْتَوِدِعُ اللَّهَ دِينِي، وَأَمَانَتِي، وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي»^۱.
بازماندگان این دعا را بخوانند: «فِي حَفْظِ اللَّهِ وَفِي كَنَفِهِ، زَوَّدَكَ اللَّهُ التَّقْوَى، وَغَفَرَ ذَنْبَكَ، وَيَسَّرَ لَكَ الْخَيْرَ حَيْثُ مَا كُنْتَ»^۲.

در احادیث شریفه وارد است که بهترین محافظ و خلیفه برای بازماندگان حرمت چهار رکعت نماز است که بعد از پوشیدن لباس مسافرت اداء کند و در هر چهار رکعت بعد حمد سوره مبارکه «قل هو الله أحد» را بخواند، و بعد از ادای نماز این دعا را بخواند: ای خدا! به وسیله این رکعات طالب قرب شما می باشم و به طفیل آن مال و عیال من را حفاظت فرما». و عادت پیغمبر اکرم ﷺ این بود: وقتی که برای مسافرت حرکت

۱- ترجمه: من دین و امانت و خاتمه‌ی کارهایم را به الله می سپارم.

۲- ترجمه: در حفظ و رعایت خداوند باشید، خداوند، تقوی نصیب شما گرداند، گناهانت را ببخشد، و هر جا که هستید خیر را برای شما میسر گرداند.

می‌کردند، این دعا را می‌خواندند: «پروردگارا به مدد تو بر می‌خیزم، و به سوی تو رو می‌آورم، و از تو قوت حاصل می‌کنم، و خاص بر تو اعتماد می‌کنم، ای خدا! تو محل اعتماد منی، و امید من خدایا کفیل باش در این کاری که کوشش می‌کنم». وقتی که از خانه بیرون شود این دعا را بخواند: «بنام خدا شروع می‌کنم، و بر خدا اعتماد دارم، و نیست قوتی بر طاعت و برگشت از معصیت مگر به کمک خداوند بزرگ، پروردگارا من به تو پناه می‌برم از اینکه گمراه شوم یا گمراه کنم، بلغزم یا بلغزانم، ستم کنم تا ستم کرده شوم، بدخلقی کنم یا با دیگران بداخلاقی کنم». وقتی که به مرکب سوار شود سه مرتبه «الله اکبر» گفته این دعا را بخواند: «پاکست آن ذاتی که تابع گردانید این مرکب را و حال اینک توانائی این را نداشتیم و به سوی پروردگار رجوع کننده‌ایم». و بعد این دعا را بخواند: «ای خدا! از تو نیکی و تقوی و آن عملی که تو از بجا آوردن آن خشنود می‌شوی طلب می‌کنم، ای خدا! آسان گردان بر من این سفر را و کوتاه گردان دوری آن را، توئی رفیق سفر و محافظ اهل و مال در وطن و خانه، پروردگارا! رفیق سفر شو مرا و محافظ اهل و عیال من». در راه وقتی که بر بلندی بالا رود الله اکبر گفته این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ لَكَ الشَّرْفُ عَلَى كُلِّ شَرَفٍ وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ حَالٍ». وقتی که پائین بیاید سبحان الله بگوید، و اینگونه بوده است عادت پیغمبر و صحابه کرام.

مسئله ۴۸۰: با رفیق خود با نهایت لطف و اخلاق رفتار نماید اگر احیانا از رفقاء اذیت ببیند صبر نماید و اگر زیاده از احتیاج وسائل سفر داشت به رفقاء کمک نماید.

مسئله ۴۸۱: در مسافرت سگ همراه نبود، در حدیث شریف آمده است که: فرشته نیکی همراه جماعتی نیست که سگ همراه داشته باشند.

مسئله ۴۸۲: اگر مرکب سواری حیوانی است از قدرت آن اضافه بار کردن جائز نیست، و سر و روی آن زدن حرام است.

مسئله ۴۸۳: گاهی پیاده برود و به حیوان نوبت استراحت بدهد.

مسئله ۴۸۴: در حدیث است: وقتی که سواره مشغول یاد خدا باشد فرشته همراه اوست و اگر مشغول غیر یاد خدا باشد شیطان رفیق اوست.

مسئله ۴۸۵: وقتی که مسافر به محلی فرود آید مستحب است دو رکعت نماز اداء کرده این دعا را بخواند: «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ»^۱. وقتی که شب شود مسافر این دعا را بخواند: «يَا أَرْضُ رَبِّي وَرَبُّكَ اللَّهُ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّكَ وَشَرِّ مَا فِيكَ وَشَرِّ مَا خُلِقَ فِيكَ وَمِنْ شَرِّ مَا يَدْبُ عَلَيْكَ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ أَسَدٍ وَأَسْوَدَ وَمِنْ الْحَيَّةِ وَالْعَقْرَبِ وَمِنْ سَاكِنِ الْبَلَدِ وَمِنْ وَالِدٍ وَمَا وَلَدَ». وقتی صبح شد این دعا را خواند: «سَمِعَ سَامِعٌ بِحَمْدِ اللَّهِ، وَحُسْنِ بَلَائِهِ عَلَيْنَا. رَبَّنَا صَاحِبِنَا، وَأَفْضَلُ عَلَيْنَا عَائِدًا بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ»^۲. وقتی از دور آن شهر و دیار که عازم آنجاست مشاهده شود این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَمَا أَظْلُنَّ، وَرَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا أَقْلُنَّ، وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا أَضْلُنَّ، وَرَبَّ الرِّيَّاحِ وَمَا دَرَيْنَ. أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ وَخَيْرَ أَهْلِهَا، وَخَيْرَ مَا فِيهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا، وَشَرِّ أَهْلِهَا، وَشَرِّ مَا فِيهَا»^۳. وقتی وارد آن محل شود به اندازه وسع لباس خوب بپوشد، هنگام برگشتن از سفر برای اهل و عیال و دوستان تحفه و هدایا آوردن مستحب است. و در حدیث تا این حد تاکید شده که اگر چیزی نبود حداقل ساک خود را پر از ریگ یا سنگ آن محل کرده بیاورد. یا مراد تاکید است، یا سنگی که لازم خانه است، وقتی که برگشت همان

۱- ترجمه: از شرا! آنچه خداوند آفریده است، به کلمات کامل او پناه می‌برم.

۲- باشد که شاهی، حمد و ستایش خدا را بشنود و بر خوبی نعمت‌هایش بر ما گواهی دهد. ای پروردگار ما، تو همراه ما باش، و به ما احسان کن، در حالی که از آتش دوزخ به تو پناه می‌برم.

۳- ترجمه: بار الها! ای پروردگار هفت آسمان و آنچه زیر آن‌ها قرار دارد، ای پروردگار زمین‌های هفت گانه و آنچه بر روی آن‌ها قرار دارد، و ای پروردگار شیطان‌ها و آنچه که آن‌ها گمراه کرده‌اند، و ای پروردگار بادها و آنچه که آن‌ها به حرکت در می‌آورند، من از تو خیر این آبادی، و خیر ساکنان، و خیر آنچه در آن هست را مسألت می‌نمایم، و از بدی آن، و بدی ساکنان آن، و بدی آنچه در آن قرار دارد، به تو پناه می‌برم.

دعاها را در هبوط و صعود تکرار کند، یعنی بالا رفتن و پائین آمدن و نیز این دعا را بخواند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، آيِبُونَ، تَائِبُونَ، عَابِدُونَ، لِرَبِّنَا حَامِدُونَ، صَدَقَ اللَّهُ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ»^۱. وقتی که نظر مسافر به شهر آن افتاد این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا بِهَا قَرَارًا وَرِزْقًا حَسَنًا».

مسئله ۴۸۶: در حدیث است که پیغمبر ﷺ منع کردند از ناگهان داخل شدن به خانه بعد از مسافرت طولانی البته اگر قبل از آمدن اطلاع داده یا سفر طولانی نیست آمدن ناگهانی تابعی ندارد.

مسئله ۴۸۷: وقتی مسافر از سفر وارد شهر یا ده محل سکونت خود گردید اولاً به مسجد رفته دو رکعت نماز بخواند.

مسئله ۴۸۸: وقتی داخل منزل خود گردید این دعا را بخواند: «تَوْبًا تَوْبًا، لِرَبِّنَا أَوْبًا، لَا يُعَادِرُ عَلَيْنَا حُوبًا».

مسئله ۴۸۹: با مستقبلین مصافحه و معانقه مستحب است.

بیان سفر شرعی

مسئله ۴۹۰: سفر شرعی بر سه شرط موقوف است.

اول) حداقل اینقدر دور باشد که پیاده رونده در ظرف سه روز به آسانی آن راه را طی کند اگرچه به واسطه وسائل امروزی در ظرف چند دقیقه پیموده شود، و مقدار آن به حساب کیلومتر تقریباً نود و شش کیلومتر است.

۱- ترجمه: بجز الله معبود دیگری «بحق» وجود ندارد، یگانه است، شریکی ندارد، پادشاهی از آن اوست، ستایش مخصوص اوست، و او بر هر چیز توانا است، توبه کنان، عبادت کنان و حمدگویان برای پروردگاران، باز می گردیم، خداوند وعده اش را تحقق بخشید، بنده اش را نصرت کرد و به تنهایی گروه ها را شکست داد.

دوم) از اول مسافرت قصد و اراده این مقدار مسافت را داشته باشد، و اگر از این کم تر باشد سفر گفته نمی شود.

سوم) که قصد سفر کرده از محل سکونت بیرون شود، به مجرد قصد بدون بیرون شدن مسافر گفته نمی شود، و از محل خود که بیرون شد احکام بر آن جاری می گردد اگر چه در باغات یا ایستگاه قطار و فرودگاه باشد.

احکام مخصوص سفر شرعی

کسی که اراده سفر کرد و از خانه بیرون شد شرعا مسافر گفته می شود، و بر آن واجب است که نماز ظهر و عصر و خفتن را بجای چهار رکعت دو رکعت بخواند، و اگر قصدا چهار رکعت خواند و در قعه اول نشست و در آخر سجده بجا آورد نماز آن اداء می شود ولی گنهکار است، و اگر در قعه اول ننشیند نماز آن فاسد است، نبی کریم ﷺ و اصحاب بزرگوار همین گونه دستور می دادند.

مسئله ۴۹۲: اگر ابتدا وقت مقیم بود و پیش از اداء نماز شروع به مسافرت کرد این نماز را مسافرانه بخواند، همچنین اگر در اول وقت مسافر بود و پیش از اداء مقیم شد نماز را مقیمانانه بخواند.

مسئله ۴۹۳: مسافر در ایستگاه قطار یا فرودگاه شهر خود بشرط بیرون بودن آنها از شهر از رفتن و برگشتن نماز را مسافرانه اداء نماید. از حضرت علی کرم الله وجهه روایت است که: وقتی از بصره به وطن خود کوفه تشریف می آوردند و این قدر نزدیک بودند که مکانات و محلات بنظر می آمد ولی نماز را مسافرانه می خواندند.

مسئله ۴۹۴: مسافر اگر بجائی مطمئن باشد سنت های مؤکده را بخواند، و اگر شتاب دارد یا از قطار و ماشین و یا از رفقاء می ماند می تواند سنت ها را ترک کند.

مسئله ۴۹۵: برای مقیم امامت مسافر و بالعکس جائز است ولی وقتی مسافر امام بود پیش از شروع نماز اطلاع دهد که من مسافرم و شما بقیه نماز خود را بخوانید، و متقدین

مقیم دو رکعت آخر را اینطور بخوانند که: در قیام به اندازه حمد توقف نمایند و سوره الحمد را نخوانند.

مسئله ۴۹۶: مسافر شرعی مختار است که روزه ماه مبارک رمضان را بگیرد یا نخورد، و در صورت خوردن در برگشت به شرط یافتن مهلت قضائی بجای بیاورد.

مسئله ۴۹۷: اگر مسافر بعد از مسافرت وقت قضاء آوردن را نیافت و فوت کرده روزه معاف است.

مسئله ۴۹۸: اگر در سفر به واسطه روزه گرفتن ضعف و مشقت پیش می آید خوردن روزه بهتر است، و اگر روزه گرفتن موجب مشقت و ناراحتی زیاد نبود گرفتنش بهتر است.

مسئله ۴۹۹: مسافر به چهار چیز مقیم می شود،

- ۱) نیت اقامت پانزده روز را در جائی که قابل اقامت باشد نمودن.
- ۲) نیت اقامت به طریق تابعیت یعنی اقامت شوهر یا آقا یا فرمانده لشکر که به واسطه نیت آنها زن، غلام، و سربازان مقیم می شوند اگر چه خود آنها نیت اقامت ننمایند.

۳) داخل شدن به وطن اصلی.

- ۴) اراده برگشتن از محلی که به مقدار سفر نرسیده است. مثلاً قصد محلی را داشت که از وطنش تا آنجا شانزده فرسخ است از هشت فرسنگی برگشت.

مسئله ۵۰۰: نیت اقامت از چهار جزء مرکب است.

- ۱) نیت اقامت، و بدون نیت هیچ مسافری مقیم نمی شود اگرچه تمام را در یکجا بماند، مثلاً اگر شخص وارد شهری شد و هر روز قصد بیرون رفتن از آن شهر را دارد ولی به واسطه پیشامدی نتوانست بیرون رود و بهمین حال چندین ماه یا سال در شهر باقی ماند مسافر است و مقیم نمی شود.

۲) مدت اقامت که مدت آن پانزده روز است، اگر از این کم‌تر باشد مقیم گفته نمی‌شود.

۳) در یک جا ماندن پانزده روز را اراده کند، اگر اراده توقف پانزده روز در دهات مختلف را داشت مقیم نمی‌شود ولی نواحی مختلف شهر در حکم واحد است، و به ماندن پانزده روز در نواحی مختلف یک شهر مقیم گفته می‌شود.

۴) نیت اقامت در جائی که قابل اقامت عادتاً و عرفاً باشد، لذا نیت اقامت در بیابان و جنگل و کشتی و طیاره جائز نیست و با این نیت مسافر مقیم نمی‌شود.

مسئله ۵۰۱: خانه بدوشان، خیمه‌ها و خانه‌های کرائی آن‌ها جای اقامت محسوب می‌شوند، و همیشه نماز را کامل بخوانند، چرا که به نیت مسافرت سفر نمی‌کند بلکه از یک چشمه آب به چشمه دیگر و از یک دره به دره دیگر و از یک ده به ده دیگر می‌روند، ولی اگر به نیت مسافرت عازم سفر شوند مسافر گفته می‌شوند و احکام سفر بر آن‌ها لازم می‌گردد.

مسئله ۵۰۲: اشخاصی که به تابعیت مقیم می‌شوند مثل سربازها و عیال وقتی مقیم می‌شوند که از نیت فرمانده و شوهر خود اطلاع حاصل کرده باشند، و پیش از آگاهی مسافرنند.

مسئله ۵۰۳: مسافر به مجردی که وارد وطن اصلی خود شد مقیم می‌شود اگرچه مدت اقامتش در آن شهر کم باشد.

بیان اقسام سه‌گانه وطن و احکام آن‌ها

مسئله ۵۰۴: وطن سه قسم است.

(۱) وطن اصلی.

(۲) وطن اقامت.

(۳) وطن سکنی.

وطن اصلی آن است که: انسان با اهل و عیال خود آنجا بوده و هست و در همانجا زندگی می‌کند.

مسئله ۵۰۵: وطن اصلی متعدد می‌شود، مثلاً یک نفر چند زن در شهرهای مختلف دارد و در همان شهرها زندگی می‌کنند و مقیم‌اند، و همه این شهرها برای شوهر وطن اصلی گفته می‌شود و به مجرد داخل شدن به یکی از آن‌ها مقیم گفته می‌شود.

مسئله ۵۰۶: اگر پدر و مادر و خویشاوندان شخص در شهری است و اهل و عیال آن در شهر دیگر وطن اصلی آن شهری است که عیال و بچه‌های آن در آنجا است.

مسئله ۵۰۷: وطن اقامت عبارت از: محلی است که مسافر نیت اقامت پانزده روز یا بیشتر را در آنجا بنماید به شرطی که آنجا عادتاً قابل اقامت باشد.

مسئله ۵۰۸: وطن سکنی عبارت از محلی است که مسافر اراده اقامت کم‌تر از پانزده روز را بنماید.

مسئله ۵۰۹: آن شهرهائی که ایستگاه قطار یا فرودگاه طیاره یا گاراژها در وسط شهر قرار گرفته‌اند اگر ساکنین این شهرها بخواهند از این جاها عبور نمایند به مجرد داخل شدن به این محل‌ها مقیم می‌شوند، و اگر از این جاها قصد طی کردن مسافت سفر را داشته باشند به مجرد بیرون شدن از این شهر مجدداً مسافر گفته می‌شوند.

مسئله ۵۱۰: اگر نماز قضا شده سفر را بعد از اقامت می‌خواهد قضا بیاورد دو رکعت بخواند، و اگر در سفر نماز قضائی خانه را می‌خواهد بخواند چهار رکعت بخواند.

مسئله ۵۱۱: وطن اصلی به واسطه سفر باطل نمی‌شود، مثلاً اگر تمام عمر در مسافرت باشد و برای مدت کوتاهی داخل وطن سابق اصلی شود باید نماز را کامل اداء نماید.

مسئله ۵۱۲: صورت تبدیل شدن وطن اصلی این است که: شخص با اهل و عیال ترک آنجا نموده و بجای دیگر رفته و بقیه عمر را می‌خواهد آنجا بگذراند، لذا این محل وطن اصلی اوست.

مسئله ۵۱۳: حکم وطن اقامت این است که: مادامی که آنجا مقیم است نماز را کامل بخواند و همینکه برای طی کردن مسافت سفر از آن جا بیرون شد مسافر گفته می‌شود و نماز را مسافرانه بخواند، و اگر مجدداً داخل وطن اقامت شد تا موقعی که نیت اقامت نکند مقیم نمی‌شود، و خلاصه کلام اینکه وطن اقامت هر چند طولانی باشد وقتی نیت سفر کرد و از آن بیرون شد وطن اقامت باطل و باید نماز را کامل بخواند.

مسئله ۵۱۴: حکم وطن سکنی این است که: با وجود قیام در آن مسافر است و نماز را مسافرانه بخواند مگر وقتی که اراده توقف حداقل پانزده روز را بنماید.

مسئله ۵۱۵: اگر شخص اراده توقف ده روز را در یک شهر نمود و بعد از گذشتن شش روز مجدداً اراده توقف ده روز دیگر را نمود این شخص مسافر است.

بیان احکام و مسائل تیمم مسافر

مسئله ۵۱۶: اگر کسی به واسطه نبودن آب طبق دستور تیمم گرفت و سوار ماشین یا قطار شد و در طول راه بارها چشمش بجوی آب افتاد تیمم آن نمی‌شکند چون قادر بر استعمال آب نیست.

مسئله ۵۱۷: اگر در ایستگاه قطار توقف نمود و آب موجود بود تیمم می‌شکند، و اگر وضوء نگرفت و سوار قطار شد و در قطار آب نبود باید مجدداً تیمم گیرد.

مسئله ۵۱۸: اگر ظرفی آب برای وضوء تهیه نمود و زیر صندلی گذاشت و فراموش نمود تیمم گرفت و نماز خواند بعد یادش آمد اعاده نماز واجب نیست اگرچه وقت باقی باشد، اگر ظرف آب بالای صندلی مقابلش گذاشته بود و فراموش کرد و با تیمم نماز خواند باید نماز را اعاده نماید.

مسئله ۵۱۹: اگر در ظرفی به اندازه وضوء آب موجود بود ولی به گمان اینکه آب در ظرف نیست تیمم گرفت و نماز خواند بعد معلوم شد که آب در ظرف موجود است واجب است نماز را دوباره بخواند خواه وقت باقی باشد یا نباشد.

مسئله ۵۲۰: اگر آب تقسیم کننده قطار یا ماشین غیر مسلم باشد و طبعاً شخص مسلمان از آن کراهیت دارد تیمم جائز نیست بلکه آب از آن گرفته وضوء بگیرد.

مسئله ۵۲۱: اگر در قطار گمان غالب این است که در ایستگاه آب بدست می‌آید و وقت هم گنجایش دارد با وجود این تیمم گرفت و نماز خواند جائز است، ولی بهتر اینست که به آب برسد.

مسئله ۵۲۲: اگر در قطار تیمم گرفت و شروع به نماز کرد و پیش از اتمام نماز قطار به ایستگاه رسید اگر آنجا توقف نکرد یا توقف کرد و آب نیافت نمازش جائز، و اگر آب بود و قدرت بر استعمال آن را داشت نماز جائز نیست وضوء گرفته دوباره نماز بخواند.

مسئله ۵۲۳: اگر در مسافرت آب مجانی نبود بلکه به قیمت میسر بود، در صورتی که از قیمت متعارفه گران تر فروش نمی‌کرد آب را خریده وضوء بگیرد، بشرط داشتن قیمت و در غیر اینصورت تیمم جائز است.

مسئله ۵۲۴: آبی که در توالت‌های قطار و غسلخانه آن موجود است پاک می‌باشد وضوء و غسل با آن‌ها جائز است.

مسئله ۵۲۵: در مسافرت اگر شخص ترس این را داشت که اگر به عقب تهیه آب وضوء برود ممکن است اثاثیه‌اش از بین برود و کسی هم نیست که به مزد آب بیاورد تیمم جائز است.

مسئله ۵۲۶: بر گرد و غباری که بر صندلی‌های قطار نشسته است تیمم جائز است.

مسئله ۵۲۷: قطار وقتی که در حرکت است نماز جائز است حتی الوسع، بهتر این است کوشش شود همینکه قطار در ایستگاه بایستد پیاده شود و نماز را با اطمینان بخواند.

مسئله ۵۲۸: در حال حرکت قطار بدون عذر نشسته نماز را خواندن جائز نیست.

مسئله ۵۲۹: روی آوردن به قبله در میان قطار چه قطار در حالت حرکت باشد و چه ایستاده لازم است.

بیان احکام درآمد و بلیط ماشین و قطار و غیره

مسئله ۵۳۰: هر اندازه اثاثیه بدون کرایه از طرف شرکت تعیین شده از آن زیادتر بدون کرایه حمل کردن حرام است.

مسئله ۵۳۱: رشوت دادن برای کم نوشتن وزن بار حرام است.

مسئله ۵۳۲: اگر ظلما از شما کرایه بیشتر گرفته شد شرعا اجازه دارید که به اندازه اجحاف در حق شما اسباب و بار بدون کرایه حمل کنید تا حق خود را بگیرید، به شرطی که با آن شرکت این معامله را نمائید که این ظلم را نموده است.

مسئله ۵۳۳: اگر اتفاقا بدون بلیط سوار ماشین یا قطار شدید یا از حد معین بیشتر بار وزن کرایه حمل کردید و حالیه می‌خواهید جبران کنید، صورت آن این است که: از آن شرکت بلیط به مقصد جای اولی گرفته و سپس از آن استفاده ننمائید.

مسئله ۵۳۴: اگر با کارمندان قطار یا شرکت بستگی دارید و آن‌ها شما را بدون کرایه سوار کردند در صورتی که به آن‌ها از طرف موسسه این اختیار داده نشده جائز نیست.

مسئله ۵۳۵: در صورت مسافرت با قطار در همان درجه که بلیط آن را گرفته‌اید می‌توانید مسافرت کنید و از آن بالاتر جائز نیست.

مسئله ۵۳۶: از ایستگاه قطار یا فرودگاه طیاره یا دیگر کارخانجات تحت قوانین که برای بازدید آن‌ها مقرر شده است می‌توانید دیدن کنید و تخلف از قوانین مقرره جائز نیست.

مسئله ۵۳۷: وقتی مسافری به واسطه ضرورتی از صندلی خود بلند شده است تصرف کردن صندلی آن بدون اجازه آن جائز نیست.

مسئله ۵۳۸: اسباب و اثاثیه‌ای که در میان ماشین یا قطار از کسی بجا مانده به این اراده آن را برداشته که به مصرف خود درآورد جائز نیست، بلکه باید حتی امکان به صاحب آن داده شود، و اگر از صاحب آن مایوس شد خیرات نماید، و اگر خود آن فقیر باشد بعد از مایوسی از پیدا شدن صاحبش می‌تواند مصرف نماید.

مسئله ۵۳۹: اگر قرآن یا کتابی در قطار و ماشین جا مانده و این اندیشه است که اگر شما برندارید دیگران به آن بی حرمتی می کنند در اینصورت آن را برداشته و در محل عموم برای استفاده عموم بگذارید.

مسئله ۵۴۰: اگر در ایستگاه قطار یا گاراژ در حالی که سوار ماشین یا قطار هستید چیزی را خریدید و پیش از اینکه قیمت آن را بدهد ماشین یا قطار حرکت کرد استعمال آن جائز است، و حتی الوسع قیمت آن را به صاحبش در سفرهای بعدی بپردازید، و اگر با وجود کوشش صاحب آن را نیافتید خیرات نمائید، و اگر بعد از خیرات دادن صاحب آن پیدا شد و مطالبه پول خود را نمود باید بپردازید.

مسئله ۵۴۱: اگر فروشنده سیب یا پرتغال و غیره را عددا دانه یک ریال یا بیشتر می فروخت و شما قیمت آن را گذاشته چند دانه برداشتید و چیزی به زبان نگفتید استعمال آن جائز است.

مسئله ۵۴۲: اگر قیمت جنس را پیش از گفتن جنس دادید و هنوز آن را نگرفتید که وسیله حرکت کرد و فروشنده آن را بطرف شما انداخت اگر داخل ماشین و غیره افتاد که مقصد حاصل و إلا پول شما بر ذمه آن باقی است، و می توانید وصول نمائید، و اگر گذشت نمائید بهتر است.

مسئله ۵۴۳: در ایستگاه یا گاراژ چیزی خوردنی خریداری نمودید یا در ساک خود داشتید در حضور اشخاص محتاج و فقیر آن را مصرف نکنید مگر مقداری به آنها هم بدهید.

مسئله ۵۴۴: اگر به حمال باری را دادید و مزد حمل طی نشد وقتی که به محل مقرر رسید باید مزد معروف که در بین مردم عرف است بپردازید.

احکام سفر دریائی

مسئله ۵۴۵: مسافرت دریائی که به وسیله کشتی انجام می گیرد احکام آن همان احکام سفر خشکی است مگر در چند مورد که بیان می شود.

مسئله ۵۴۶: در مسافرت زمینی سه روز مسافرت به شانزده فرسنگ (۹۶ کیلومتر) تعیین و اندازه گیری شده است^(۱). ولی در سفر دریا و کوه این مسافت اعتبار ندارد بلکه بلیط دیده شود که کشتی متوسط ظرف سه شبانه روز چه اندازه مسافت را طی می کند همان مسافت قصر است، و همچنین در مسافرت کوه آدم متوسط القوه ظرف سه شبانه روز چه اندازه مسافت را طی می کند در اینجا نیز همین مسافت حکم قصر به آن داده می شود.

مسئله ۵۴۷: در کشتی بدون عذر نماز را نشسته اداء نمودن جائز نیست، و در صورت عذر می تواند نشسته نماز را اداء نماید، و در هر حال رو به طرف قبله آوردن لازم است.
مسئله ۵۴۸: اگر به واسطه عذر نمی تواند نشسته نماز را بخواند دراز کشیده با اشاره سر نماز را اداء نماید.

بیان احکام سفر هوایی

مسئله ۵۴۹: احکام سفر هوایی همان احکام سفر زمینی است البته تفصیل اداء نماز در طیاره این است که: تا موقعی طیاره در باند فرودگاه قرار دارد مانند قطار است و بالاتفاق نماز در آن جائز است، و وقتی که پرواز نمود بنا به قول اصح به واسطه عذر نیز نماز در آن جائز است.

مسئله ۵۵۰: اگر در طیاره ایستاده می تواند نماز بخواند بهتر است، و إلا نشسته نماز را اداء نماید.

مسئله ۵۵۱: اگر در طیاره آب موجود بود باید وضوء گرفته شود و اگر چنانچه آب نبود تیمم جائز است، به شرطی که خوف فوت شدن وقت نماز پیش از رسیدن به مقصد باشد.

۱- در برخی از کتاب های فقه حنفی که به فارسی هم چاپ شده است از جمله کتاب مالابد منه ص ۶۹ و کتاب تعلیم الاسلام فارسی ص ۱۸۵، در آنجا مقدار (۷۸ کیلومتر) تعیین شده است. (مصحح)

مسئله ۵۵۲: همانگونه که در قطار و کشتی استقبال قبله لازم بود در اینجا نیز لازم است، و اگر جهت قبله برای آن و دیگران معلوم نبود از فکر کار بگذرد.

نماز جمعه

بیان فضائل روز جمعه

مسئله ۵۵۳: پیغمبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: از همه روزها روز جمعه بهتر است. در همین روز يَوْمَ الْجُمُعَةِ پیدا گشت، و در همین روز داخل بهشت گردید، و در همین روز از بهشت بیرون آورده شده، و وقوع قیامت در همین روز خواهد بود.

مسئله ۵۵۴: امام احمد بن حنبل: می‌فرماید: از بعضی وجوه مرتبه و درجه شب جمعه از لیلۃ القدر بیشتر است، چرا که در همین شب سرور دو عالم نبی اکرم ﷺ در رحم مادر جلوه افروز شدند، و این کرامت باعث اینقدر خیر و برکت است که آن‌ها را حسابی نیست.

مسئله ۵۵۵: پیغمبر اکرم ﷺ فرموده‌اند که: در روز جمعه ساعتی است که هر دعائی در آن اجابت می‌شود، ولی این ساعت تعیین نگردیده تا شخص مسلمان تمام ساعات این روز را متوجه بخدا باشد. فضائل روز جمعه در کتب احادیث بسیار است.

بیان آداب جمعه

مسئله ۵۵۶:

- (۱) از روز پنجشنبه فکر ادای نماز جمعه را داشتن.
- (۲) در روز جمعه غسل نموده موی سر و غیره تراشیدن.
- (۳) بعد از غسل بهترین لباس را که در اختیار دارد پوشیدن.
- (۴) عطر خوشبوئی استعمال کردن.
- (۵) ناخن گرفتن.

۶) اول وقت به مسجد جامع رفتن.

بیان فضائل نماز جمعه

مسئله ۵۵۷: نماز جمعه فرض عین است از قرآن مجید و احادیث متواتره و اجماع امت ثابت است و از اعظم شعائر اسلام است منکر آن کافر و بدون عذر تارک آن فاسق است.

قول تعالی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۹﴾ [الجمعة: ۹].

یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده اید وقتی که ندا در داده شد برای نماز در روز جمعه بشتابید به سوی ذکر خدا و معامله را ترک کنید این بهتر است برای شما اگر بدانید.»

پیغمبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: هر که روز جمعه غسل کند بعد خوشبوئی و عطر استعمال نماید و به سوی مسجد جامع برود و بعد از ورود بدون اینکه بر گردن مردم قدم بگذارد و هر اندازه نماز نفل بتواند بخواند، وقتی که امام برای خطبه خواندن بلند شد سکوت کند و خطبه را استماع نماید، از جمعه گذشته تا اکنون همه گناهان آن معاف می‌گردد.

نماز جمعه بر چه اشخاصی واجب است

- ۱) مقیم بودن. لذا بر مسافر جمعه فرض نیست.
- ۲) صحیح و سالم بودن، بر مریض جمعه واجب نیست، مقصود مرضی است که مانع باشد از پیاده رفتن مریض تا مسجد جامع هر چه باشد، لذا بر شخص پیر منحنی، و کور، و شل جمعه واجب نیست.
- ۳) مرد بودن، بر زن جمعه فرض نیست.
- ۴) آزاد بودن، بر غلام نماز جمعه واجب نیست.

۵) نبودن عذرهایی که به واسطه آنها ترک جماعت جائز است، مثلاً باران بشدت بیارد و یا از مریض پرستاری کردن، ترس از دشمن در رفتن به سوی مسجد جامع و غیره.

۶) بالغ بودن.

۷) عاقل بودن.

۸) مسلمان بودن.

مسئله ۵۵۸: اگر کسی با وجود نبودن این شرایط نماز جمعه را خواند نمازش جائز و فرض ظهر از ذمه اش ساقط می شود.

بیان شرطهای صحت جمعه

- ۱) در شهر و قصبه و دهات بزرگ نماز جمعه جائز است.
- ۲) در وقت نماز ظهر پیش از وقت ظهر یا بعد از آن نماز جمعه جائز نیست.
- ۳) خواندن خطبه پیش از نماز در جلوی مردم اگرچه به گفتن «سُبْحَانَ اللَّهِ» و «الْحَمْدُ لِلَّهِ» اکتفاء شود، و اگر خطبه بعد از نماز خوانده شود نماز جائز نیست.
- ۴) در وقت ظهر خواندن، اگر پیش از وقت ظهر یا بعد از آن خوانده شود جائز نیست.
- ۵) جماعت یعنی سه نفر غیر از امام از شروع خطبه تا سجده رکعت اول حاضر باشند، به شرطی که این سه نفر امامت باشند، یعنی امامت آنها شرعاً جائز باشد.
- ۶) با اجازه امام علی الاشتهار نماز جمعه را خواندن، لذا در یک جای خاص پنهان شده نماز را خواندن جائز نیست و همچنین در جائی که به عموم اجازه ورود داده نشود.

بیان مسائل خطبه

- مسئله ۵۵۹: وقتی مردم جمع شدند امام بر منبر بنشیند و مؤذن روبروی امام ایستاده اذان دهد بعد از اذان فوراً امام ایستاده شود و خطبه شروع نماید.
- مسئله ۵۶۰: در خطبه دوازده چیز سنت است.
- (۱) ایستاده خطبه را خواندن.
 - (۲) دو خطبه خواندن.
 - (۳) در میان دو خطبه به اندازه‌ای که سه مرتبه «سبحان الله» گفته شود نشستن.
 - (۴) پاک بودن خطیب یعنی وضوء کامل داشتن.
 - (۵) در وقت خواندن خطبه به طرف مردم رو آوردن.
 - (۶) پیش از شروع خطبه آهسته «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» گفتن.
 - (۷) خطبه را طوری خواند که مردم بشنوند.
 - (۸) در خطبه تقریباً هشت مضمون بیان کردن.
- ۱- شکر خدا. ۲- تعریف ذات پروردگاری. ۳- بیان چگونگی و یکتائی خدا. ۴- بیان رسالت محمد الرسول الله. ۵- درود فرستادن بر پیغمبر. ۶- پند و اندرزهای لازم. ۷- نصیحت. ۸- خواندن مقداری از قرآن عظیم الشان. در خطبه دومی بجای وعظ برای مسلمانان دعا کردن.
 - (۹) دراز نکردن خطبه.
 - (۱۰) بر منبر خواندن خطبه و اگر منبر نباشد به چیزی دیگر تکیه کردن خطبه را خواندن.
 - (۱۱) هر دو خطبه را به زبان عربی خواندن و در موارد لزوم به زبانی دیگر تفسیر کردن اشکالی ندارد.
 - (۱۲) سامعین خطبه رو به طرف قبله نشستن.

مسئله ۵۶۱: در خطبه دومی برای آل و اصحاب و ازواج مطهرات خصوصا خلفاء راشدین رضوان الله عليهم اجمعین دعا کردن مستحب است، و همچنین دعا کردن برای پیشوا و رهبر کشور اسلامی جائز است.

مسئله ۵۶۲: وقتی امام برای خطبه ایستاده شد نماز خواندن، با همدیگر صحبت کردن مکروه است.

مسئله ۵۶۳: وقتی خطبه شروع شود بر تمام حاضرین استماع واجب است، خواه با امام نزدیک باشد یا دور و دیگر کارها ناجائز است.

مسئله ۵۶۴: اگر کسی سنت می خواند خطبه شروع شد اگر مؤکده است تمام کند، و اگر مؤکده نیست دو رکعت خوانده سلام دهد.

مسئله ۵۶۵: در میان دو خطبه وقتی امام می نشیند، دست بلند کردن برای دعا مکروه است، البته به قلب دعا کردن بدون اینکه دست بلند شود یا به زبان چیزی گفته شود جائز است.

مسئله ۵۶۶: خطبه را از روی نوشته خواندن جائز است.

مسئله ۵۶۷: در وقت ذکر نام پیغمبر ﷺ اگر مقتدیین به قلب خود درود بفرستند جائز است.

بیان مسائل نماز جمعه

مسئله ۵۶۸: بهتر این است که هر که خطبه را می خواند نماز را همان بخواند و اگر کسی دیگر بخواند جائز است.

مسئله ۵۶۹: بعد از تمام شدن خطبه فوراً نماز شروع شود و در میان نماز و خطبه انجام دادن کار دنیائی مکروه است، البته اگر امر دینی باشد اشکالی ندارد.

مسئله ۵۷۰: نماز جمعه را اینطور نیت کند: «نَوَيْتُ أَنْ أَصَلِّيَ رَكَعَتَيِ الْفَرَضِ صَلَاةَ الْجُمُعَةِ» یعنی اراده کردم که دو رکعت فرض جمعه را بخوانم.

مسئله ۵۷۱: بهتر است که نماز جمعه در یک شهر یکجا خوانده شود.

مسئله ۵۷۲: اگر کسی در قعه آخر یا بعد از سجده سهو داخل جماعت جمعه شد

شرکت آن جائز است و نماز جمعه را بخواند نه ظهر را.

مسئله ۵۷۳: بعد از نماز جمعه بعضی اشخاصی ظهر احتیاطی می خوانند این کار مطلقاً

جائز نیست.

بیان نماز عیدین

مسئله ۵۷۴: تاریخ اول ماه شوال را عید فطر می گویند، و تاریخ دهم ذی الحجة را عید

اضحی می نامند، این دو روز در اسلام روز عید و خوشی است، و بعنوان شکرانه دو

رکعت نماز در این دو روز واجب است، همه آن شرایط که برای صحت و وجوب نماز

جمعه ذکر شد برای صحت و وجوب عیدین شرط است، غیر از خطبه که در جمعه

خطبه فرض و شرط است و پیش از نماز خوانده می شود و در عیدین خطبه شرط نیست

بلکه سنت است و بعد از نماز خوانده می شود، البته شنیدن این خطبه مثل خطبه جمعه

واجب است و در وقت خواندن غیر از استماع هیچ کاری دیگر جائز نیست.

سنت های روز عید فطر

مسئله ۵۷۵: در روز عید فطر سیزده چیز سنت است.

(۱) مطابق شریعت اصلاح کردن.

(۲) غسل نمودن.

(۳) مسواک زدن.

(۴) بهترین لباسی را که در اختیار دارد پوشیدن.

(۵) عطر استعمال کردن.

(۶) صبح زود بلند شدن.

(۷) به عیدگاه زود رفتن.

۸) پیش از رفتن به عیدگاه صدقه فطر را اداء کردن.

۹) پیش از رفتن به عیدگاه خوردن شیرینی یا هر چیزی که باشد.

۱۰) نماز عید را در عیدگاه خواندن.

۱۱) از راهی که به عیدگاه رفته از غیر آن برگشتن.

۱۲) پیاده به عیدگاه رفتن.

۱۳) در راه آهسته تکبیر را گفتن.

مسئله ۵۷۶: طریقه ادای نماز عید فطر این است که این چنین نیت کند: «نیت کردم بخوانم دو رکعت نماز عید فطر که واجب این وقت است با تکبیراتش اقتدا کردم به امام حاضر». بعد از نیت الله اکبر گفته دست‌ها را بلند کرده به نرمة دو گوش برساند، و بعد دست‌ها را ببندد و «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ» را بخواند، بعد سه مرتبه تکبیر گفته دست‌ها را بلند کند و بعد از گفتن سه تکبیر دست را ببندد و سوره مبارکه فاتحه و مقداری از قرآن مجید را خوانده رکوع و سجده را انجام دهد، و در رکعت دوم بعد از خواندن الحمد و سوره پیش از رکوع سه مرتبه تکبیر بگوید، و دست‌ها را بلند نماید و بعد از تکبیر سوم دست‌ها را نبندد بلکه به پهلو اندازد و تکبیر چهارم را گفته به رکوع برود.

مسئله ۵۷۷: در رکعت اول هر نماز پیش از خواندن الحمد گفتن «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» و «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و در رکعت‌های دیگر پیش از خواندن الحمد الله «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» سنت است.

مسئله ۵۷۸: بعد از اداء نماز عید امام بر منبر ایستاده دو خطبه بخواند و در میان دو خطبه مثل خطبه نماز جمعه به اندازه سه تسبیح بنشیند.

مسئله ۵۷۹: بعد از نماز عید اگر چه از پیغمبر اکرم ﷺ و صحابه و تابعین دعا روایت نشده ولی چونکه عموماً بعد از هر نماز دعا کردن سنت است، لذا بعد از نماز عید دعا کردن مسنون خواهد بود.

مسئله ۵۸۰: طریق خواندن نماز عید اضحی (قربانی) مثل عید فطر است با این فرق که در عید فطر قبل از رفتن به عیدگاه خوردن شیرینی سنت است، و در عید اضحی نخوردن، و در راه عید فطر تکبیر آهسته بگویند، و در راه عیدگاه در روز عید قربان تکبیر بلند گفته شود.

مسئله ۵۸۱: در عیدگاه غیر از نماز عید نماز دیگری قبل از اداء نماز عید و بعد از ادای نماز عید مکروه است.

مسئله ۵۸۲: بر کسانی که نماز عید واجب نیست برای آنها هم خواندن نماز نفل پیش از اداء نماز مکروه است.

مسئله ۵۸۳: در خطبه عید فطر احکام صدقه فطر را و در خطبه عید اضحی احکام قربانی را به مردم تعلیم دهد.

مسئله ۵۸۴: بعد از اداء نماز فرض صبح روز بعد تا اداء عصر روز سیزدهم گفتن تکبیر تشریح بر هر نمازگزار واجب است، زن باشد یا مرد، به جماعت نماز بخواند یا تنها، البته زن‌ها تکبیر را آهسته بگویند و بعد از نماز فرض فوراً گفته شود.

مسئله ۵۸۵: اگر امام تکبیر گفتن را فراموش کرد مقتدیین به آواز بلندی تکبیر را بگویند.

مسئله ۵۸۶: بعد از نماز عید نیز گفتن تکبیر واجب است.

مسئله ۵۸۷: نماز عید در مساجد متعدد بالاتفاق جائز است.

مسئله ۵۸۸: اگر کسی به جماعت نرسید نمی‌تواند تنها نماز عید را بخواند و همچنین اگر کسی شریک جماعت بود و نمازش فاسد گردید نمی‌تواند قضا بجا آورد و قضا هم واجب نمی‌شود، البته اگر چند نفر دیگر پیدا شدند می‌تواند با آنها نماز را بخواند.

مسئله ۵۸۹: اگر به واسطه عذری در روز اول نماز خوانده نشد در تاریخ یازدهم و اگر در یازدهم نیز خوانده نشد در تاریخ دوازدهم نماز عید قربان را بخواند.

مسئله ۵۹۰: بدون عذر تاخیر نماز عید قربان تا روز دوازدهم ذی الحجة جائز است، ولی کراهیت دارد و بدون عذر تاخیر نماز عید فطر جائز نیست، صورت‌های عذر متعدد است، منجمله: باریدن باران به شدت، عدم تحقق ماه و غیره.

مسئله ۵۹۱: اگر کسی بعد از فارغ شدن امام از تکبیرات داخل نماز شد، اگر در حالت قیام است بعد از نیت کردن فوراً تکبیرات را بگوید اگر چه امام قرائت می‌خواند و اگر در حالت رکوع امام را دریافت در صورتی که گمان غالب است که بعد از گفتن تکبیرات امام را در رکوع در می‌یابد و در رکوع بجای تسبیحات رکوع تکبیرات را بگوید، و اگر پیش از تمام شدن تکبیرات امام از رکوع بلند شد همراه امام بلند شود و بقیه تکبیرات از آن معاف است.

مسئله ۵۹۲: اگر کسی بعد از خواندن یک رکعت داخل جماعت شد در وقت خواندن این رکعت اول قرائت بخواند و بعد تکبیرات را بگوید.

مسئله ۵۹۳: اگر امام گفتن تکبیرات را فراموش کرد و به رکوع رفت در حالت رکوع تکبیرات را بگوید و به قیام برنگردد، و اگر برگشت و تکبیرات را گفت نماز جائز است، و در هر صورت به واسطه ازدحام سجده سهو واجب نمی‌شود.

احکام اذان و اقامه

مسئله ۵۹۴: اذان و اقامت سنت مؤکده می‌باشد، فقط برای نمازهای فرض، اگر چه تنهاگزار باشد، و یا نماز وقتی یا قضائی را بخواند، و یا مسافر و یا مقیم باشد.

مسئله ۵۹۵: اذان و اقامت برای مردان سنت است و برای زنان مکروه است.

مسئله ۵۹۶: اذان پانزده جمله می‌باشد: «اللَّهُ أَكْبَرُ» چهار مرتبه، یعنی خدای تعالی بزرگ‌تر از آن است که او را وصف کند، «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» دو مرتبه یعنی شهادت می‌دهم اینکه هیچ معبودی سزاوار پرستش نیست غیر از خدای یگانه و یکتا، «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» دو مرتبه یعنی شهادت می‌دهم اینکه محمد ﷺ فرستاده شده خداست،

«حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ» دو مرتبه یعنی بشتاب برای نماز، «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» دو مرتبه یعنی بشتاب برای رستگاری، «اللَّهُ أَكْبَرُ» دو مرتبه یعنی خداوند بزرگوارتر است از آنچه که او را وصف نمایند، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» یک مرتبه یعنی خدائی سزاوار پرستش نیست مگر خدائی یکتا و بی همتا است.

مسئله ۵۹۷: در اذان صبح بعد از «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» دو مرتبه «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» گفته شود، یعنی نماز بهتر است از خواب، و در اقامت بعد از «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» دو مرتبه «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» گفته شود یعنی به تحقیق که نماز اقامه شد.

مسئله ۵۹۸: در اذان بعد از گفتن هر کلمه به اندازه‌ای که شنونده او را اجابت نماید درنگ کند و در گفتن اقامت تعجیل نماید.

مسئله ۵۹۹: اذان به فارسی جائز نیست، اگرچه دانسته شود که این اذان است.

مسئله ۶۰۰: پنج چیز برای مؤذن مستحب است.

(۱) اینکه اذان دهنده شخص پرهیزگار باشد.

(۲) دانا به دستورات شریعت باشد و اوقات نماز را خوب بشناسد.

(۳) با وضوء متوجه به طرف قبه اذان دهد.

(۴) در موقع اذان دست‌ها را در گوش‌های خود بنماید.

(۵) در موقع گفتن «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ» روی خود را بطرف راست و در موقع «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» بطرف چپ بگرداند.

مسئله ۶۰۱: باید آنقدر فاصله بین اذان و اقامه باشد که مقتدیین حاضر گردند ولی با مراعات کردن وقت مستحب نماز.

مسئله ۶۰۲: در اذان مغرب فاصله بین اذان و اقامه به اندازه قرائت سه آیه مستحب است.

مسئله ۶۰۳: خوش آوازی که منجر به تغییر کلمات گردد در اذان مکروه است.

مسئله ۶۰۴: اذان دادن و اقامه گفتن بی وضوء، و جنب، و کودک هنوز عقل ندارد، و دیوانه و مست، و زن، و فاسق، و نشستن مکروه است.

مسئله ۶۰۵: صحبت کردن در بین اذان و اقامه مکروه است، اگر مؤذن در بین اذان صحبت کرد مستحب است که اذان اعاده شود.

مسئله ۶۰۶: در روز جمعه اگر در مسجدی غیر از مسجد جامع برای ادای نماز ظهر اذان داده شود مکروه است.

مسئله ۶۰۷: برای نمازهای قضائی اذان و اقامه سنت است و اگر چه نماز فوتی را می‌خواست قضائی بجا آورد برای اولین وقت قضائی اذان و اقامه سنت است، و برای باقی مخیر است می‌خواهد اذان و اقامه بگوید، و می‌خواهد تنها اقامه بگوید.

مسئله ۶۰۸: کسانی که اذان را می‌شنوند باید سکوت نمایند و مؤذن را اجابت نمایند مثل مؤذن آن‌ها هم آهسته کلمات را بگویند، و موقعی که مؤذن «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ» و «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» می‌گویند، شنوندگان «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» بگویند، یعنی نیست گردیدن از معصیت و نیست قدرت بر طاعت مگر به کمک خدای بلند و بزرگ. و در اذان صبح بعد از گفتن مؤذن «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» کلمه «صَدَقْتَ وَبَرَرْتَ» را بگویند، یعنی راست گفتی و نیک نمودی.

مسئله ۶۰۹: بعد از اذان سنت است که خود اذان دهنده و شنوندگان این دعا را بخوانند:

«اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ، وَالصَّلَاةِ الْقَائِمَةِ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ، إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ!».

۱- ترجمه: بار الها! ای پروردگار این ندای کامل و نماز بر پا شونده، به محمد ﷺ وسیله «مقامی والا در بهشت» و فضیلت عنایت بفرما، و او را به «مقام شایسته‌ای» که وعده فرموده‌ای نایل بگردان، همانا تو خُلف وعده نمی‌کنی.

احکام امامت

مسئله ۶۱۰: امامت به معنی پیشوا بودن، و در عرف امامت اطلاق بر پیشنمازی می‌شود، شغل پیشنمازی از اذان مهمتر است چون در حیات رسول اکرم ﷺ و خلفاء راشدین این شغل مختص به خود آنان بود، پیغمبر اکرم ﷺ به این مضمون دعا فرمودند: «اللَّهُمَّ ارْشِدِ الْأُمَّةَ، وَاعْفِرْ لِلْمُؤَدِّينَ». یعنی: ای خدایا هدایت فرما پیشنمازان را و مغفرت فرما مؤذنین را.

مسئله ۶۱۱: نماز خواندن با جماعت سنت مؤکده است برای مردان آزاد که عذر نداشته باشند. در آینده إن شاء الله عذرها بیان می‌شود.

شرایط صحت پیشنمازی

مسئله ۶۱۲: شرایط صحیح بودن پیشنمازی شش چیز است.

- (۱) اسلام.
- (۲) بلوغ.
- (۳) عقل.
- (۴) مذکر بودن پیشنمازی زن جائز نیست.
- (۵) قدرت بر خواندن قرآن.
- (۶) سالم بودن پیشنماز از عذرها، مثل اینکه پیشنماز نباید خون بینی همیشگی داشته باشد یا سلس البول باشد یا نیمه گنگ باشد.

شرطهای صحت اقتداء

- مسئله ۶۱۳: شرطهای صحیح بودن اقتداء کنندگان به پیشنماز چهارده چیز است.
- (۱) نیت اقتدا کننده پیروی امام را و این نیت باید پیوست با تکبیر تحریمه باشد.
 - (۲) نیت مرد پیشنمازی را برای زنهایی که به آن اقتداء می‌نمایند، اگر پیشنماز نیت امامت را برای زن‌ها نداشت نماز زن‌ها جائز نیست.

- ۳) مقدم بودن پیشنهاد بر مقتدیین.
- ۴) اینکه حال امام دون حال مقتدی نباشد، مثل اینکه امام نماز نفل بخواند و مقتدی فرض دیگری را این اقتداء صحیح نیست.
- ۵) اینکه امام مقیم نباشد و مقتدی مسافر بعد از وقت در نمازهای چهار رکعتی و نیز پیشنهاد برای مقتدی مسافر شخص نباشد که در اول نماز نبوده.
- ۶) اینکه بین امام و مقتدیین صفی زنها نباشد.
- ۷) اینکه فاصله بین امام و مقتدیین نهی آب که زورق در حرکت باشد وجود نداشته باشد.
- ۸) باید بین امام و مقتدیین جاده فاصله نباشد.
- ۹) فاصله بین امام و مقتدیین دیواری که حالت امام را بر مقتدیین بیوشاند نباشد.
- ۱۰) اینکه باید امام سواره نباشد و مقتدی پیاده یا برعکس.
- ۱۱) اینکه مقتدی نباید سواره مرکب غیر مرکب امام خود باشد.
- ۱۲) نباید امام در کشتی باشد و مقتدیین در کشتی دیگر که دو کشتی با هم پیوست نباشند.
- ۱۳) اینکه مقتدی نداند از امام خود آنچه مفسد نماز است اگر فهمید که امامش کاری انجام داده در وضوء یا در نماز که مطابق مذهبش مفسد نماز است در این صورت اقتداء صحیح نیست.
- مسئله ۶۱۴: اقتداء وضو دارنده به تیمم گیرنده و اقتداء کسی که اعضاء خود را شسته به پیشنهادی که مسح کشیده بر شکسته بندی عضو خود و همچنین مقتدی که قیام را می تواند اداء نماید با امامی که نشست نماز می خواند جائز است.
- مسئله ۶۱۵: امامت شخص که کوزه پشت است جائز است.
- مسئله ۶۱۶: اقتداء کسی که به اشاره نماز می خواند به پیشنهادی که آن نیز با اشاره نماز می خواند جائز است.

مسئله ۶۱۷: اقتداء کسی که نماز نفل می خواند به پیشنهادی که فرض می خواند جائز است.

مسئله ۶۱۸: اگر پیشنهاد بعد از پیشنهادی متوجه شد که نمازش به واسطه اینکه وضوء نداشته یا لباسش کثیف بوده جائز نبوده لازم است تا حد مقرر مقتدیین را آگاه سازد که نمازهای خود را اعاده نمایند و خودش نیز نماز خود را اعاده نماید.

احکام اسقاط حضور جماعت

مسئله ۶۱۹: حاضر شدن جماعت به یکی از هیجده چیز آینده ساقط می شود.

(۱) باران شدید که راه مسجد را صعب العبور نموده.

(۲) سردی شدید.

(۳) ترس بر جان خود یا عیال و اولاد و مال اگر به جماعت حاضر شود.

(۴) تاریکی شدید.

(۵) زندان بودن.

(۶) کوری.

(۷) فلج.

(۸) قطع بودن دست و پا.

(۹) مریض.

(۱۰) خانه نشین شده بر اثر مرضی که به عضوی از اعضایش سرایت نموده.

(۱۱) لجن بودن کوچه ها.

(۱۲) جا مانده.

(۱۳) پیرمردی.

(۱۴) تکرار کردن مسائل فقهی.

(۱۵) حاضر شدن طعام در موقع گرسنگی زیاد.

(۱۶) اراده سفر و آمادگی برای آن.

(۱۷) پرستاری از مریض.

(۱۸) باد و طوفان شدید در شب.

بیان اشخاصی که برای پیشنمازی مقدمند

مسئله ۶۲۰: در بین یک عده از مسلمین سزاوارتر به امامت شخص اعلم بهتر می‌تواند با تجوید بخواند امامت دهد، و اگر در قرائت مساوی بودند باید مسن‌تر یعنی شخصی که مسن‌تر است امامت دهد می‌باشد امامت دهد. و اگر در ورع مساوی بودند باید از همه پرهیزگارتر امامت دهد، و اگر در سن مساوی بودند هر یک از جهت اخلاق نیک‌ترند پیشنمازی دهد، و بعدا اشخاصی که قیافه و شکلشان بهتر است مقدم می‌باشند، و بعد کسانی که از لحاظ اصل و نسب با شرافت می‌باشند مقدم خواهند بود، و بعد کسانی که آواز خوب و بهتری دارند مقدم می‌باشند، و سپس کسانی که از لحاظ وضع لباس پاکیزه پوش و مقیدتر در این مورد هستند مقدم می‌باشند، و اگر در همه این اخلاق مساوی بودند اختیار برای مقتدیین می‌باشد هرکس را که اکثریت تعیین نماید آن مقدم خواهد بود.

مسئله ۶۲۱: اگر مردم روی اغراض شخصی غیر آن اشخاصی که شریعت بیان فرموده است پیشنماز نمودند همه گنہکار می‌باشند.

مسئله ۶۲۲: امامت، (۱) غلام، (۲) کور، (۳) بادیه نشین، (۴) ولد الزناء جاهل، (۵) فاسق، یعنی کسی که کارهای خلاف شریعت را علانیه انجام می‌دهد، (۶) متبذع یعنی کسی که کارهای خلاف در مذهب رواج می‌دهد، (۷) کسی که نماز را بسیار طویل می‌خواند مکروه است.

مسئله ۶۲۳: اگر دو نفر می‌خواستند جماعت تشکیل بدهند باید یک نفر مقتدی بطرف راست امام ایستاده شود، و اگر مقتدیین از یک نفر بیشتر بودند سپس پشت امام ایستاده شوند.

مسئله ۶۲۴: در ترتیب صفوف نماز اول باید مردان صف زنند، و بعدا کودکان، و سپس خنثی‌ها و در آخر زنان.

احکام آنچه مقتدی باید بعد از فراغت امام انجام دهد و انجام ندهد

مسئله ۶۲۵: اگر امام قبل از اینکه مقتدی التحیات را تمام نماید سلام داد مقتدی التحیات را تمام کند و سلام دهد چون تمام کردن التحیات از واجبات است.

مسئله ۶۲۶: اگر امام در رکوع و سجده قبل از اینکه مقتدی سه تسبیح را بگوید سر خود را برداشت لازم نیست مقتدی سه مرتبه را تکمیل نماید بلکه متابعت امام نموده سر خود را بردارد.

مسئله ۶۲۷: اگر امام یک سجده ای را در نماز زیاد نمود یا بعد از قعه آخر به فراموشی حرکت نمود نباید مقتدی متابعت امام را بنماید بلکه فتحه دهد تا امام متوجه شده برگردد، و اگر امام به قیام خود ادامه داد تا اینکه رکعت پنجم را مقید به سجده نمود مقتدی تنها سلام دهد.

مسئله ۶۲۸: اگر امام پیش از قعه آخر به فراموشی بطرف قیام حرکت کرد مقتدی حرکت ننماید و امام را فتحه دهد که برگردد، و اگر در این صورت پیش از اینکه امام رکعت پنجم را مقید به سجده نماید مقتدی سلام داد نمازش فاسد است.

مسئله ۶۲۹: اگر مقتدی بعد از اینکه امام التحیات را خواند پیش از سلام دادن امام سلام داد مکروه است.

بیان حالات بعد از نماز

مسئله ۶۳۰: حرکت نمودن برای ادای سنت بعد از ادای فرض و خواندن دعای مسنونه: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَإِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلَامُ»^۱. عادت بزرگان دین و مسلمین گذشته می باشد.

مسئله ۶۳۱: مستحب است اینکه امام بعد از سلام دادن بطرف چپ محراب برای خواندن نماز سنت که بعد از ادای فرض ظهر و شام و مغرب است مایل شود، و بعد از ادای سنت رو به طرف مردم نماید و کلمه استغفار را بگوید، و آیه الکرسی را بخواند، و هر یک از جمله های متبرکه «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» را سی و سه مرتبه امام و مقتدیین بگویند، و یک مرتبه جمله مبارکه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۲. را بگویند درحالی که دست ها را به درگاه کبریائی بلند نموده و برای خود و مسلمین دعا نمایند. چون از رسول اکرم ﷺ روایت است که: بعد از فرض موقع اجابت دعاها است.

احکام جنائز

احکام محتضر

مسئله ۶۳۲: مسلمانی را که محتضر است یعنی در حال جان دادن می باشد زن باشد یا مرد شخص مزبور را بر پشت دراز کرده و هر دو پایش را بطرف قبله کنند، و در زیر سرش بالش و غیره بنهند تا روی آن به سوی قبله شود و به اطرافش نشسته کلمه طیبه را

۱- ترجمه: الهی تو سلامی، و سلامتی از جانب تو است، و بسوی توست بازگشت سلام.

۲- ترجمه: معبودی «بحق» بجز الله، وجود ندارد. شریکی ندارد، پادشاهی از آن اوست، ستایش شایسته ی اوست، و او بر هر چیزی توانا است.

بلند بخوانند تا بشنود و بگوید، و به آن دستور گفتن داده نشود زیرا وقت بسیار نازکی است و معلوم نیست چه از دهانش بیرون آید.

مسئله ۶۳۳: هرگاه یک مرتبه کلمه جاری کرد خاموش شده دورش بنشینند و کوشش کنند که مرتبا کلمه بگوید، چون مقصود که در این لحظات کلمه بگوید حاصل شد، البته اگر بعد از کلمه جاری کردن سخن دنیوی زده مجددا بلند کلمه بگویند تا آن هم کلمه جاری کند.

مسئله ۶۳۴: وقتی نفس تند برود و پاها سست شود و بینی زرد و کج گردد، مرگ نزدیک رسیده و در این وقت مرتبا به آواز بلند کلمه طیبه را بخوانند.

مسئله ۶۳۵: از خواندن سوره مبارکه یاسین در شدائد مرگ تخفیف می شود، لذا بالای سر آن نشسته تلاوت گردد.

مسئله ۶۳۶: در این وقت صحبت دنیائی که دلش به سوی دنیا تمایل کند گفته نشود، زیرا که وقت جدائی از دنیا و رسیدن به پیشگاه پروردگار است لذا کلماتی گفته شود که رغبت به سوی خدا بیشتر و از دنیا متنفر و بیزار گردد.

مسئله ۶۳۷: در وقت مرگ اگر کلمات کفریه از دهانش بیرون آید به آن توجهی نباید کرد، زیرا به واسطه سختی مرگ عقل را از دست داده بدون قصد و اراده کلمات از زبانش بیرون می آید و در این حال هرچه بگوید معاف است.

مسئله ۶۳۸: بعد از بیرون شدن روح از بدن همه اعضایش درست کرده شود چشم هایش به مالیدن انگشت بسته و پارچه ای از زیر زنخدانش برده بر سرش گره زنند تا دهانش باز نماند و هر دو انگشت بزرگ پاها را بهم ببندند و چادری بالای آن کشیده در فکر غسل و تکفین بر آیند، و در وقت بستن دهان و دیگر اعضاء این دعا را بخوانند:

«بِسْمِ اللَّهِ وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ».

مسئله ۶۳۹: بعد از مردن محل معطر گردانیده شود و زنان حائضه و نفساء و اشخاصی که احتیاجی به غسل دارند نزد میت ننشینند.

بیان غسل میت

مسئله ۶۴۰: وقتی وسائل غسل و کفن و قبر آماده شد اولاً هفت مرتبه تخته ای که میت بالای آن برای غسل دادن گذاشته می شود به خوشبوئی شسته شود، و بعد میت را بالای آن گذاشته لباس میت را درآورند و از ناف تا زانوها که عورت است بپوشانند.

مسئله ۶۴۱: طریق غسل دادن این است که: اولاً میت را استنجاء دهند، به این ترتیب که غسل بدست خود پارچه یا پنبه پیچیده و دست را از زیر لنگ داخل کرده استنجاء دهد، و سپس وضوء دهد بدون مضمضه و استنشاق، بعد آن را بر پهلوئی چپ خوابانیده و پهلوئی راست را سه مرتبه بشوید و چنان آب بریزد که آب از زیرش جاری گردد، بعد بر پهلوئی راست خوابانیده و پهلوئی چپ را مثل پهلوئی راست بشوید.

مسئله ۶۴۲: آب باید با اشنان و صابون گرم کرده شود، و اگر این دو موجود نبودند آب تنها کافی است.

مسئله ۶۴۳: بعد از تمام شدن غسل، غسل میت را بخود تکیه دهد و آهسته شکم آن را دست کشد، و اگر چیزی بیرون آمد آن را شسته و غسل را اعاده نکند و بعد آن را در لنگ پاکی خشک کرده بالای کفن بگذارند. و اگر یک مرتبه تمام بدن میت شسته شود فرض اداء می شود.

مسئله ۶۴۴: در وقت غسل دادن گوش ها و بینی را با پنبه و غیره ببندد تا آب داخل نشود.

مسئله ۶۴۵: اگر میت جنب مرده بود یا زن حائض یا نفاس بود داخل کردن آب در دهان و بینی آن لازم است، و به وسیله پنبه یا پارچه آب را از دهانش بیرون کند.

مسئله ۶۴۶: وقتی میت را بالای کفن گذاشته بر آن عطر بزنند، و اگر مرد باشد ریش آن را معطرگردانند سپس پیشانی و بینی و کف دو دست و هر دو زانو و کف هر دو پای میت را کافور یا خوشبوی دیگری بزنند.

مسئله ۶۴۷: موهای میت و ناخن‌های آن کوتاه کرده نشود بلکه بر حال باقی گذاشته شود.

۶۴۸: اگر مردی فوت کرد و در میان مردان کسی پیدا نشد که آن را غسل دهد زنی که محرم آن باشد آن را غسل دهد، و اگر زن محرمه نبود آن را تیمم دهد، و اگر تیمم دهنده نامحرم باشد دست خود را با پارچه‌ای پیچیده تیمم دهد.

مسئله ۶۴۹: اگر شوهر زن فوت کرد زن می‌تواند آن را غسل دهد و کفن کند، و اگر زن بمیرد شوهر نمی‌تواند آن را مساس کند، البته نظر کردن و از بالای کفن گرفتن جنازه‌اش را جائز است.

مسئله ۶۵۰: زن در حالت حیض و نفاس نمی‌تواند میت را غسل دهد.

مسئله ۶۵۱: برای شستن زن، زنی که از خویشاوندان نزدیک باشد بهتر است، و اگر نبود هر عیال دیندار و متقیه باشد جائز است.

مسئله ۶۵۲: اگر در وقت شستن میت عیبی را مشاهده کرد، یا صورت آن دگرگون شد به کسی اظهار نکند.

مسئله ۶۵۳: اگر کسی در دریا غرق شده و فوت کرد هرگاه بیرون آورده شود غسل دادن آن لازم است، و غرق در آب جای غسل را نمی‌گیرد، البته اگر وقت بیرون آوردن به نیت غسل آن را در آب حرکت داد غسل اداء می‌شود، و همین حکم را دارد باریدن باران بر میت.

مسئله ۶۵۴: اگر تنها سر کسی پیدا شد غسل داده نشود بلکه همانطور دفن شود، و اگر نصف بیشتر بدن پیدا شد خواه با سر باشد خواه بدون سر غسل دادن آن واجب است، و اگر نصف بدن پیدا شد خواه با سر باشد خواه بدون سر غسل دادن آن واجب است، و اگر نصف بدن پیدا شد اگر با سر است غسل واجب و بدون سر غسل واجب نیست،^۱ و اگر از نصف کم‌تر است خواه سر باشد خواه نباشد غسل داده نشود.

۱- (شاید از اصل کتاب چیزی محذوف شده باشد زیرا جملات با هم متناسب نیست).

مسئله ۶۵۵: اگر میتی دیده شد و معلوم نیست که مسلمان است یا کافر در دارالاسلام، هم غسل داده شود هم کفن و نماز خوانده شود.

مسئله ۶۵۶: اگر جسد مسلمانها و کفار با هم مخلوط شود در صورت عدم تمیز و شناخت همه غسل داده شوند، و در صورت تمیز و شناخت مسلم از غیر مسلم فقط جنازه مسلمانان غسل داده شود.

مسئله ۶۵۷: اگر خویشاوند مسلمان کافر بود وفوت نمود جنازه‌اش را بهم مسلک آن بدهند، و اگر هم مسلک نبود یا قبول نکرد به واسطه اقربای مسلمان آن را غسل دهند، نه بطریق سنت بلکه به مثل شیئی نجس اگرچه کافر از شستن پاک نمی‌شود.

مسئله ۶۵۸: بر اشخاص یاغی و دزد که هنگام درگیری با سربازان اسلام کشته می‌شوند غسل داده نشود.

مسئله ۶۵۹: مرتد اگر بمیرد غسل داده نشود و بهم مذهب آن نیز داده نشود.

مسئله ۶۶۰: اگر به واسطه نبودن آب میت را تیمم دادند و بعد آب پیدا شد باید غسل داده شود.

احکام کفن

مسئله ۶۶۱: مرد را در سه پارچه کفن کردن سنت است.

(۱) لفافه.

(۲) ازار.

(۳) پیراهن. و زن را در پنج پارچه سه از آن ذکر شد و دو دیگر عبارت است از:

(۱) سربند، (۲) سینه بند، مشروح کفن برابر نقشه زیر است:

نام	طول	عرض	اندازه لازم
لفافه	۲ متر	یک متر و ۱۰ سانت	از سر تا پا و قدری اضافه
ازار	۲ متر	یک متر و ۱۰	از سر تا پا بدون اضافه

	سانت		
از شانه تا نصف ساق	یک متر و ۱۰ سانت	۲متر	قمیص
موی سر دو حصه کرده در آن پیچیده یک حصه به طرف راست سینه و یک حصه به طرف چپ سینه	تقریبا ۳۰ سانت	۱متر	سربند یا چادر
از زیر بغل تا ناف	تقریبا ۷سانت	۱متر و نیم	سینه بند

مسئله ۶۶۲: اگر زن را در پنج پارچه نکردند بلکه به سه پارچه اکتفا نمودند که عبارت از: لفافه، و ازار، و سربند باشد جائز است، و از این کم تر مکروه است مگر در صورت عذر.

مسئله ۶۶۳: کفن سنت برای مرد سه پارچه می باشد، اگر به دو پارچه که عبارت از لفافه و ازار کفایت شد جائز است، از این کم تر مکروه مگر در صورت عذر.

مسئله ۶۶۴: کفن را سه تا پنج مرتبه معطر گردانیده بعدا میت را بالای آن بگذارند.

مسئله ۶۶۵: طریق کفن کردن میت این است که: اول لفافه پهن شود و بالای آن ازار و در بالای ازار پیراهن، و بعد میت بالای آن گذاشته شود، و اگر میت زن باشد موی آن دو حصه کرده یک حصه به طرف راست بالای پیراهن و حصه دیگر به طرف چپ بالای پیراهن و سربند را بالای سر و موها بگذارند و نبندد، بعد طرف چپ ازار را بالای آن پیچیده سپس طرف راست را بعد سینه بند را ببندد، و بعد از بستن سینه بند لفافه اول طرف چپ و بعد طرف راست بر جنازه گردانیده شود.

مسئله ۶۶۶: بعد از کفن کردن سنت است که فوراً برای نماز و دفن بیرون برده شود.

مسئله ۶۶۷: در بالای کفن عهد نامه یا شجره یا دعائی را گذاشتن جائز نیست.

همچنین نوشتن کلمه طيبة بر سينه و يا نوشتن دعای ديگر جائز نيست.
 مسئله ۶۶۸: اگر حمل ساقط شد بايد توجه شود، اگر اعضاء آن درست شده حکم آن حکم بچه مرده است، و اگر درست نشده در پارچه پيچيده شود دفن گردد.
 مسئله ۶۶۹: اگر سر بچه بيرون آمد و زنده بود بعدا مرد حکم بچه مرده را دارد، و اگر اکثر آن بيرون آمده و زنده بود بعدا مرد حکم زنده بر آن جاری می شود.
 مسئله ۶۷۰: دختر نزديک به بلوغ حکم زن را دارد که بايد در پنج پارچه کفن شود، و دختر کوچک در پنج پارچه بهتر و در دو پارچه که عبارت از لفافه و ازار است جائز است.

مسئله ۶۷۱: ميت در هر شهر و محلی که فوت نمايد همانجا دفن شود، و انتقال بجای ديگر خوب نيست مگر در صورت عذر.

مسئله ۶۷۲: اگر عضوی از اعضاء يا نصف جسد بدون سر پيدا شد، با پارچه پيچيده دفن شود، و اگر با نصف جسد سر باشد يا از نصف بيتر پيدا شود کفن مسنون کرده دفن شود.

مسئله ۶۷۳: اگر قبری بيرون يافته شد و نعش بدون کفن بيرون آمد، کفن کردن آن به طريق سنت واجب است.

احکام نماز جنازه

نماز جنازه در حقيقت دعا است برای ميت در پيشگاه «أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ».

مسئله ۶۷۴: شرايط نماز جنازه همان شرايط نماز است و به اضافه اين که خير مرگ به آن برسد، و اگر کسی از فوت جنازه اطلاع پيدا نکرد معذور است و بر آن نماز جنازه واجب نيست.

مسئله ۶۷۵: برای صحت نماز جنازه دو قسم شرط است: یکی تعلق به نمازگزار دارد، و ديگری تعلق به ميت.

شروطی که در نماز جنازه تعلق به نماز خواننده دارد

(۱) طهارت.

(۲) ستر عورت.

(۳) استقبال قبله.

(۴) نیت.

شروطی که در نماز جنازه تعلق به میت دارد

میت مسلمان باشد اگرچه فاسق، البته بر یاغی و دزد و قاتل والدین نماز جنازه خوانده نشود بشرطی که یاغی و دزد در حالت جنگ و درگیری کشته شوند.

مسئله ۶۷۶: اگر پدر یا مادر بچه مسلمان است بر بچه نماز خوانده شود.

مسئله ۶۷۷: میت عبارت از کسی است که: زنده باشد و بمیرد، اگر مرده بدنیا بیاید

میت نیست و نماز بر آن خوانده نشود.

(۲) بدن و کفن میت از نجاست حقیقه و حکمیه پاک باشد، البته اگر نجاست حقیقه از

خود آن بیرون آمده باشد و دور کردن آن باعث حرج است نماز جائز است.

مسئله ۶۷۸: اگر میت از نجاست حکمیه پاک نباشد یعنی آن را غسل یا تیمم نداده

باشند نماز جائز نیست، مگر اینکه بدون غسل دفن شده باشد که بر قبر آن نماز جائز

است، و اگر بدون غسل یا تیمم نماز خواندن دفن کرده‌اند باید مجدداً بر قبر آن نماز

خوانده شود و نماز اولی جائز نیست.

مسئله ۶۷۹: اگر بدون نماز دفن شده تا سه شبانه روز بر قبر آن نماز خواندن جائز

است.

مسئله ۶۸۰: طهارت مکان برای گذاشتن میت شرط نیست، لذا اگر زمین یا تخته یا

تابوت کثیف باشند طوری که کفن نجس نشود و میت بر آن گذاشته نماز خوانده شود

نماز جائز است.

- ۳) عورت میت پوشیده باشد و اگر میت کاملاً برهنه باشد نماز جائز نیست.
- ۴) میت جلو نمازگزاران گذاشته شود، و اگر در عقب باشد نماز جائز نیست.
- ۵) میت یا آنچه میت بالای آن است بر زمین باشد اگر بالای دست مردمان یا ماشین و غیره باشد نماز جائز نیست.

۶) موجود بودن میت و اگر میت موجود نباشد نماز جائز نیست.

مسئله ۶۸۱: در نماز جنازه دو چیز فرض است:

- ۱) چهار مرتبه تکبیر گفتن.
- ۲) قیام و بدون عذر ترک قیام جائز نیست، و در این نماز رکوع و سجده و قعدہ نیست.

مسئله ۶۸۲: در نماز جنازه سه چیز سنت است:

۱) حمد خدا.

۲) درود بر حضرت محمد مصطفی ﷺ.

۳) دعا برای میت.

مسئله ۶۸۳: جماعت در نماز جنازه شرط نیست، لذا اگر یک نفر نماز جنازه را بخواند فرض اداء می شود، مرد باشد یا زن، بالغ باشد یا صغیر، البته این نماز با جماعت بهتر است.

مسئله ۶۸۴: طریق مسنون نماز جنازه این است که: میت جلو گذاشته، امام در مقابل سینه آن ایستاده شود و همه این را نیت بنمایند: نماز می خوانیم برای خدا، ثواب برای میت اقتداء کردم به امام حاضر، بعد از نیت الله اکبر گفته هر دو دست را بلند کرده ببندد، و بعد «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ» را تا آخر بخواند، سپس تکبیر دوم را گفته دست‌ها را بلند نکند، و همان درودی که در نماز خوانده می شود بخواند، و بعد از خواندن درودها تکبیر سوم را بگوید بدون اینکه دست‌ها را بلند نماید، و اگر میت بالغ باشد خواه زن این دعا را

بخواند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا، وَشَاهِدِنَا، وَعَائِبِنَا وَصَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا، وَذَكَرِنَا وَأُنْثَانَا. اللَّهُمَّ مَنْ أَحْيَيْتَهُ مِنَّا فَأَحْيِهِ عَلَى الْإِسْلَامِ، وَمَنْ تَوَفَّيْتَهُ مِنَّا فَتَوَفَّهُ عَلَى الْإِيمَانِ».

ترجمه: ای خدایا بیامرزش برای زنده ما و مرده ما، و حاضر ما و غائب ما و کوچک و بزرگ ما، و مرد و زن ما. ای خدایا کسی را که تو او را زنده نگهداری از ما او را بر اسلام زنده دار و کسی را که بمیرانی از ما او را بر ایمان بمیران.

و اگر میت پسر صغیر باشد این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا فَرَطًا، وَاجْعَلْهُ لَنَا أَجْرًا وَذُخْرًا، وَاجْعَلْهُ لَنَا شَافِعًا مُشَفَّعًا».

ترجمه: ای خدایا، بگردان این را برای ما پیش رو در بهشت، و بگردان این را برای ما مزد و ذخیره عاقبت، و بگردان او را برای ما شفاعت کننده و شفاعت او را در حق ما قبول کرده شده.

و اگر میت دختر صغیره باشد بجای اجعله [اجعلها] و بجای شافعا [شافعة] و بجای مشفعا [مشفعة] بگوید. بعد از این دعا تکبیر چهارم را گفته بدون اینکه دست‌ها را بلند کند به دو طرف سلام دهد.

مسئله ۶۷۵: در خواندن دعاها و غیره در نماز جنازه امام و مقتدی برابرند، فقط اینقدر فرق دارد که امام تکبیر و سلام را بلند می‌گوید و مقتدی آهسته.

مسئله ۶۸۶: مستحب است که مردم سه صف گردند حتی اگر هفت نفر باشند، یک نفر امام، سه نفر صف اول، دو نفر صف دوم، و یک نفر صف سوم را تشکیل دهند.

مسئله ۶۸۷: هر چه مفسد نماز بود مفسد نماز جنازه نیز هست، البته در نماز جنازه خنده قهقهه وضوء را فاسد نمی‌کند، و اگر با زنی از لحاظ صف مقابل شود فاسد کننده نماز نیست در صورتی که این مقابله در نماز فرض نماز مرد را فاسد می‌کند، و نیز خنده قهقهه در نماز فرض وضوء را باطل می‌کند.

مسئله ۶۸۸: خواندن نماز جنازه در مساجدی که نمازهای پنجگانه و جمعه و عیدین خوانده می‌شود مکروه است چه میت داخل مسجد باشد و چه خارج مسجد.

- مسئله ۶۸۹: تاخیر نماز جنازه برای ازدیاد جماعت مکروه است.
- مسئله ۶۹۰: خواندن نماز جنازه نشسته بدون عذر مکروه است.
- مسئله ۶۹۱: اگر چند جنازه باشد به هر یکی علیحده نماز خواندن بهتر است و اگر همه پهلوی هم گذاشته شود و بر همه یک نماز خوانده شود نیز جائز است.
- مسئله ۶۹۲: اگر میت‌ها از اصناف مختلف باشند، اول مردها دوم پسرها، سوم زنها، و چهارم دخترها گذاشته شوند.
- مسئله ۶۹۳: اگر کسی بعد از این که امام چند تکبیر را گفته رسید فوراً تکبیر نگوید، بلکه انتظار بکشد وقتی امام تکبیر گفت تکبیر بگوید و داخل جماعت گردد و همینکه امام سلام داد بقیه تکبیرات را بدون اینکه چیزی بخواند بگوید، و اگر وقتی رسید که امام تکبیر چهارم را گفته فوراً تکبیر بگوید و داخل نماز شود و بعد از سلام دادن امام تکبیرات را بگوید.
- مسئله ۶۹۴: اگر کسی در اول جماعت مستعد و آماده برای شرکت در جماعت بود ولی به واسطه غفلت داخل نماز نشد هنوز که امام بعد از تکبیر مشغول خواندن «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ» می‌باشد فوراً تکبیر اول را بگوید و شریک نماز شود، و اعاده آن تکبیر به شرطی که پیش از اینکه امام تکبیر دوم را بگوید شریک جماعت گردد لازم نیست.
- مسئله ۶۹۵: برای امامت مقدم‌تر از هر کس رئیس جمهور یا پادشاه اسلام وقت است، و اگر نبود حاکم شهر، و بعد قاضی، و بعد نایب قاضی. و اگر نایب نبود امام مسجدی که میت در آن نماز می‌خوانده یا ولی و یا کسی که ولی به آن اجازه می‌دهد.
- مسئله ۶۹۶: اگر بدون اجازه ولی کسی که مستحق امامت نبود نماز خواند ولی میت می‌تواند نماز را اعاده کند و اگر مستحق بود نمی‌تواند.

احکام دفن میت

- مسئله ۶۹۷: دفن کردن میت مانند غسل و نماز خواندن بر آن فرض کفایه است.
- مسئله ۶۹۸: بعد از نماز فوراً میت را به سوی قبرستان بردن مستحب است.

مسئله ۶۹۹: اگر میت بچه کوچک است دست به دست بردن آن مستحب است، و اگر بزرگ است به تابوت گذاشته چهارپایه آن را چهار نفر گرفته ببرند، و بدون عذر بالای ماشین و غیره یا یک نفر آن را نبرد.

مسئله ۷۰۰: بردن میت را سرعت نه به اندازه‌ای که جنازه حرکت کند سنت است.

مسئله ۷۰۱: همراهان جنازه پیش از گذاشتن میت به زمین نباید بنشینند، و اگر عذری باشد نشستن مکروه نیست.

مسئله ۷۰۲: رفتن مردم در عقب جنازه مستحب است، اگر بعضی از جنازه جلو بروند باکی نیست ولی همه مردم نباید از جنازه جلوتر بروند.

مسئله ۷۰۳: ذکر کردن همراهان جنازه به آواز بلند یا دیگر چیزی خواندن مکروه است.

مسئله ۷۰۴: قبر به اندازه نصف قدی حفر شود و از قدی بیشتر نشود.

مسئله ۷۰۵: لحد کردن از صندوق گذاشتن و یا شق نمودن یعنی در وسط قبر لحد را کندن بهتر است، مگر زمین ریزش داشته باشد که در این صورت گذاشتن میت را به صندوق جائز است.

مسئله ۷۰۶: وقتی که قبر آماده شد از طرف قبله میت را داخل قبر کنند و طاق یا جفت بودن نفرات سنت نیست، و در وقت گذاشتن میت به قبر گفتن این کلمات مستحب است: «بِسْمِ اللَّهِ وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ».

مسئله ۷۰۷: میت را در لحد رو به قبله گذاشتن سنت است، و گره‌های نخهائی که بر کفن بسته شده باز گردد.

مسئله ۷۰۸: لحد به خشت خام یا گل بسته شود نه آجر و چوب مگر در صورت عذر.

مسئله ۷۰۹: در وقت گذاشتن زن در قبر پوشیدن قبر مستحب است.

مسئله ۷۱۰: ریختن خاکی که از قبر بیرون آمده مجددا ریخته شود و بیشتر از آن جائز نیست.

مسئله ۷۱۱: در وقت ریختن خاک مستحب است که از طرف سر شروع شود و مردم به دست‌ها خاک برداشته بریزند، و در مرتبه اول: ﴿مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ﴾ و در مرتبه دوم بگویند: ﴿وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ﴾ و در مرتبه سوم بگویند: ﴿وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى﴾ [طه: ۵۵].

مسئله ۷۱۲: بعد از دفن مقداری بر سر قبر ایستادن و برای میت دعا کردن مستحب است.

مسئله ۷۱۳: روی خاک‌ها پاشیدن آب مستحب است.

مسئله ۷۱۴: هیچ میتی را در خانه یا بناء مخصوصه نباید دفن نمایند، زیرا این خاصه انبیاء است.

مسئله ۷۱۵: مربع کردن قبر مکروه است، بلکه مستحب است صورت قبر مثل کوهان شتر به اندازه بیست سانت بلند کرده شود، و از این بیشتر بلند کردن مکروه تحریمی است.

مسئله ۷۱۶: بعد از دفن بر قبر ساختن عمارت به قصد زینت حرام و بعنوان حفاظت مکروه است، بلکه باید بهمان حالی که قبلا بوده گذاشته شود.

بیان مسائل متفرقه جنازه

مسئله ۷۱۷: اگر در قبر به فراموشی روی میت را بطرف قبله نکردند و بعد یاد آمد اگر خاک ریخته شده یا لحد بسته گردیده باز کردن جائز نیست.

مسئله ۷۱۸: رفتن زن‌ها با جنازه مکروه است.

مسئله ۷۱۹: رفتن زن‌ها نوحه کننده همراه جنازه حرام و ممنوع است.

مسئله ۷۲۰: موقع گذاشتن میت در لحد و بدین مناسبت اذان دادن مکروه است.

مسئله ۷۲۱: اگر امام از چهار تکبیر بیشتر بگوید مقتدی از امام پیروی نکند.
 مسئله ۷۲۲: اگر شخص در میان کشتی فوت کرد و بندر دور است و ممکن است جسد متعفن گردد جنازه را غسل و کفن نموده و نماز خوانده شود، و بعد به دریا انداخته شود، و اگر خوف تعفن نیست یا به وسیله سردخانه کشتی می شود نگهداری نمود انداختن به دریا جائز نیست.

مسئله ۷۲۳: اگر شخص دعا نماز جنازه را یاد نداشت، «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» کافی است، و اگر این دعا را هم یاد نداشت فقط گفتن چهار تکبیر کافی است.

مسئله ۷۲۴: بعد از دفن بیرون کردن جنازه بدون عذر جائز نیست.
 مسئله ۷۲۵: اگر زنی فوت کرد و بچه در شکمش زنده است پهلوی آن را شکافته بچه بیرون آورده شود، و همچنین اگر میت مال کسی را خورده و در شکم آن موجود است شکم آن را چاک کرده شود و مال را بیرون آورند.

مسئله ۷۲۶: تعریف میت به شعر و سخن گفتن جائز بشرطی که مبالغه نشود.
 مسئله ۷۲۷: تسلیت دادن نزدیکان میت و شنوایدن فضائل و ثواب صبر و دعا برای میت و ترغیب دادن آن‌ها را به صبر و شکیبائی جائز است، و این را تعزیه می‌گویند، و تعزیه بیش از سه روز مکروه است، مگر یکی از اقرباء نزدیک میت در سفر باشد در اینصورت بعد از آمدن آن تعزیه جائز است اگرچه بعد از چند روز باشد.
 مسئله ۷۲۸: آماده نمودن کفن از پیش برای خود اشکالی ندارد ولی آماده نمودن قبر مکروه است.

مسئله ۷۲۹: اگر از قبری درختی بیرون آمد و سبز بود قطع کردن آن مکروه است.
 مسئله ۷۳۰: در یک قبر پیش از یک میت دفن نشود مگر در صورت ضرورت، اگر همه میت‌ها مرد باشند اول علماء و بقیه را عقب، و اگر مرد و زن باشند اول مردها گذاشته شوند و بعد زن‌ها.

مسئله ۷۳۱: رفتن به گورستان برای مردها مستحب است، و بهتر است که روز جمعه باشد، و همچنین زیارت قبر بزرگان دین بشرطی که عمل خلاف شریعت از آن صادر نشود مستحب است.

احکام شهید

مسئله ۷۳۲: شخص مسلمان عاقل و بالغ که از جنابت و حیض و نفاس پاک باشد، و به وسیله آلت زخم کننده بدون جرم و گناهی به قتل رسیده باشد، و از طرف شریعت دستور عوض صادر نشود، بلکه قصاص واجب گردد، و بعد از زخم شدن تمتعی حاصل نکند، و اندازه یک وقت نماز بعد از زخم خوردن بهوش خود نباشد، و از محل معرکه بدون عذر منتقل نشده باشد شهید است، و حکم شهید بر آن جائز می‌گردد.

مسئله ۷۳۳: شهید به معنی شهود، شهود به معنی حاضر شده در پیشگاه عدل الهی و در جنت در احادیث پیغمبر اکرم ﷺ وارد شده است که: به مجرد شهادت شهید خداوند متعال روح مبارکه شهید را احضار می‌کند و می‌فرماید: هر چه می‌خواهی بخواه، شهید در پیشگاه خداوند متعال عرض می‌کند که: وسیله‌ای فراهم گردد که بر گردم و دو مرتبه در راه رضای تو شهید گردم، خداوند متعال می‌فرماید که: این ممکن نیست و پیام تو را به بندگان خود، خودم می‌رسانم.

مسئله ۷۳۴: شهید غسل داده نشود، و خون بدن آن شسته نگردد، و لباس آن بیرون آورده نشود مگر لباس اضافه و اسلحه و پوتین، دیگر احکام شهید مثل باقی مردگان می‌باشد از قبیل نماز و دفن و غیره.

احکام و مسائل حیض و نفاس

مسئله ۷۳۵: خونی که زن‌ها در هر ماه از محل مخصوصی می‌بینند حیض است.

مسئله ۷۳۶: حداقل مدت حیض سه شبانه روز و اکثر مدت آن ده شبانه روز است، از سه کم‌تر از ده بیشتر حیض نیست بلکه مستحاضه است که بعلت مرضی می‌بینند.

مسئله ۷۳۷: اگر سه روز خون دید نه سه شب مثلاً از صبح جمعه شروع و بعد از غروب شب یکشنبه قطع شد حیض گفته نمی‌شود.

مسئله ۷۳۸: در مدت ایام حیض خون هر رنگ غیر از سفیدی که داشته باشد حیض گفته می‌شود.

مسئله ۷۳۹: از نه سال کم‌تر و از پنجاه و پنج (۵۵) سال بالاتر حیض نمی‌شود، لذا اگر دختری که عمرش به نه سال نرسیده خون ببیند حیض نیست، و از پنجاه و پنج سال بالاتر اگر خون ببیند هم حیض حساب نمی‌شود بلکه استحاضه می‌باشد.

مسئله ۷۴۰: اگر عادت یک زن این بود که: چهار یا پنج روز خون می‌دیده و در این ماه از عادت خود بیشتر دید اگر از ده روز زیادتر نشد تمامی حیض گفته می‌شود، و اگر از ده بیشتر است به اندازه عادت قبلی حیض و بقیه استحاضه است.

مسئله ۷۴۱: اگر عادت زنی چهار روز بود و در این ماه پنج روز دید و در ماه بعد پانزده روز از هر ماه پنج روز حیض و بقیه استحاضه می‌باشد، و عادت قبلی آن اعتبار ندارد.

مسئله ۷۴۲: اگر یک زن عادت معینه نداشت بلکه در یک ماه سه روز و در ماه دیگر هفت روز خون دید، تمام مدت هفت روز حیض است، و اگر در یک ماه بیشتر از ده روز خون دید باید معلوم شود که در ماه گذشته چند روز خون دیده برابر آن ماه حیض حساب می‌شود و باقی استحاضه می‌باشد.

مسئله ۷۴۳: زنی که تازه بالغ شده تمام مدت یک ماه را خون دید، ده روز حیض حساب نماید و باقی را استحاضه.

مسئله ۷۴۴: مدت پاکی میان دو حیض حداقل پانزده روز است و اکثر آن را مدتی نیست، لذا اگر مدتهای مدید خون ندید پاک محسوب می‌گردد.

مسئله ۷۴۵: اگر زنی سه شبانه روز خون دید و پانزده شبانه روز پاک بود و بعد سه روز خون دید سه روز اول و سه روز آخر حیض، و پانزده روز وسط که خون ندید پاک حساب می شود.

مسئله ۷۴۶: اگر یک روز یا دو روز خون دید و پانزده روز پاک بود بعد یک روز یا دو روز خون دید، پانزده روز وسط پاک، و اول و آخر مستحاضه می باشد.

مسئله ۷۴۷: اگر یک روز یا دو روز خون دید و چهارده یا دوازده روز پاک بود و بعد خون دید، این چنین حکم کرده می شود که تمام مدت خون جاری بوده، لذا طبق عادت قبلی حیض و بقیه استحاضه می باشد.

مسئله ۷۴۸: اگر زنی حامله خون دید حیض نیست بلکه استحاضه می باشد.

مسئله ۷۴۹: خونی که پیش از ولادت در هنگام درد زایمان دیده می شود استحاضه می باشد و تا بیرون آمدن نصف بچه همین حکم را دارد.

مسئله ۷۵۰: در ایام حیض نماز خواندن و روزه گرفتن حرام است، ولی فرق این است که نماز قطعاً از ذمه اش ساقط می شود، و بعد از پاکی قضائی ندارد لکن روزه را باید در ایام پاکی قضائی بجا آورد.

مسئله ۷۵۱: اگر در بین نماز فرض خون حیض جاری شد آن نماز از ذمه اش ساقط می شود، و اگر در بین نماز نافله حیض شد باید آن نماز را قضائی بجا آورد.

مسئله ۷۵۲: اگر در بین روز در ماه رمضان خون حیض جاری گردید روز می شکند و باید قضائی آن روزه را بجا آورد.

مسئله ۷۵۳: در ایام حیض مقاربت با زن حرام است ولی بوسیدن و بغل خوابی اگر شخص بر خود ایمن بود جائز است.

مسئله ۷۵۴: اگر زنی عادت آن از ده روز کم تر بود بعد از پاک شدن از عادت معینه پیش از غسل یا گذشتن وقت نمازی مقاربت با آن جائز نیست.

مسئله ۷۵۵: اگر عادت یک زن پنج روز بود و چهار روز خون دید و پاک شد باید غسل کند و نماز خواند ولی پیش از تمام شدن عادت مقاربت جائز نیست.

مسئله ۷۵۶: اگر بعد از ده روز خون ایستاد پیش از غسل کردن مقاربت جائز است.

مسئله ۷۵۷: اگر بعد از یک روز یا دو روز خون ایستاد غسل واجب نمی‌شود بلکه وضوء گرفته نماز خواند ولی مقاربت جائز نیست، اگر پیش از پانزده روز مجدداً خون دید معلوم شد که این وقت زمان حیض است لذا به اندازه عادت قبلی حیض حساب کرده غسل کند و نماز خواند، و اگر پانزده روز گذشت و خون ندید معلوم شد که استحاضه بوده یک یا دو روز که به واسطه آن نماز را ترک کرده قضا آورد.

مسئله ۷۵۸: اگر عادت یک زن سه روز بود و در این ماه بیشتر خون دید باید صبر کند اگر ده روز یا کم‌تر خون دید حیض حساب می‌شود و عادت آن عوض شده، و اگر از ده روز بیشتر خون دید اندازه عادت قبلی حیض و باقی استحاضه است، و نماز آن روزها را قضائی بجا آورد.

مسئله ۷۵۹: اگر از ده روز کم‌تر خون ایستاد ولی وقت نماز خیلی تنگ است ملاحظه شود که: آیا این وقت کم گنجایش غسل کردن و گفتن تکبیر تحریمه را دارد یا نه، اگر دارد نماز آن وقت را باید قضائی بجا آورد و اگر ندارد نماز آن وقت معاف است.

مسئله ۷۶۰: اگر بعد از ده روز خون قطع شد و وقت فقط گنجایش گفتن «الله أكبر» را دارد باید همان وقت را قضائی بجا آورد.

مسئله ۷۶۱: اگر در ماه رمضان در بین روز پاک شد بقیه آن روز را از خوردن و نوشیدن خودداری کند، ولی روزه حساب نمی‌شود و آن روز را قضائی بجا آورد.

مسئله ۷۶۲: اگر خون بعد از ده شبانه روز در شب قطع شد روزه روز بعدی واجب می‌شود، اگرچه از شب به اندازه گفتن تکبیر تحریمه باقی نمانده است، و اگر از ده شبانه روز کم‌تر خون دیده و در شب قطع شد اگر از شب به اندازه‌ای که غسل باقی است ولی «الله أكبر» گفته نمی‌شود روزه واجب است، و اگر این اندازه وقت بود و غسل نکرد نیت

روزه را بنماید و صبح غسل کند، و اگر این اندازه وقت باقی نبود روزه واجب نمی‌شود ولی از خوردن و آشامیدن باز ایستد.

مسئله ۷۶۳: وقتی خون به فرج خارج رسید از آن موقع مدت حیض حساب می‌شود.

احکام استحاضه

مسئله ۷۶۴: حکم استحاضه مثل خون دائمی است که از بینی یا زخم بیرون می‌آید، این چنین زنی باید نماز بخواند و روزه بگیرد و مقاربت با آن جائز است.

تذکره لازم: احکام استحاضه مثل احکام معذور است که باید برای هر وقت نماز یک وضوء بگیرد و حکم معذور در گذشته بیان گردید.

احکام نفاس

مسئله ۷۶۵: نفاس خونی است که پس از زایمان خارج می‌گردد.

مسئله ۷۶۶: جنین که قبل از موعد مقرر ساقط شود و بعضی از خلقت آن مرتب شده باشد خونی که بعد از آن زن بیند نفاس محسوب می‌شود.

مسئله ۷۶۷: نفاس حداقل ندارد ممکن است بعد از زایمان یک ساعت یا کم‌تر خون ببیند و پاک گردد و حداکثر آن چهل روز است و زیاده بر چهل استحاضه می‌باشد.

مسئله ۷۶۸: اگر خون از چهل روز تجاوز نمود و قبلاً هم این زن بچه آورده و عادت معینه دارد مثلاً در بقیه بچه‌ها بیست روز خون پس از زایمان می‌دیده در این بچه هم نفاسش بیست روز حساب می‌شود. و اگر عادت معینه نداشته و از چهل روز خون متجاوز شد نفاس چهل روز حساب می‌گردد.

مسئله ۷۶۹: اگر زنی دو بچه آورد نفاسش از بچه اول محسوب می‌گردد اگرچه بین دو بچه چهل روز فاصله باشد.

مسئله ۷۷۰: برای زن حائض و زنی که در حالت نفاس است و کسی که بر آن غسل واجب شده داخل شدن در مسجد و طواف خانع کعبه و خواندن قرآن و مساس کردن آن

حرام است، البته اگر قرآن مجید در پارچه‌ای یا پلاستیک پیچیده باشد مساس کردن آن برای اشخاص مذکور جائز است.

مسئله ۷۷۱: برای شخص بی‌وضوء مساس کردن قرآن جائز نیست، البته خواندن قرآن از حفظ برای شخص بی‌وضوء جائز است.

روزه

در بیان فضیلت روزه

پیغمبر اکرم ﷺ فرمودند که: هرکس روزه ماه رمضان را خاص برای خشنودی و رضای پروردگار به اراده ثواب بگیرد تمام گناهان پیشین آن بخشیده می‌شود. و نیز فرموده‌اند که: بوی دهان روزه دار در قیامت از مشک و عنبر محبوب‌تر است در پیشگاه پروردگار.

و در روایت دیگر آمده که: در روز قیامت برای روزه داران سفره ای پهن می‌شود و آن‌ها از آن می‌خورند و می‌نوشند و حال اینکه اشخاصی در انتظار حساب و کتاب خواهند بود، و خواهند گفت که: این‌ها کیستند که می‌خورند و می‌نوشند و ما در انتظار بسر می‌بریم؟ جواب می‌شنوند که: این‌ها برای خدا روزه گرفتند و شما روزه را خوردید. روزه یکی از ارکان دین مبین اسلام و ترک آن گناه کبیره می‌باشد.

مسئله ۷۷۲: روزه ماه رمضان بر هر مسلمان عاقل و بالغ فرض است و بدون عذر اداء می‌شود.

مسئله ۷۷۳: اگر کسی نذر کرد که روزه ماه رمضان را بگیرد به واسطه نذر روزه فرض اداء می‌شود.

مسئله ۷۷۴: روزه ماه رمضان و روزه قضائی و كفاره فرض است. و غیر این‌ها نفل که گرفتن آن باعث ثواب و ترک آن گناه نیست، البته در سال پنج روز روزه گرفتن حرام است.

(۱) روز عید رمضان.

(۲) روز عید قربان.

(۳) روز یازده.

(۴) روز دوازده.

(۵) روز سیزده ذی الحجة، یعنی سه روز بعد از عید قربان.

مسئله ۷۷۵: روزه اصطلاحاً به معنی ترک خوردن و نوشیدن و جماع کردن از طلوع صبح صادق تا غروب آفتاب با نیت روزه می‌باشد.

مسئله ۷۷۶: به زبان نیت کردن یا چیزی گفتن لازم نیست بلکه در دل نیت روزه را داشته باشد کافی است، و اگر به زبان نیت کند بهتر است تا زبان و دل موافق گردند.

مسئله ۷۷۷: اگر کسی همه روز از خوردن و نوشیدن و جماع باز ایستاد لکن نیت روزه نداشت روزه دار گفته نمی‌شود.

مسئله ۷۷۸: در شریعت وقت روزه از طلوع صبح صادق شروع می‌شود، لذا پیش از طلوع همه کارها جائز است اگرچه نیت و قصد روزه کرده باشد.

مسائل و احکام روزهی ماه رمضان

مسئله ۷۷۹: روزه ماه رمضان را از شب نیت کند جائز است، و اگر در شب نیت نکرد روز تا پیش از زوال (نیمه روز) نیت کردن جائز است.

مسئله ۷۸۰: در ماه رمضان اینقدر برای نیت کافی است که به زبان یا قلب تصمیم بگیرد و بگوید که: فردا روزه می‌گیرم اگر چه اسمی از فرض یا رمضان به زبان نیاورد.

مسئله ۷۸۱: کسی نذر کرد که: اگر فلان کارم درست شود دو روز برای خدا روزه خواهم گرفت، بعد از درست شدن کارش در ماه رمضان نیت روزه نذری می‌کند روزه رمضان اداء می‌شود نه آنچه نیت کرده.

مسئله ۷۸۲: در تاریخ ۲۹ شعبان اگر ماه رمضان دیده شد فیها و إلا روزه گرفتن آن روز مکروه است مگر برابر به عادت هر ماهه آن باشد.

مسئله ۷۸۳: اگر به واسطه ابری بودن آسمان در تاریخ ۲۹ شعبان ماه دیده نشد روز تا پیش از زوال چیزی نخورده و ننوشد، اگر از جائی خبر دادن ماه رسید نیت روزه کند و إلا نه.

مسئله ۷۸۴: اگر در تاریخ ۲۹ شعبان ماه رمضان دیده نشد کسی این چنین فکر نکند: حال که ماه دیده نشد روزه قضائی یا نذر می گیرم، زیرا که در این روز روزه قضائی و نذر هم مکروه است، و اگر با وجود این نیت قضائی یا نذر را کرد بعدا خبر دیدن ماه از منابع معتبر رسید روزه رمضان حساب می شود قضائی یا نذر را در وقت دیگری بگیرد.

احکام دیدن ماه

مسئله ۷۸۵: اگر آسمان ابری است که به واسطه آن ماه دیده نمی شود در این حالت یک نفر مسلمان پرهیزگار گواهی داد که: من ماه را دیده ام، گواهی اش معتبر و ماه ثابت می شود، مرد باشد یا زن.

مسئله ۷۸۶: اگر به واسطه ابر و غیره ماه عید دیده نشد شهادت یک نفر هر که باشد جائز نیست، بلکه شهادت دو مرد با اوصاف ذکر شده یا یک مرد و دو زن معتبر است.

مسئله ۷۸۷: کسی که پایبند دین نیست و واضح و علناً گناه می کند، مثلاً نماز نمی خواند، و روزه نمی گیرد، دروغ می گوید سخن آن را هیچ اعتباری نیست اگر چه قسم یاد کند و چند نفر هم باشند.

مسئله ۷۸۸: این گفته مشهوره بین عوام الناس که: روز چهارم ماه رجب روز اول ماه رمضان است اعتباری ندارد.

مسئله ۷۸۹: اگر آسمان صاف باشد به شهادت دو یا چهار نفر ماه ثابت نمی شود بلکه باید جماعت بزرگی باشد که امکان دروغ گفتن همه آنها نباشد، آنگاه دیدن ماه ثابت می شود.

مسئله ۷۹۰: اگر در تمام شهر مشهور شد که شب ماه دیده شد و بسیاری ماه را دیده‌اند، ولی با وجود تلاش کسی یافت نشد که بگوید: من ماه را دیده‌ام، این چنین شایعه هیچ اعتباری ندارد.

مسئله ۷۹۱: اگر شخص تنها ماه را دید و بس، بر آن لازم است که روزه بگیرد نه بر دیگران، و اگر سی روز تمام شد و ماه دیده نشد، سی و یکمین روز را باید روزه بگیرد، و با دیگران عید کند.

مسئله ۷۹۲: اگر شخص ماه عید را دید و غیر آن هیچکس ندید دیدنش اعتبار ندارد و باید روزه بگیرد.

مسئله ۷۹۳: اگر در یک شهری ماه دیده شد برای تمام شهرها ماه ثابت است اگرچه بین این شهر و بقیه شهرها فاصله زیادی باشد.

مسئله ۷۹۴: اگر به شهادت دو نفر واجد شرایط ماه ثابت شد و به همان حساب سی روز روزه گرفتند، و ماه دیده نشد خواه آسمان صاف باشد خواه نه، در روز سی و یکمین افطار کنند و آن روز اول شوال دانسته شود.

مسئله ۷۹۵: اگر در روز سی‌ام ماه دیده شد، ماه از شب آینده حساب می‌شود خواه پیش از زوال باشد یا بعد از زوال.

مسئله ۷۹۶: خبر دیدن ماه به وسیله نامه، یا رادیو، یا تلفن بی‌سیم، و تقویم از لحاظ شرعی معتبر نیست مگر علامت دیگری که مؤید و مفید یقین باشد به آن بیوندد که در این صورت معتبر خواهد بود.

احکام روزه نذر

مسئله ۷۹۷: اگر کسی نذر کرد وفا به نذر واجب و ترک آن گناه است.

مسئله ۷۹۸: نذر بر دو قسم است: اول که: تاریخ مقرر و معین کند به این طور که بگوید: یا الله! اگر فلان کار من انجام گیرد فردا برای رضای تو روزه می‌گیرم، یا مثلاً روز جمعه آینده را، در این چنین نذری اگر از شب نیت کند جائز است، و اگر از شب نیت

نکند ولی تا یک ساعت پیش از زوال (نیمه روز) نیت نماید نیز جائز است و نذر اداء می‌شود.

مسئله ۷۹۹: اگر کسی روزه گرفتن روز جمعه را نذر کرد و چون جمعه آمد همیتقدر گفت که: امروز روزه می‌گیرم، و تعیین نکرد و یا نیت نفل کرد در هر دو صورت نذر اداء می‌شود، اگر نیت قضائی کرد قضائی محسوب می‌شود، و نذر را باید روز دیگر بگیرد.

مسئله ۸۰۰: قسم دوم از نذر این است که: تاریخ معین نکند بلکه بگوید: اگر فلان کارم انجام گرفت یک یا چند روز روزه خواهم گرفت، در این قسم نذر نیت برای روزه از شب شرط است.

احکام روزه نفل

مسئله ۸۰۱: روزه نفلی را معین کرده بگیرد به اینطور که بگوید: روزه نفلی می‌گیرم هم جائز است، و اگر معین نکند بلکه بگوید: روزه می‌گیرم نیز جائز است.

مسئله ۸۰۲: اگر شخص پیش از زوال نیت روزه نفلی بنماید بشرطی که از طلوع صبح صادق عملی خلاف روزه انجام نداده جائز است.

مسئله ۸۰۳: به غیر از ماه رمضان و پنج روز ممنوعه در همه روزها می‌تواند شخص روزه نفلی بگیرد.

مسئله ۸۰۴: اگر کسی روزه روز عید را نذر کرد باید روز عید را بخورد و روز دیگر عوض آن را بگیرد.

مسئله ۸۰۵: اگر کسی نذر کرد که تمام سال را روزه بگیرد همان پنج روز ممنوعه را بخورد و بقیه همه سال را بگیرد و آن پنج روز را قضا بجا آورد.

مسئله ۸۰۶: روزه نفلی به نیت واجب می‌شود، لذا اگر کسی نیت روزه کرد و بعد خورد باید قضائی بگیرد.

مسئله ۸۰۷: اگر کسی شب نیت کرد که: فردا روزه بگیرد ولی پیش از طلوع صبح نیت خود را عوض کرد و روزه نگرفت قضا واجب نمی‌شود.

مسئله ۸۰۸: بدون اجازه شوهر زن نمی‌تواند روزه نفلی بگیرد، و اگر بدون اجازه روزه نفلی گرفت به دستور شوهر باید بشکند و هرگاه فرصت داشت قضا بگیرد.

مسئله ۸۰۹: اگر برای شخص مهمان آمد یا کسی دعوت کرد او را، و اگر نرود ناراحتی پیش می‌آید به این دو واسطه شکستن روزه نفلی جائز است.

مسئله ۸۱۰: روز دهم محرم روزه گرفتن مستحب است، و در حدیث آمده که: به حرمت روزه روز دهم محرم خداوند متعال گناهان صغیره یکساله را معاف می‌فرماید، و همچنین روزه روز نهم ذی الحجة مستحب است، و اگر از اول ذی الحجة تا نهم بگیرد بهتر است.

مسئله ۸۱۱: روز پانزدهم شعبان و شش روز بعد از عید رمضان روزه نفلی از دیگر نوافل بهتر است.

مسئله ۸۱۲: روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم همراه ایام بیض نامیده می‌شوند، در این سه روز روزه گرفتن فضیلت بسیار دارد که در احادیث بیان شده است.

مسئله ۸۱۳: روزه روزهای دوشنبه و پنجشنبه دارای ثواب زیادی است.

بیان چیزهایی که شکننده روزه نیست و یا هست، کفاره و قضا، یا قضای لازم می‌آید

مسئله ۸۱۴: اگر شخص روزه دار به فراموشی چیزی خورد یا نوشید یا جماع کرد روزه فاسد نمی‌شود اگر چه مکرراً این اعمال را انجام دهد.

مسئله ۸۱۵: اگر کسی را دید که به فراموشی می‌خورد یا می‌نوشد اگر آن شخص قوی الجثة می‌باشد بیاد آوردنش واجب است، و اگر ضعیف است که به واسطه روزه گرفتن اذیت می‌شود بیادش نیاورد و بگذارد که بخورد.

مسئله ۸۱۶: در روزه استعمال سرمه و روغن به سر و صورت و بوئیدن خوشبوئی‌ها جائز است، اگرچه بعد از استعمال رنگ سرمه از آب و اخلاط که از حلق بیرون می‌آید مشاهده شود.

مسئله ۸۱۷: اگر به حلق روزه دار مگس، یا دود و غبار رفت روزه فاسد نمی‌شود، و اگر قصد اینکار را بنماید فاسد می‌شود.

مسئله ۸۱۸: عنبر و غیره را دود کرد و در نزد خود گذاشت از بوئیدن آن روزه فاسد می‌شود و همچنین از کشیدن قلیان و انداختن نسوار.

مسئله ۸۱۹: اگر روزه دار دندان‌ها را خلال کرده آنچه میان دندان‌ها است بدون بیرون کردن از دهان فرو برد اگر اندازه نخودی یا بیشتر باشد روزه فاسد می‌شود، و اگر کم‌تر باشد فاسد نمی‌شود، و اگر از دهان بیرون آورد و بعدا فرو برد روزه فاسد می‌شود و هر اندازه که باشد.

مسئله ۸۲۰: از فرو بردن آب دهان روزه فاسد نمی‌شود هر اندازه باشد.

مسئله ۸۲۱: از پائین دادن خلط و آب بینی روزه فاسد نمی‌شود.

مسئله ۸۲۲: در وقت غرغره کردن آب پائین رفت و روزه هم در یاد بود روزه فاسد می‌شود، ولی در این مورد قضا واجب است نه کفاره.

مسئله ۸۲۳: اگر برای شخص روزه دار بخود قی آورد روزه فاسد نمی‌شود کم باشد یا زیاد، و اگر قصدا قی کرد در این صورت اگر کم باشد روزه فاسد نمی‌شود، و اگر اندازه پری دهان باشد روزه فاسد می‌شود و قضا لازم است نه کفاره.

مسئله ۸۲۴: اگر روزه دار پاره ای آهن یا شن یا چیزهایی که معمولا خورده نمی‌شود بعنوان دوا هم استعمال نمی‌گردد خورد روزه فاسد می‌شود، و آن روزه قضائی دارد و کفاره لازم نمی‌گردد.

مسئله ۸۲۵: کفاره فقط به شکستن روزه ماه رمضان واجب می‌شود.

مسئله ۸۲۶: اگر کسی در حالت روزه ناس ریخت، یا در گوش روغن بادام نمود، یا در مقعد شیاف نهاد، در همه صورت‌ها روزه فاسد می‌شود ولی قضاء لازم است نه کفاره، و اگر در گوش آب ریخت روزه فاسد نمی‌شود.

مسئله ۸۲۷: اگر دهان خونی شد و با آب دهان فرو برد اگر خون غالب است و مزه آن را معلوم کرد روزه فاسد است، و باید قضائی بجا آورد، و اگر خون غالب نبود و مزه آن را معلوم نکرد روزه فاسد نمی‌شود.

مسئله ۸۲۸: چشیدن غذا بدون فرو بردن روزه را فاسد نمی‌کند، البته بدون ضرورت نکردنش بهتر است.

مسئله ۸۲۹: نرم کردن غذا برای بچه به وسیله دهان در صورت عذر جائز است، و بدون عذر مکروه است.

مسئله ۸۳۰: مسواک کردن با مسواک طبیعی جائز است اگرچه تلخی آن معلوم شود و با مسواک مصنوعی مکروه است، و اگر از خمیر چیزی به حلق پائین رود روزه فاسد است و قضا لازم می‌آید.

مسئله ۸۳۱: اگر روزه دار به فراموشی خورد و خیال کرد که روزه‌اش فاسد شده بعد قصدا خورد قضا واجب است نه کفاره.

مسئله ۸۳۲: اگر قی کرد و گمان کرد که روزه فاسد گشته لذا قصدا می‌خورد یا می‌نوشد قضا واجب می‌شود نه کفاره.

مسئله ۸۳۳: اگر روزه دار سر مه به چشم کشید، یا رگ زد، یا روغن به سر و صورت مالید و گمان کرد که روزه فاسد گشته لذا قصدا خورد و یا نوشید قضا و کفاره هر دو لازم می‌گردد.

مسئله ۸۳۴: در ماه رمضان اگر اتفاقا روزه فاسد شد بقیه روز را نباید بخورد یا بنوشد.

مسئله ۸۳۵: اگر کسی در ماه رمضان نیت روزه نکرد و خورد فقط قضا واجب می‌شود.

مسئله ۸۳۹: اگر به زور با زنی جماع کرد یا در حالت خواب، یا دیوانگی روزه زن فاسد می‌شود و بر آن قضا لازم است نه کفاره، و اگر مرد روزه دار باشد قضا و کفاره لازم می‌گردد.

مسئله ۸۴۰: شخصی روزه دار که جماع یا لواط نماید به محض اینکه تا محل ختنه سورگاہ داخل شود چه منی خارج شود و چه نشود قضا و کفاره لازم می‌گردد.

مسئله ۸۴۱: کسی که به قلیان عادت داشت و یا برای فائده قلیان کشید روزه فاسد و قضا و کفاره لازم می‌شود.

مسئله ۸۴۲: اگر در حالت خواب احتلام شد، یا به واسطه نظر کردن به زن و یا به واسطه خیال و فکر منی خارج شد روزه فاسد نمی‌شود.

مسئله ۸۴۳: اگر به واسطه فراموش کردن روزه یا بخیال اینکه هنوز شب باقی است جماع شروع کرد بعد از یاد آمدن یا طلوع کردن صبح فوراً جدا شد روزه فاسد نمی‌شود و اگر چه منی بعداً خارج شود.

مسئله ۸۴۴: بوسه زدن زن و در بغل گرفتن آن در حالت روزه اگر خوف این است که: ممکن است نتواند خود را نگهداری نماید و جماع خواهد کرد مکروه است، و اگر بر خویشتن داری خود اعتماد داشت مکروه نیست.

مسئله ۸۴۵: گاز گرفتن و گزیدن لب زن به دهان و کشیدن آلت برهنه خود را به فرج برهنه زن در حالت ایمن بودن در نفس خود و غیر ایمن بودن مکروه است.

مسئله ۸۴۶: اگر شخص مقیم بعد از نیت روزه مسافر شد و بعد از مقداری رفتن به واسطه فراموش کردن اسبابی به خانه برگشت و در خانه روزه را خورد قضا و کفاره هر دو لازم می‌شود.

مسئله ۸۴۷: اگر به واسطه دیگری غیر از جماع کفاره بر روزه دار واجب شود هنوز کفاره را اداء نکرده کفاره دیگری واجب شد یک کفاره کافی است اگرچه در دو رمضان این اتفاق افتد، و اگر به واسطه جماع چند کفاره لازم آید اگر در یک رمضان است یک کفاره کافی است، و اگر در دو رمضان است یک کفاره کفایت نمی‌کند باید دو کفاره اداء شود.

احکام تزریق آمپول در ماه رمضان

مسئله ۸۴۸: هر چیزی که مفید اصلاح بدن باشد و از راه اصلی که عبارت از حلق و بینی است وارد معده، یا شکم، و مغز شود مفسد روزه است، لذا دواهایی که وسیله آمپول در بدن تزریق می‌شود اگر چه مفید اصلاح بدن است ولی چون به واسطه عروق یا گوشت بدن وارد بدن می‌شود اولاً داخل معده یا مغز نمی‌شود، و اگر بشود چون از منفذ اصلی وارد نشده بلکه به واسطه عروق گشته مفسد روزه نیست. و عده ای از علما معتقدند که تزریق آمپول مفسد روزه می‌باشد. و الله اعلم.

احکام قضا بجای آوردن روزه

مسئله ۸۴۹: روزه ماه رمضان بعد از قضا شدن هرچه زودتر قضا گرفته شود و در قضا بجای آوردن تاخیر نکند بلکه بدون عذر تاخیر کردن گناه است.

مسئله ۸۵۰: برای قضائی گرفتن تاریخ معلومی نیست بلکه هرچه زودتر بهتر، البته اگر از دو ماه رمضان قضا بر ذمه‌اش می‌باشد تعیین سال و ماه لازمی است.

مسئله ۸۵۱: در روزه قضائی نیت از شب لازمی است، و اگر بعد از طلوع صبح نیت کند نفل محسوب می‌شود و کفاره را نیز همین حکم است.

مسئله ۸۵۲: اگرچند روز قضا کرده مخیر است پی در پی متصلاً بگیرد یا بدون اتصال.

مسئله ۸۵۳: اگر روزه‌های قضائی را نگرفت و رمضان دومی آمد، اول روزه ادائی را بگیرد و بعد قضائی را.

مسئله ۸۵۴: اگر کسی در ماه رمضان نیت کرد بی‌هوش شد و از سه روز بیشتر این حالت ادامه پیدا کرد دو روز را باید قضائی بگیرد، و اگر در شب بی‌هوش شد نیز دو روز قضا بگیرد مگر که در شب نیت روزه نکرده باشد یا صبح دواء به حلقش ریخته باشند در این صورت هر سه روز را قضائی بگیرد.

مسئله ۸۵۵: اگر تمام ماه را بی‌هوش ماند باید همه ماه را قضائی بگیرد، البته اگر دیوانه شد مدت دیوانگی هر چند باشد قضائی ندارد.

تذکر: زن‌هایی که در ماه رمضان قرص‌های ضد حاملگی می‌خورند و در تمام ماه رمضان حیض نمی‌شوند روزه همه روز آن‌ها جائز است، و قضائی بر ذمه آنان نیست.

احکام کفاره

مسئله ۸۵۶: کفاره روزه رمضان این است که: اگر کسی یک روز به قصد، بدون مرض و عذرهای شرعی روزه را بخورد باید دو ماه پیاپی روزه بگیرد، و اگر در بین یک یا دو روز خورد باید دوماه را مجدداً روزه بگیرد، البته روزه‌های حیض برای زنان معاف است.

مسئله ۸۵۷: به واسطه نفاس از پیاپی گرفتن بازماند بعد از پاکی باید مجدداً پیاپی دو ماه را بگیرد.

مسئله ۸۵۸: اگر بعد از چند روزی که برای کفاره روزه گرفته ماه رمضان پیش آمد آن‌ها برای کفاره حساب نمی‌شود، باید بعد از ماه رمضان مجدداً دو ماه را پیاپی روزه بگیرد.

مسئله ۸۵۹: اگر طاقت روزه گرفتن را نداشت شصت مسکین را صبح و شام طعام بدهد تا خوب سیر شوند، و اگر در بین شصت مسکین بچه کوچک بود به تعداد آن‌ها باید بزرگ را طعام دهد.

مسئله ۸۶۰: در کفاره اگر نان گندم خالی باشد کافی است، و غیر نان گندم باید با خورش باشد.

مسئله ۸۶۱: اگر به شصت مسکین عوض طعام گندم داد جائز است، و به هر یکی مقدار صدقه فطر که تقریباً دو کیلو می‌باشد داده شود، و همچنین قیمت گندم و خرما و غیره جائز است.

مسئله ۸۶۲: اگر کسی را وکیل نمود که از طرفش کفاره بدهد و کفیل هم داد جائز است، و بدون وکالت اگر کسی بدهد جائز نیست.

مسئله ۸۶۳: اگر یک نفر مسکین را شصت روز طعام بدهد جائز است.

- مسئله ۸۶۴: پی در پی بودن در غذا شرط نیست، لذا اگر مسکینی را چند روز طعام داد و چند روز تعطیل کرد ولی شصت روز را کامل کرد جائز است.
- مسئله ۸۶۵: اگر مقدار کفاره یا قیمت آن را یک مرتبه به مسکین بدهد جائز نیست.
- مسئله ۸۶۶: اگر از مقدار صدقه فطر کم‌تر بدهد جائز نیست.

بیان فضائل سحری

- مسئله ۸۶۷: سحری خوردن سنت است، و اگر اشتها به غذا نبود چند دانه خرما یا میوه یا چیزی دیگر یا قدری آب بنوشد تا از ثواب سحری محروم نماند.
- مسئله ۸۶۸: اگر کسی سحری نخورد بلکه چند استکان چای نوشید ثواب سحری حاصل شد.
- مسئله ۸۶۹: سحری هر چه دیرتر میل گردد بهتر است، ولی اینقدر تاخیر نکند که وقت صبح پیش آید و در روزه‌اش اشتباه پیدا شود.
- مسئله ۸۷۰: اگر کسی بخواب ماند وقتی بیدار شد که فجر طلوع کرده خوردن روزه جائز نیست.
- مسئله ۸۷۱: تا وقتی که صبح صادق طلوع نکرده سحری جائز است.
- مسئله ۸۷۲: اگر خیال کرد هنوز شب است مشغول سحری خوردن شده بعدا معلوم شد که صبح است، یا خیال کرد که غروب کرده افطار کرد سپس معلوم شد که آفتاب غروب نکرده، در هر دو صورت به مثل روزه داران از خوردن و نوشیدن خودداری کند و قضا واجب است نه کفاره.
- مسئله ۸۷۳: خوردن و نوشیدن در موقع اشتباه طلوع یا غروب مکروه است.
- مسئله ۸۷۴: مستحب است به مجرد غروب کردن آفتاب روزه را بگشاید، و تاخیر مکروه است.
- مسئله ۸۷۵: افطار کردن به خرما سنت است، و اگر خرما نباشد به دیگر شیرینی با آب.

بیان چیزهائی که به واسطه آنها شکستن روزه جائز است

مسئله ۸۷۶: اگر کسی ناگهان مریض شد که اگر نخورد و ننوشد ترس هلاکت، یا ازدیاد مرض، و یا تاخیر در صحت می باشد شکستن روزه جائز است.

مسئله ۸۷۷: اگر تشنگی غلبه پیدا کرد که اگر آب ننوشد بمیرد شکستن روزه جائز است.

مسئله ۸۷۸: زن حامله وقتی که خوف هلاک شدن خود یا بچه را مشاهده کند خوردن روزه برایش جائز است.

بیان صورتهائی که به واسطه آنها روزه نگرفتن جائز است

مسئله ۸۷۹: مریض که به واسطه روزه گرفتن احتمال ازدیاد مرض یا تاخیر صحت باشد می تواند روزه نگیرد، لکن به محض تخمین و خیال این کار جائز نیست، بلکه باید دکتر حاذق مسلمان با دیانت بگوید که: روزه باعث ازدیاد مرض یا تاخیر صحت می شود، و اگر طبیب حاذق مسلمان با دیانت نباشد سخن آن معتبر نیست.

مسئله ۸۸۰: اگر طبیب چیزی نگوید ولی به تجربه و علائم معلوم می کند که به واسطه روزه مرض شدت پیدا می کند، و یا در صحت تاخیر می افتد، در این صورت جائز است که روزه نگیرد.

مسئله ۸۸۱: اگر مریض سالم شده ولی ضعف دارد و غالب گمان این است که اگر روزه بگیرد مجددا مریض می شود روزه نگیرد.

مسئله ۸۸۲: اگر مسافر است اختیار دارد که روزه را بخورد یا بگیرد، و در صورت خوردن قضا بیاورد.

مسئله ۸۸۳: در مسافرت اگر اذیت و مشقت پیش نمی آید و وسائل آسایش فراهم است در این صورت روزه گرفتن بهتر، و برعکس آن خوردن بهتر است.

مسئله ۸۸۴: اگر شخص مریض و مسافر در حالت مرض و سفر فوت کرد آنچه را خورده در آخرت به آن مواخذه نخواهد شد.

مسئله ۸۸۵: اگر شخصی ده روز مریض بود و پنج روز خوب شد ولی قضائی نگرفت و بعد فوت کرد پنج روز معاف است، و برای پنج روز مواخذه نخواهد شد.

مسئله ۸۸۶: اگر در مسافرت روزه را نگرفت و بعد از برگشت به خانه فوت شد به اندازه‌ای که در خانه بوده و در مقابل آن مواخذه می‌شود، و مناسب است که وصیت نماید تا ورثه فدیة پرداخت نمایند، و فدیة برای هر روز دو کیلو گندم است که باید به فقراء داده شود.

مسئله ۸۸۷: مسافر اگر در سفر نیت اقامت کرد خوردن روزه برایش جائز نیست، و اگر از مدت اقامت که پانزده روز می‌باشد کم‌تر نیت کند مختار است که روزه بگیرد یا نگیرد.

مسئله ۸۸۸: زن حامله و شیردهنده وقتی از خود یا بچه می‌ترسید روزه را بخورد و قضا بیاورد، و اگر شوهر زن ثروتمند باشد و در محل زن شیردهنده، یا غذایی که مناسب بچه است پیدا شود در این صورت زن حق خوردن روزه ندارد، مگر که بچه پستان غیر را نگیرد.

مسئله ۸۸۹: اگر کافری در بین روز مسلمان شد، یا صغیر بالغ، بقیة روز را از خوردن و نوشیدن خودداری کند، و اگر خوردند قضائی بر آنها لازم نیست.

مسئله ۸۹۰: اگر کسی در مسافرت نیت نگرفتن روزه را داشت ولی یک ساعت به بعد به خانه برگشت و مقیم شد، یا در این وقت نیت اقامت کرد و تاکنون چیزی نخورده و نوشیده حال نیت روزه می‌تواند بنماید.

مسئله ۸۹۱: شخص پیر و منحنی که طاقت روزه گرفتن را ندارد و مریض که از سلامتی آن تا آخر عمر امیدی نیست روزه نگیرند، بلکه فدیة بدهند برای هر روز دو کیلوگرم گندم، یا قیمت آن، یا یک فقیر را صبح و شام طعام بخوراند، و اگر فدیة یک روز را به چند مسکین بدهد جائز است.

مسئله ۸۹۲: اگر شخصی پیر و ضعیف قوی و نیرومند شد، یا بیمار جواب داده شده از طرف دکترها سلامتی خود را بازیافت، باید روزه را قضائی بجای آورند و در این صورتها فدیة جائز نیست.

مسئله ۸۹۳: اگر بر ذمه کسی چند روز قضائی بود و در وقت مردن وصیت کرد وصیت بعد از کفن و دفن از یک سوم مال آن نافذ و جاری می‌گردد، و اگر وصیت نکرد بلکه در حیات خود فدیة روزه را داد امید است خداوند متعال به کرم خود قبول فرماید، و بدون وصیت از مال خودش فدیة دادن جائز نیست.

مسئله ۸۹۴: اگر فدیة از یک سوم مال میت زیادتر بود با وجود وصیت بدون رضای وارثین دادن فدیة از مال آن جائز نیست، و در صورت رضایت رضای صغیر معتبر نیست حق صغیر را کاملاً باید اداء کند.

مسئله ۸۹۵: اگر وصیت کرد که: بر ذمه من چند وقت نماز است فدیة آن را بدهد، حکم آن نیز همین است.

مسئله ۸۹۶: اگر بر ذمه کسی زکات بود و در وقت مردن وصیت به دادن آن نمود، بر وارثین واجب است که بعد از کفن و دفن و ادای قرض از یک سوم مال آن زکات را اداء نمایند.

مسئله ۸۹۷: اگر کسی از طرف میت نماز خواند یا روزه گرفت جائز نیست، و از ذمه‌اش ساقط نمی‌شود.

مسئله ۸۹۸: بدون عذر روزه ماه مبارک رمضان را خوردن گناه کبیره می‌باشد، این فکر را نباید کرد که: می‌خورم و روزی روزه قضا می‌گیرم، چرا که در حدیث است: اگر تمام عمر را روزه بگیرد برابر یک روز ماه رمضان نمی‌شود.

مسئله ۸۹۹: اشخاص مسافر و مریض‌ها در انتظار مردم روزه را نخورند، و این سخن عوام الناس که هرچه از خدا پنهان نیست از مخلوق هم پوشیده نباشد لغو و بیهوده و پوچ است.

مسئله ۹۰۰: اگر بچه ای که هنوز به حد تکلیف نرسیده روزه گرفت و بعدا خورد قضائی ندارد، و اگر نیت نماز کرد و شکست باید نماز را دو مرتبه بخواند.

احکام اعتکاف

مسئله ۹۰۱: اعتکاف در لغت به معنی درنگ کردن، و اصطلاحاً به معنی اقامت گزیدن در مسجدی که نماز پنجگانه با جماعت در آن خوانده می شود با نیت و پاک بودن از حیض و نفاس و جنابت.

مسئله ۹۰۲: از بیان فوق دانسته شد که: برای اعتکاف سه چیز لازم است:

(۱) در مسجد جماعت نشستن.

(۲) به نیت اعتکاف در مسجد درنگ کردن و نشستن، لذا بدون اراده و نیت معتکف گفته نمی شود، و برای صحت نیت اسلام و عقل شرط است.

(۳) از حیض و نفاس و جنابت پاک بودن، لهذا زن در حالت حیض و نفاس و جنابت و مرد در حالت جنابت نمی تواند به اعتکاف بنشیند.

مسئله ۹۰۳: اعتکاف بر سه قسم است:

(۱) واجب.

(۲) سنت.

(۳) مستحب.

واجب عبارت از اعتکافی است که نذر کند، خواه معلق به شرط باشد مثل اینکه: نذر کند که اگر برادرم به سلامت از مسافرت آمد ده روز برای خدا اعتکاف می نشینم، یا غیر معلق به شرط، مثل اینکه نذر کند که برای خدا ده روز به اعتکاف می نشینم.

سنت مؤکده ده روز آخر ماه مبارک رمضان است، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله این ده روز را بالاتزام به اعتکاف می نشستند، ولی به ادای بعضی از ذمه دیگران ساقط می شود.

مستحب غیر از ده روز آخر ماه رمضان خواه در روز اول ماه باشد یا وسط یا در

ماه های دیگر.

مسئله ۹۰۵: برای اعتکاف واجب روزه شرط است، لذا اگر کسی به اعتکاف بنشیند روزه باید بگیرد اگرچه نیت نگرفتن روزه را بکند، به همین جهت اگر نیت اعتکاف شب را کرد لغو است، و اگر نیت اعتکاف روز را نمود شب بالتبع داخل است، و باید شبها را به اعتکاف بنشیند.

مسئله ۹۰۶: اگر کسی فقط نیت یک روز اعتکاف نمود شب داخل نمی شود.

مسئله ۹۰۷: در اعتکاف مسنون روزه هست، لذا شرط کردن روزه لازم نیست، البته در اعتکاف مستحب احتیاط شرط روزه است.

مسئله ۹۰۸: اعتکاف واجب حداقل باید یک روز باشد و بیشتر آن را حدی نیست، و اعتکاف سنت مؤکده ده روز آخر ماه رمضان است، و برای اعتکاف مستحب مقداری تعیین نیست یک روز، نصف روز، یک ساعت و یا کم تر باشد.

مسئله ۹۰۹: در حالت اعتکاف دو قسم کار حرام است، یعنی از ارتکاب آن واجب و سنت فاسد می شود، و باید قضائی گرفته شود، و اعتکاف مستحب خاتمه می یابد:

(۱) از محل اعتکاف بدون ضرورت بیرون شدن.

(۲) مقاربت با زن نمودن و بس و بازی کردن.

مسئله ۹۱۰: ضرورت هائی که معتکف می تواند برای آنها از محل اعتکاف بیرون شود و اعتکاف فاسد نمی شود بر دو قسم است:

(۱) طبعی، مثلاً ۱- توالی رفتن، ۲- غسل از جنابت نمودن، ۳- تهیه نمودن غذا در صورتی که کسی نباشد که برایش تهیه نماید.

(۲) ضرورت شرعی مثل اداء نماز جمعه.

مسئله ۹۱۱: بعد از اداء ضرورت شخص معتکف باید فوراً به مسجد محل اعتکاف خود برگردد، و اگر امام اعتکاف را در مسجد جامع گذرانید با کراهیت جائز است.

مسئله ۹۱۲: اگر به فراموشی محل اعتکاف خود را ترک نمود اعتکاف فاسد است.

مسئله ۹۱۳: ترک کردن محل اعتکاف به واسطه عذری که بسیار واقع نمی‌شود منافی اعتکاف است، مثلا بیعادت مریض رفتن یا برای نجات دادن غرق شونده، یا خاموش کردن آتش، یا از ترس افتادن سقف مسجد بیرون شدن در تمام این صورت‌ها بیرون شد گناه نیست، بلکه به واسطه حفاظت جان لازم است ولی اعتکاف فاسد می‌شود.

مسئله ۹۱۴: اگر شخص معتکف برای رفع و دفع ضرورت طبعی یا شرعی بیرون شد و قبل یا بعد از آن از مریض عیادت کرد یا به نماز جنازه رفت اشکالی ندارد.

مسئله ۹۱۵: برای اداء نماز جمعه طوری برود که تحیة المسجد و سنت را آنجا بخواند و بعد از اداء فرض برای خواندن سنت می‌تواند تعریف کند.

مسئله ۹۱۶: اگر بطور اجبار از محل اعتکاف بیرون کرده شد اعتکاف فاسد می‌شود، مثلا به واسطه جرم به حکم دادگاه دستگیر و به زندان برده شد.

مسئله ۹۱۷: اگر برای عذری شرعی یا طبعی از محل اعتکاف بیرون شد بعدا مریض شد یا دیگر پیشامدی کرد و در رفتن به محل اعتکاف تاخیر پیش آمد اعتکاف فاسد می‌شود.

مسئله ۹۱۸: در حالت اعتکاف مشغول شده به کارهای دنیوی برای ضرورت مکروه است، مثل تجارت و غیره، و با ضرورت جائز است، البته کالائی که فروخته می‌شود به مسجد آورده نشود.

مسئله ۹۱۹: در حالت اعتکاف بطور کلی خاموش نشستن مکروه تحریمی است. البته از سخنان زشت باید قطعاً پرهیز نماید، و اوقات خود را صرف قرآن خواندن، ذکر نمودن، نماز خواندن بنماید.

احکام زکات

کسی که ثروتمند باشد و زکات آن را اداء نکند در نزد خدا سخت گنهگار است، و در قیامت معذب خواهد شد.

پیغمبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: هر که دارای طلا و نقره باشد و زکات آن را ندهد آن طلا و نقره به آتش جهنم سرخ گردانیده می‌شود، و به وسیله آن‌ها پیشانی، و پهلو هر دو شانهاش داغ کرده می‌شود، و هرگاه سرد گردد مجدداً این عمل تکرار خواهد شد.

و نیز جناب رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند: به هر که خدا مال داد و زکات آن را اداء ننمود در قیامت مال آن به شکل ماری می‌گردد بسیار بد زهر و به گردن آن پیچیده هر دو لبش را می‌گزد و می‌گوید: من مال تو ام و خزینه تو ام، و آن را بدین صورت نکوهش می‌نماید.

مسئله ۹۲۰: زکات بر مال اشخاص:

- (۱) آزاد.
- (۲) مسلمان.
- (۳) عاقل.
- (۴) بالغ.
- (۵) مالک مقدار نصاب که در آینده بیان می‌شود.
- (۶) فارغ از قرض.
- (۷) فارغ از احتیاجات اصلی مثل لباس و منزل سکونت و غیره.
- (۸) نامی، یعنی قابل ازدیاد باشد فرض است، بنا بر شرط اخیر بر مال گم شده زکات فرض نیست.

مسئله ۹۲۱: بر تمام مال‌هائی که زکات بر آن‌ها واجب می‌شود خواه طلا و نقره باشد خواه گوسفند و گاو و شتر سال کرد شدن شرط است، و تا وقتی که سال تمام نشود بر مقدار نصاب زکات واجب نمی‌شود.

مسئله ۹۲۲: در گوسفند و گاو و شتر برای وجوب زکات سائمه بودن شرط است، و سائمه به حیوانی گفته می‌شود که: در آن دوش شرط یافته شود:

(۱) بیشتر سال را در بیابان چرا کند، و اگر نصف سال یا از نصف سال آخوربند باشد سائمه گفته نمی‌شود.

(۲) مقصود از نگهداری شیر و نسل و فرجهی باشد، و اگر مقصود گوشت یا سواری باشد سائمه گفته نمی‌شود، و در آن زکات واجب نمی‌گردد.

مسئله ۹۲۳: در اهلی بودن حیوانات و نا اهلی بودن آن مادر معتبر است، اگر مادر حیوان اهلی است آن هم اهلی، و اگر مادر غیر اهلی است آن هم غیر اهلی محسوب می‌گردد.

مسئله ۹۲۴: اگر حیوان سائمه باشد (یعنی بیشتر سال را در بیابان چرا کند) و در وسط سال به نیت تجارت صاحب آن‌ها را بفروشد زکات آن سال واجب نمی‌شود، بلکه از هنگام بیع وقتی که سال تمام شد زکات از قیمت آن داده شود.

مسئله ۹۲۵: بر بره‌ها، و بزغاله‌ها، و گوساله‌ها واجب نمی‌شود مگر که با آن‌ها بزرگی باشد، و باید همان بزرگ زکات داده شود، و اگر بعد از تمام شدن سال آن بزرگ بمیرد زکات ساقط می‌شود.

مسئله ۹۲۶: بر گاو و شتر و گوسفندهائی که وقف گردانیده شود زکات واجب نمی‌شود.

مسئله ۹۲۷: اسب‌ها وقتی که نر و ماده مخلوط باشد بر آن‌ها زکات واجب می‌شود، باید قیمت کرده شوند و از چهل تومان یک تومان زکات داده شود.

مسئله ۹۲۸: بر الاغ و قاطر اگر برای تجارت نباشد زکات نیست، و اگر برای تجارت است در قیمت آن‌ها مثل اسب زکات واجب می‌شود.

بیان زکات گوسفند

مسئله ۹۲۹: بز و میش دمدار باشد یا بی‌دم یکسانند.

مسئله ۹۳۰: گوسفند از چهل کم تر زکات ندارد و چون تعداد آن‌ها به چهل رسید و سائمه بودند یک گوسفند که عمر آن از سال کم تر نباشد نه اعلی و نه ادنی بلکه متوسط واجب می‌شود.

مسئله ۹۳۱: اگر در مقابل گوسفند متوسط یک گوسفند اعلی زکات داد و اضافه قیمت را از فقیر گرفت، و یا گوسفند پستی داد و اضافه قیمت را پرداخت کرد جائز است.

مسئله ۹۳۲: از چهل تا صد و بیست همین حکم است، یعنی یک گوسفند زکات دارند و در یک صد و بیست و یک دو گوسفند زکات داده شود تا دویست و شصت، و همینکه دویست و شصت یکی شد سه گوسفند زکات بدهد تا چهارصد، و همینکه به چهار صد رسید چهار گوسفند، و از آن به بعد بر هر یک صد یکی واجب می‌شود.

مسئله ۹۳۳: مستفاد، یعنی استفاده کرده شده با اصل حساب می‌شود و مقدار نیز بالا می‌رود، بره و بزغاله از جمله استفاده می‌باشند، مثلا اگر کسی هشتاد گوسفند داشت و هفتاد آن زائیده، بره‌ها و بزغاله‌ای کوچک با کلان‌ها حساب می‌شود، در صورت هشتاد یکی واجب بوده و در این صورت کوچک‌ها حساب گشته دو گوسفند واجب می‌شود، البته در اداء کردن زکات کوچک‌ها معتبر نیست باید از بزرگ‌ها داده شود.

احکام زکات شتر

مسئله ۹۳۴: بر کم تر از پنج شتر زکات واجب نیست، و بر پنج شتر یک گوسفند، و بر ده دو، و بر پانزده سه، و بر بیست، چهار گوسفند فرض است، تا بیست و چهار همین مقدار است، و بر بیست و پنج یک ماده شتری که سال اول آن تمام شده و در سال دوم قدم نهاده باشد لازم می‌گردد تا سی و پنج، و بر سی و شش یک شتر ماده که سال سوم آن شروع شده باشد لازم است که زکات داده شود تا چهل و پنج، و بر چهل و شش یک ماده شتری که سال چهارم آن شروع شده باشد لازم است تا شصت، و بر شصت و یک، ماده شتری که سال پنجم آن شروع گشته است لازم می‌گردد تا هفتاد و پنج، و بر هفتاد و شش، دو ماده شتر که سال سوم آن‌ها شروع شده باشد زکات لازم است که داده شود تا

نود، و بر نود و یک، دو ماده شتر که سال چهارم آن‌ها شروع شده باشد لازم است که زکات داده شود تا یکصد و بیست.

مسئله ۹۳۵: بعد از یکصد و بیست، بر هر پنج شتر یک گوسفند تا تعداد کل آن‌ها به صد و چهل و پنج برسد، و بر یکصد و چهل و پنج دو شتر حقه، و یک شتر بنت مخاص لازم است که زکات داده شود تا یکصد و چهل و نه، و بر یکصد و پنجاه، سه حقه واجب می‌شود، یعنی شتری که سال چهارم آن شروع شده باشد.

تبصره: بر این مقدار از زکات شتر اختصار شد و در صورت لزوم برای بیشتر از این از علماء سوال گردد.

مسئله ۹۳۶: در زکات شتر ماده باشد داده شود، و اگر شتر مذکر داد که قیمت آن مساوی قیمت ماده باشد جائز است.

مسئله ۹۳۷: شتر عربی و غیر عربی در مسئله زکات فرقی ندارند.

احکام زکات گاو

مسئله ۹۳۸: گاو، گاومیش در مسائل زکات فرقی ندارند و همچنین نر و ماده.

مسئله ۹۳۹: بر سی گاو، یک گاو که سال دوم آن شروع شده باشد واجب می‌شود، و بر چهل گاو، یک گاو که سال سوم آن شروع شده باشد تا شصت، و بر شصت گاو، دو گوساله که سال دوم آن شروع شده تا هفتاد، و بر هفتاد یک مسنه و یک تبع واجب می‌شود تا هشتاد، و بر هشتاد دو مسنه واجب می‌شود، و همچنین فرض زکات در هر ده از مسنه به تبع و از تبع به مسنه تغییر پیدا می‌کند.

تذکر: تبع گوساله‌ای می‌باشد که در سال دوم داخل شده، و مسنه آن است که: در سال سوم داخل گردیده است.

مسئله ۹۴۰: آنچه در میان سی و چهل و غیره می‌باشد بر آن‌ها زکات نیست.

مسئله ۹۴۱: برای دادن زکات در گاو فرقی بین نر و ماده نیست.

احکام زکات طلا و نقره و غیره

مسئله ۹۴۲: بر کم‌تر از بیست مثقال طلا زکات واجب نمی‌شود، و بر بیست مثقال بعد از گذشتن سال نیم مثقال واجب می‌شود. خواه طلا سکه دار باشد یا نه، و یا زیورآلات از قبیل دستینه و گوشواره و النگو و غیره باشد یا ظروف.

مسئله ۹۴۳: اگر از بیست، دو یا سه مثقال زیاد بود در زیادتی زکات نیست، و اگر چهار مثقال زیاد گشت دو قیراط واجب می‌شود، و به همین حساب تا آخر زکات داده شود.

مسئله ۹۴۴: اگر کسی تکه ای طلا داشت معتبر اکثریت است، یعنی اگر بیشتر آن طلا و کم‌تر غش است در حکم طلا خالص، و بالعکس در حکم غش است و زکات ندارد.

مسئله ۹۴۵: بر دویست درهم نقره که عبارت از یک صد و چهل مثقال است، سه و نیم مثقال زکات واجب می‌شود، و بر کم‌تر از این مقدار زکات واجب نمی‌شود.

مسئله ۹۴۶: اگر کسی دارای پانزده مثقال طلا و چند مثقال نقره است که قیمت نقره‌ها به قیمت پنج مثقال طلا می‌رسد، هر دو با هم جمع می‌شوند و گویا این شخص دارای بیست مثقال طلا است و زکات بیست مثقال را اداء کند.

مسئله ۹۴۷: اگر کسی دارای یک صد و بیست مثقال نقره است، و پنج مثقال طلا که قیمت آن مساوی قیمت بیست مثقال نقره می‌شود باید زکات یک‌صد و چهل مثقال نقره را بدهد.

مسئله ۹۴۸: اگر کسی دارای بیست مثقال طلا است و در آخر سال چهار مثقال از جهتی به آن افزوده شد، مثلاً ارث گرفت، یا کسی به او بخشید حساب چهار مثقال از حساب اصل جدا نیست، بلکه هرگاه سال بیست مثقال تمام شد در آن وقت حساب چهار مثقال را هم اداء کند.

مسئله ۹۴۹: غیر از طلا و نقره دیگر چیزها هرچه باشد مثل آهن، برنس، گلت، مس و غیره و اسبابی که از این‌ها ساخته شده، و همچنین لباس و فرش و رختخواب، اگر برای

تجارت است و قیمت آن برابری قیمت بیست مثقال طلا، یا یکصد و چهل مثقال نقره است بعد از گذشتن سال زکات آن‌ها را باید بدهد، و اگر به قیمت این نصاب نمی‌رسد زکات واجب نیست، و اگر برای تجارت نیست جزء اثاثیه خانه حساب می‌شود و زکات ندارد، اگر چه در سال یک مرتبه لازم شود.

مسئله ۹۵۰: اگر کسی دارای چند منزل است، و آن‌ها را به کرایه می‌دهد در منازل زکات نیست اگرچه قیمت آن‌ها بسیار باشد، البته در آمد آن‌ها در آخر سال با پولهای دیگری که دارد حساب می‌شود اگر موجود باشد، و همچنین است حکم ظروف کرایه ای.

مسئله ۹۵۱: در لباس پوشیدن هرچند گران باشد زکات نیست، مگر طلا باشد یعنی: مزین به طلا و نقره باشد، و آن به مقدار نصاب برسد آن وقت زکات آن‌ها واجب می‌شود.

مسئله ۹۵۲: اگر کسی دارای چند مثقال طلا و چند مثقال نقره و مقداری اسباب تجارت است که بعد از قیمت گذاری قیمت همه به حد نصاب می‌رسد، باید زکات از آن‌ها بپردازد.

مسئله ۹۵۳: وسائل سوداگری یا تجارت به آن اسبابی گفته می‌شود که: به نیت تجارت و معامله خریداری می‌شود، و اگر برای منزل خود خوار و بار خرید مثل قند، برنج، چای و غیره، و بعدا قصد کرد آن‌ها را بفروشد در قیمت آن‌ها زکات واجب نمی‌شود.

مسئله ۹۵۴: صاحب زکات اگر پیش از اتمام سال زکات را بدهد جائز است، و همچنین اگر زکات چند سال را بدهد.

مسئله ۹۵۵: اگر کسی صاحب نصاب نیست ولی احتمال بدست آمدن نصاب است لذا پیش از بدست آمدن نصاب زکات را می‌دهد زکات اداء نمی‌شود، بلکه بعد از وصول و گذشتن سال باید زکات را بدهد.

مسئله ۹۵۶: در صورتی که زکات چند سال را اداء کرده بعد بر مقدار افزوده شده زکات مازاد را باید بدهد.

مسئله ۹۵۷: اگر کسی دارای ده هزار تومان است و امید رسیدن ده هزار تومان دیگر را دارد، و زکات همه را پیش از وصول می‌دهد جائز است.

مسئله ۹۵۸: اگر کسی بعد از تمام شدن سال زکات را نداد و همه مال آن هلاک شد از زکات معاف است.

مسئله ۹۵۹: اگر خود شخص به اراده و اختیار خود مال خود را هلاک کرد از زکات معاف نمی‌شود.

مسئله ۹۶۰: اگر بعد از تمام شدن سال همه مال خود را خیرات کرد از زکات معاف می‌شود.

مسئله ۹۶۱: اگر نصف مال بعد از اتمام سال هلاک شد زکات باقیمانده واجب است، و هلاک شده معاف می‌باشد.

بیان مسائل متفرقه زکات

مسئله ۹۶۲: اگر مال حلال و حرام را بهم مخلوط کرد زکات را باید بدهد، یعنی حرام بودن مقداری از مال مانع زکات نیست.

مسئله ۹۶۳: اگر شخص بعد از واجب شدن زکات فوت کرد از مال آن زکات داده نشود، و اگر وصیت کرد از یک چهارم زکات داده شود اگر چه کفایت نکند و اگر وارثین به میل خود از یک چهارم بیشتر برای زکات دادند جائز است.^۱

مسئله ۹۶۴: اگر بعد از گذشت سال طلبکار طلب خود را به مقروض بخشید زکات آن سال را بدهکار ندهد، ولی اگر مقروض ثروتمند باشد این بخشش در حکم استهلاک است و باید زکات آن سال را بدهد.

۱- باید از یک سوم باید می‌بود. (مصحح)

مسئله ۹۶۵: علاوه از صدقات فرض و واجب، صدقات نفلی موقعی جائز است که از ضروریات خود و اهل و عیال اضافه مال داشته باشد، اگر نه مکروه است.

مسئله ۹۶۶: اگر دختر صغیره را به نکاح دادند و به خانه شوهر رفت، اگر ثروتمند است از مال خود آن صدقه فطر واجب می شود، و اگر ثروتمند نیست و قابل خدمت و موانست شوهر است صدقه فطر نه بر شوهر و نه بر خود آن واجب است، و اگر قابل خدمت و موانست شوهر نیست صدقه فطر بر ذمه پدر است.

مسئله ۹۶۷: پول نقد هرگاه به اندازه قیمت یک صد و چهل مثقال نقره رسید شخص صاحب نصاب گفته می شود، و پس از سالگرد قیمت سه و نیم مثقال نقره را بپردازد. مثلا اگر نقره مثقالی بیست تومان است وقتی از پول نقد شخص صاحب نصاب گفته می شود که قیمت یک صد و چهل مثقال آن را دارا باشد، مثلا دو هزار و هشتصد تومان داشته باشد، وقتی بر دو هزار و هشتصد تومان یک سال گذشت هفتاد تومان زکات لازم می شود.

احکام عشر

مسئله ۹۶۸: زمین دو قسم است:

(۱) عشری.

(۲) خراجی.

زمین عشری: عبارت از زمینی است که مسلمانها آن را از کفار به قدرت و غلبه گرفته و در میان افراد مسلمان آن را تقسیم نموده اند، یا اهل آن سرزمین به میل و رغبت خود اسلام آورده اند.

و خراجی: عبارت از زمینی است که بعد از غلبه مسلمانان آن را به خود ساکنین واگذار کرده و از آنها جزیه گرفته اند.

مسئله ۹۶۹: در صورت نامعلوم بودن حالت اولیه منطقه زمین اگر بطور ارثی از مسلمانی به مسلمان دیگر انتقال یافته این زمین عشری است، و اگر در دست کفار است یا از کافری خریداری شده است خراجی است.

مسئله ۹۷۰: زمین عشری که محصول آن فقط به آب باران بدست می‌آید و احتیاجی به آبداری و کود و غیره ندارد عشر کامل واجب می‌شود، و اگر از آب قنات و چاه عمیق و غیره آب داده می‌شود و احتیاج به کود و زحمات دارد نصف عشر واجب می‌شود.

مسئله ۹۷۱: در هر دو نوع زمین هرگونه محصولی بدست آید اگر از آب باران باشد عشر، و اگر از آب قنات و چاه باشد نصف عشر واجب می‌گردد، کم باشد یا زیاد هر چه می‌خواهد باشد.

مسئله ۹۷۲: در زمین عشری، یا کوه، یا جنگل اگر زنبور عسل تولید عسل کرد بر آن عشر واجب می‌گردد.

مسئله ۹۷۳: اگر کسی در میان منزل خود درخت یا سبزیجات دیگر کاشت، در آن عشر واجب نمی‌شود هر چند باشد.

مسئله ۹۷۴: اگر کافری زمین عشری را از مسلمانی خرید عشریت آن بر طرف می‌شود، و اگر بعدا بدست مسلمان‌ها افتد عشری نخواهد گشت.

مسئله ۹۷۵: اگر زمین عشری به وسیله زارع کاشته می‌شود عشر بر زارع و مالک هر دو واجب می‌شود، و اگر زمین بدست اجاره کننده است عشر بر اجاره کننده واجب است نه اجاره دهنده.

بیان اشخاصی که دادن زکات به آنها جائز است

مسئله ۹۷۶: کسی که دارای یک صد و چهل مثقال نقره یا بیست مثقال طلا یا قیمت آنها را از مال تجارت است و این اضافه از احتیاجات آن است، در اصطلاح شریعت غنی و ثروتمند گفته می‌شود، و بر آن زکات دادن جائز نیست، و کسی که این مقدار مال

ندارد بلکه کم تر یا قطعا مالی ندارد، در اصطلاح شریعت فقیر گفته می شود، و زکات گرفتن برایش جائز است.

مسئله ۹۷۷: فرش و ظروف که گاهی مورد استعمال خودش قرار می گیرد از جمله لوازمات است، و اگر مورد استعمال خود آن قرار نمی گیرد ولی به همسایه و خویشاوندان داده می شود، از جمله ضروریات و لوازمات محسوب نمی شود.

مسئله ۹۷۸: منزل شخصی، لباس، وسائلی که به آنها احتیاج می افتد و همچنین خدمتکار وسیله سواری جزء لوازم خانگی است، و در بودن آنها شخص مالدار گفته نمی شود، هر چند که قیمت آنها باشد، و همچنین کتب دینی جزء لوازمات محسوب است.

مسئله ۹۷۹: شخص دارای چند منزل یا چند قطعه زمین است که آنها را به اجاره داده و از اجاره آنها تامین مخارج زندگی می کند، و علاوه از آن دیگر مالی که زکات بر آن واجب شود ندارد، این شخص مالدار محسوب نمی شود.

مسئله ۹۸۰: کسی دارای پنج هزار تومان یا بیشتر پول است و به همین اندازه قرض دارد، گرفتن زکات برایش جائز است.

مسئله ۹۸۱: شخص در محل خود ثروتمند است، اتفاقا در حالت سفر مخارج و هزینه سفر تمام گشته و به خانه دسترسی ندارد، گرفتن زکات برایش جائز است، سفر هر سفری باشد.

مسئله ۹۸۲: دادن زکات، و صدقه فطر، و نذورات، و کفارات به کافر جائز نیست، و بقیه خیراتها جائز است.

مسئله ۹۸۳: دادن پول زکات در هر مورد که تسلیم شخص مستحق نشود جائز نیست، مثل ساختن مسجد، و کفن کردن میت، و دادن قرض آن، و ساختن حمام و سقایه و غیره.

مسئله ۹۸۴: اگر پول زکات به مستحق داده شد و مستحق به میل خود آن را در کارهای خیریه مصرف کرد جائز است.

مسئله ۹۸۵: به اولاد کوچک شخص ثروتمند زکات جائز نیست، و به اولاد بزرگ جائز است به شرطی که خودش فقیر باشد اگر چه پدر ثروتمند است.

مسئله ۹۸۶: به اولاد کوچک شخص ثروتمند زکات جائز نیست و به اولاد بزرگ جائز است به شرطی که خودش فقیر باشد اگر چه پدر ثروتمند است.

مسئله ۹۸۷: به مزدور و خادم خانه زکات جائز است به شرطی که از حقوق آنها کاسته نشود.

مسئله ۹۸۸: دادن زکات به اولاد رضاعی که از لحاظ شیرخوارگی بچه اش می شود جائز است.

مسئله ۹۸۹: اگر زنی مهریه اش زیاد است ولی شوهر فقیر است که قدرت اداء آن را ندارد، گرفتن زکات برایش جائز است، و اگر توانائی اداء را دارد جائز نیست، و در صورت قدرت اداء اگر انکار می ورزد از دادن به زن، یا زن مهریه خود را به شوهر بخشیده، زن می تواند زکات بگیرد.

مسئله ۹۹۰: شخصی را مستحق دانسته به آن زکات داد، بعدا معلوم شد که مستحق نبوده، یا در شب تاریک داد و روز معلوم شد که پدر، یا مادر، یا فرزندش بوده زکات اداء گردید، و احتیاج به اداء مجدد نیست.

مسئله ۹۹۱: اگر نسبت به استحقاق شخصی مشتبه بود پیش از تحقیقات به آن زکات بدهد.

مسئله ۹۹۲: در دادن زکات و خیرات ها از همه مقدم تر اقرباء و خویشاوندان است، و در وقت دادن نیت قلبی و قلبی کافی است، و به زبان نگوید تا باعث شرمندگی نشود.

مسئله ۹۹۳: دادن زکات شهری یا روستائی به شهر و روستائی دیگر مکروه است، مگر اینکه در شهر و روستا دیگر خویشاوندان داشته باشد تا فقراء آن محتاج تر باشند، تا در آنجا علماء و طلبا دینی موجودند که در همه این صورت ها انتقال زکات مکروه نیست.

احکام صدقه فطر

مسئله ۹۹۴: اگر کسی دارای این اندازه مال باشد که زکات بر آن واجب شود، یا اگر این اندازه ندارد ولی اضافه از لوازم و ضروریات زندگی روزمره وسایلی دارد که قیمت آن اندازه یک صد و چهل مثقال نقره باشد، بر این چنین شخصی صدقه فطر واجب می‌شود، فرق نمی‌کند که مال تجارت باشد یا نه، سال بر آن بگذرد یا نگذرد.

مسئله ۹۹۵: کسی دارای منزل یا وسائلی است که اگر فروخته شود قیمت آن‌ها زیاد است، ولی این منازل برای خودش لازم است تا به اجاره داده و از پول اجاره تامین زندگی می‌کند، و همچنین آن اسباب و وسائل برای خودش لازم است، برای چنین شخصی صدقه فطر واجب نمی‌شود.

مسئله ۹۹۶: اگر کسی دو منزل دارد یکی برای خودش و دیگری را به اجاره داده، دومی از جمله لوازم و ضروریات نیست، و بر آن شخصی صدقه فطر واجب می‌شود بشرطی که تامین زندگی از اجاره آن نباشد، و إلا از جمله لوازمات زندگی است، و صدقه فطر بر آن واجب نیست.

مسئله ۹۹۷: کسی دارای وسائل اضافه از ضروریات است ولی در عین حال قرضدار است، در اینصورت بعد از کنار گذاشتن قرض اگر به اندازه زکات بماند صدقه فطر واجب است.

مسئله ۹۹۸: بعد از طلوع صبح روز عید صدقه فطر واجب می‌شود، لذا اگر کسی پیش از طلوع فوت کرد، یا بعد از طلوع متولد شد، بر آن‌ها صدقه فطر واجب نمی‌شود، و اگر بچه ای پیش از طلوع دنیا آمد بر پدرش لازم است که از طرف بچه صدقه فطر بدهد.

مسئله ۹۹۹: بهتر است که در وقت رفتن برای نماز عید صدقه داده شود، و اگر پیش از روز عید فطر در ماه رمضان صدقه را داد یا بعد از عید اداء کرد جائز است.

مسئله ۱۰۰۰: اگر کسی در روز عید صدقه فطر را نداد از ذمه‌اش ساقط نمی‌شود، بلکه همیشه از طرف شریعت مسئول پرداخت است.

مسئله ۱۰۰۱: صدقه فطر را از طرف خود و اولاد صغیر خود اداء نماید، زن باید خودش اداء نماید و اگر شوهر از طرفش اداء کرد جائز است.

مسئله ۱۰۰۲: اگر اولاد صغیر تا حد نصاب مالدارند از ثروت خودشان صدقه فطر داده شود.

مسئله ۱۰۰۳: صدقه فطر بر کسی که روزه گرفته یا نگرفته واجب است و فرقی ندارد.

بیان مقدار صدقه فطر

مسئله ۱۰۰۴: صدقه فطر از گندم و آرد آن دو کیلو، و از جو و آرد آن چهار کیلو، و نیز از خرما چهار کیلو لازم است که از طرف هر شخص به مستحق آن پرداخت گردد، و اگر از دیگر اجناس خواسته باشد بدهد این اندازه باید بدهد که قیمت آن به اندازه قیمت دو کیلو گندم برسد.

مسئله ۱۰۰۵: صدقه فطر یک نفر یا چند نفر را به یک مسکین دادن جائز است، ولی صدقه یک نفر را به چند نفر مسکین دادن اختلاف است.

مسئله ۱۰۰۶: مستحق صدقه فطر اشخاصی هستند که مستحق زکات بودند، یعنی به هر کسی دادن زکات جائز بود، دادن صدقه فطر نیز جائز است.

احکام قربانی

قربانی نمودن ثواب بسیار دارد، پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند که: در روزهای قربانی بعد از عبادات فریضه هیچ عبادتی اینقدر مقبول و پسندیده در بار الهی نیست، و بیش از رسیدن قطرات خون به زمین مقبول درباره پروردگار می‌گردد.

لذا با شوق زیاد و دل پر وسعت قربانی کنید. و نیز رسول اکرم ﷺ فرموده‌اند: به اندازه موهای بدن مذبوحه ثواب داده می‌شود.

پس برای حصول این اندازه ثواب کسی که قربانی بر او واجب نیست اگر قربانی کند، کاری است بجا. و در وقت ذبح قربانی باید پیشانی آن را بطرف قبله نموده این دعا را بخواند:

«إِنِّي وَجْهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي، وَنُسُكِي، وَمَحْيَايَ، وَمَمَاتِي، لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ. اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ».

به تحقیق که من متوجه ساختم روی خود را برای آن ذاتی که آسمانها و زمینها را خلق کرده است، درحالی که مائلم از همه ادیان باطل به دین حق و از مشرکین نیستم. به تحقیق که نماز من، و افعال حج من، و زندگی و مرگ من از آن خداست که پروردگار جهانیان است، نیست شریکی مر او را، و به این دستور داده شده‌ام، و من از جمله مسلمینم. ای خدایا این قربانی از تو می‌باشد، و برای رضای تو می‌باشد.

بعدا از آن «بِسْمِ اللَّهِ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ» گفته و ذبح نماید، و بعد از ذبح کردن این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ تَقَبَّلْهُ مِنِّي كَمَا تَقَبَّلْتَ مِنْ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَخَلِيلِكَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَام».

ای خدایا! قبول فرمای از من مثلی که قبول فرمودی از دوست خود حضرت محمد ﷺ و دوست خود حضرت ابراهیم علیهما السلام.

مسئله ۱۰۰۷: بر اشخاصی که صدقه فطر واجب بود قربانی نیز واجب است، و اگر قربانی واجب نبود و قربانی کرد کاری نیکو و مزد بسیار بدست آورده.

مسئله ۱۰۰۸: بر مسافر قربانی واجب نیست.

بیان اوقات قربانی

مسئله ۱۰۰۹: در ماه ذی الحجة از اول بامداد روز دهم، یا شام روز دوازدهم قربانی جاز است، شب باشد یا روز، ولی در روز بهتر است بخصوص روز دهم که اول وقت است.

مسئله ۱۰۱۰: در جاهائی که خواندن نماز عید واجب است قبل از انجام مراسم نماز قربانی کردن جاز نیست، و در جاهائی که نماز واجب نیست بعد از طلوع صبح روز دهم قربانی کردن جاز است.

مسئله ۱۰۱۱: اگر کسی در شهر زندگی می‌کند، و قربانی خود را به روستائی می‌فرستد که بعد از طلوع و کالتا از طرف آن قربانی کنند جاز است.

مسئله ۱۰۱۲: در روز دوازده ذی الحجة تا موقعی که غروب نکرده قربانی جاز است، و بعد از غروب جاز نیست.

مسئله ۱۰۱۳: اگر کسی در روز دهم و یازدهم مسافر بود، و در روز دوازدهم ذی الحجة مقیم گردید، یا در روز اول مسکین بود و در روز سوم غنی گردید، بر این شخص قربانی واجب است.

مسئله ۱۰۱۴: شخصی که خودش ذبح کردن را یاد دارد بهتر است که قربانی خود را شخصا ذبح نماید، و اگر نمی‌داند کسی را دستور دهد و خودش در آنجا باشد.

مسئله ۱۰۱۵: نیت کردن یا دعا خواندن در موقع قربانی نمودن به زبان لازم و واجب نیست، بلکه این قدر در دل آگاهی داشته باشد که محض رضای خدا قربانی می‌کنم کافی است، البته اگر دعای ذکر شده را یاد داشت و خواند بهتر است.

مسئله ۱۰۱۶: قربانی فقط از طرف خود آن واجب است، نه از طرف اولاد یا کسی

دیگر.

بیان حیواناتی که قربانی کردن آنها جائز است

مسئله ۱۰۱۷: حیواناتی که قربانی کردن آنها جائز است عبارتند از:

- (۱) بز.
- (۲) میش.
- (۳) شتر.
- (۴) گاو، و گاومیش.

مسئله ۱۰۱۸: برای قربانی سن گوسفند از یکسال کم تر نباشد، ولی اگر بره از شش ماه بیشتر عمر داشت و جثه اش به اندازه یک ساله بود جائز است، گاو، و گاومیش از دو سال کم تر نباشد و شتر از پنج سال.

مسئله ۱۰۱۹: در گاو و شتر اگر هفت نفر شریک شوند جائز است، ولی باید نیت و مقصد همه رضای خدا باشد، و حصه هریک از یک هفتم کم تر نباشد، و اگر نیت یک رضای خدا نبود بلکه گوشت خوری یا حصه یکی از هفت نفر از یک هفتم کم تر بود قربانی جائز نیست.

مسئله ۱۰۲۰: اگر بجای هفت نفر در شتر و گاو پنج نفر شرکت کردند در صورتی که شرائط ذکر شده موجود باشد جائز است.

مسئله ۱۰۲۱: اگر در موقع خریدن شتر و گاو اراده شرکت را داشت، و بعد چند نفر شریک شدند جائز است، و اگر اراده شرکت را نداشت بعد از خریدن شرکت داد، اگر خریدار ثروتمند است و قربانی بر او واجب است شرکت دادن جائز است، و اگر فقیر است قربانی بر او واجب نیست شرکت دادن غیر جائز است.

مسئله ۱۰۲۲: اگر حیوان که برای قربانی تهیه نموده است مفقود شد، و بعوض دیگری را خرید و بعد اولی پیدا شد، اگر شخص ثروتمند است قربانی کردن یکی واجب است، و اگر فقیر است قربانی کردن هر دو واجب می باشد.

بیان عیب‌هایی که به واسطه آن‌ها قربانی کردن حیوان جائز نیست

مسئله ۱۰۲۳: هر حیوانی که کور، یا کر، یا یک چشم باشد یا بیشتر نور چشم آن، و یا بیشتر گوش آن، یا دنبه آن از بین رفته قربانی کردن آن جائز نیست.

مسئله ۱۰۲۴: هر حیوانی که لنگ باشد بطوری که به سه دست و پا راه برود، و چهارمی را به زمین نگذارد قربانی کردن آن جائز نیست، و اگر چهارمی را به زمین می‌گذاشت ولی لنگان لنگان راه می‌رفت جائز است.

مسئله ۱۰۲۵: حیوان لاغر که مغز استخوان آب شده باشد جائز نیست، و اگر به این حد نرسیده جائز است، ولی قربانی کردن فربه و چاق بهتر است.

مسئله ۱۰۲۶: اگر تمام دندان‌های حیوان ریخته قربانی کردن آن جائز نیست، و اگر بیشتر دندان‌ها باقی است جائز است.

مسئله ۱۰۲۷: اگر حیوان خلقتاً گوش ندارد قربانی کردن آن جائز نیست، و اگر گوش‌های کوچکی دارد جائز است.

مسئله ۱۰۲۸: اگر مادرزادی شاخ ندارد یا داشته ولی شکست و از بیخ بیرون نیامده قربانی کردن آن جائز است، و اگر از بیخ و بن شکسته جائز نیست.

مسئله ۱۰۲۹: حیوان خصی، و میش که از لحاظ خلقت دم ندارد قربانی کردن آن جائز است، و همچنین حیوانی که به مرض جرب (گری) مبتلا است، اگر به واسطه این مرض لاغر شده است جائز نیست، و اگر لاغر نشده است جائز است.

مسئله ۱۰۳۰: اگر به نیت قربانی حیوانی خرید بعدا عیب دار شد، اگر ثروتمند است دیگری بخرد و قربانی کند، و اگر فقیر است همین را قربانی کند.

مسئله ۱۰۳۱: شخص می‌تواند گوشت قربانی را هم خود بخورد یا به اقرباء و همسایگان خود مقداری بدهد.

مسئله ۱۰۳۲: پوست قربانی یا قیمت آن را خیرات بدهد، و از پول گوشت یا پول پوست قربانی تعمیر مساجد و دیگر بقعه‌ای خیر جائز نیست.

مسئله ۱۰۳۳: اگر خود پوست را به مصرف خود برساند به اینطور که مشک یا فرش بسازد جائز است.

مسئله ۱۰۳۴: مزد ذبح کننده را از پوست و گوشت قربانی ندهد.

مسئله ۱۰۳۵: اثاثیه‌ای که تعلق به آن حیوان دارد از قبیل ریسمان، و نوشتن باید خیرات شود.

مسئله ۱۰۳۶: شخصی که قربانی بر آن واجب نبود به نیت قربانی گوسفندی خرید، بعد از خریداری قربانی کردن آن واجب می‌شود.

مسئله ۱۰۳۷: بر کسی که قربانی واجب بود و در ایام متعینه قربانی نکرد باید در روزهای بعدی قیمت گوسفند یا عین آن را در صورت خریداری شدن خیرات بدهد.

مسئله ۱۰۳۸: اگر کسی نذر کرد که: اگر فلان کار من عملی شود برای خدا گوسفندی خیرات خواهم کرد، و بعد از عملی شدن نذر واجب می‌گردد، و باید به آن وفا کند، و گوشت حیوان نذر کرده شده را باید به فقراء و مساکین بدهد.

مسئله ۱۰۳۹: اگر کسی به میل خود جهت رضای خدا برای رسیدن ثواب به اموات گوسفندی را قربانی کرد از گوشت آن غنی و فقیر می‌توانند استفاده نمایند و اگر به وصیت میت این کار را کرد فقط فقراء و مساکین می‌توانند از گوشت آن استفاده کنند.

مسئله ۱۰۴۰: بدون اجازه از طرف کسی قربانی کردن جائز نیست، و همچنین شرکت غائب بدون اجازه آن صحیح نیست.

مسئله ۱۰۴۱: اگر حیوانی را بدست کسی بالمناصفه و غیره داده که جمع‌آوری و چاق کند، این قرارداد جائز نیست، و آن شخص اجیر گفته می‌شود، لذا خریدن حیوان از آن بدون اجازه مالک برای قربانی جائز نیست.

مسئله ۱۰۴۲: اگر در گاو و شتر چند نفر شرکت کردند و تمامی گوشت را خام یا پخته خیرات نمودند جائز است، و در صورت تقسیم حتماً به وسیله ترازو باید تقسیم شود.

مسئله ۱۰۴۳: گوشت قربانی را به کفار دادن جائز است.

مسئله ۱۰۴۴: حیوان حامله را قربانی کردن جائز است، و اگر بره یا بزغاله و غیره بعد از ذبح مادر زنده باقی ماند آن را نیز باید قربانی نماید.

احکام عقیقه

مسئله ۱۰۴۵: کسی که خداوند متعال اولادی به آن عطا کند پسر باشد یا دختر بهتر است که در روز هفتم نامگذاری کرده عقیقه بدهد، و از دادن عقیقه طبق روایات بچه از همه بلیات به امر پروردگار محفوظ می‌گردد.

مسئله ۱۰۴۶: طرز عقیقه این است که: اگر پسر باشد دو گوسفند و اگر دختر باشد یک گوسفند ذبح نماید، و اگر در گاو و شتر شرکت کند برای پسر دو حصه و برای دختر یک حصه شریک شود، و در همان روز موی سر آن را تراشیده و هم وزن آن طلا و یا نقره خیرات بدهد.

مسئله ۱۰۴۷: اگر در روز هفتم عقیقه نکرد بهتر است روزی را انتخاب کند که روز هفتم باشد.

مسئله ۱۰۴۸: هر حیوانی برای قربانی جائز بود برای عقیقه جائز، و هرچه برای قربانی جائز نبود برای عقیقه نیز جائز نیست.

مسئله ۱۰۴۹: گوشت عقیقه را خام خیرات کند یا پخته، دعوتی به خوردن بدهد برای همه جائز است.

مسئله ۱۰۵۰: اگر کسی توانائی دو گوسفند را نداشت یکی عقیقه کند، و اگر قطعاً عقیقه نکرد حرجی نیست.

بیان احکام حج

مسئله ۱۰۵۱: کسی که از ضروریات زندگانی خود به اندازه‌ای اضافه داشت که بتواند به وسیله آن مراسم وقت سفر حج را انجام دهد، و مخارج رفتن و بازگشتن را طبق مقررات روز آماده نماید، و تا موقع برگشتن به وطن مخارج عیال و اولاد و غیره را تحویل آن‌ها دهد، و در عین حال اجازه مسافرت داشته و امن طریق باشد، و بر این چنین شخص حج واجب می‌گردد. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: هرکس که قدرت شرعی بر مسافرت حج داشته باشد و حج نکند و بمیرد، نمی‌دانم به دین یهود یا نصاری خواهد مرد.

مسئله ۱۰۵۲: ضروریات زندگی عبارت از منزل مناسب حال، و وسائلی که برای منزل لازم است طبق مقررات زمان، و مرکب سواری، و در صورتی که دامدار است دام‌ها از جمله ضروریات زندگی است، و اگر تاجر است سرمایه تجارت، و اگر زارع است زمین و وسایل زراعت جزء ضروریات زندگی محسوب می‌گردد.

مسئله ۱۰۵۳: در تمام عمر یک مرتبه حج فرض است.

مسئله ۱۰۵۴: اگر کسی در حال طفولیت حج کرده و بعد از بلوغ ثروتمند شد که حج بر آن فرض گردد باید فرض را بجا آورد، و آنچه در کودکی انجام داده اعتبار ندارد.

مسئله ۱۰۵۵: بر نابینا حج فرض نیست اگر چه غنی و ثروتمند باشد.

مسئله ۱۰۵۶: وقتی حج فرض شد در همان سال حج کردن واجب است، و بدون عذر تاخیر کردن گناه است.

مسئله ۱۰۵۷: برای زن بودن محرم در مدت سفر شرط است، و اگر محرم نداشته باشد حج فرض نمی‌گردد.

مسئله ۱۰۵۸: محرم عبارت است از شوهر، یا هر کسی که ذی رحم محرم باشد، یعنی نکاحش بطور دائمی بر آن حرام باشد مثل پدر، برادر، عمو، خالو، پسر.

مسئله ۱۰۵۹: اگر محل زن تا به حرم شریف از مقدار سفر که سه شبانه روز است کم تر راه است بودن محرم شرط نیست.

مسئله ۱۰۶۰: اگر نامحرم نابالغ است یا بی‌دیانت که بر آن اطمینان نیست، سفر همراه آن جائز نیست.

مسئله ۱۰۶۱: در بودن محرم مانع شدن شوهر از اداء حج فرض اعتبار ندارد.

مسئله ۱۰۶۲: دختران نزدیک به بلوغ حکم زن را دارند، و بدون محرم سفر جائز نیست.

مسئله ۱۰۶۳: مخارج محرم بر ذمه زن می‌باشد.

مسئله ۱۰۶۴: اگر زن در تمام عمر محرم نداشت حج بر آن فرض نمی‌گردد، البته در وقت مردن باید وصیت کند.

مسئله ۱۰۶۵: اگر کسی که حج بر آن فرض شد و به واسطه سستی و غفلت تاخیر کرد تا آنکه نابینا یا مریض شد که توانائی رفتن سفر را نداشت، باید وصیت نماید که بعد از آن حج از طرفش بجا آورده شود.

مسئله ۱۰۶۶: اگر شخص پس از خود این قدر مال گذاشت که بعد از کفن و دفن و ادای فرض از یک سوم آن حج کرده می‌شود، بر ورثه لازم است که وصیت آن را اجرا کنند، و اگر اجراء نکردند گنهکارند، و اگر از یک سوم مال آن حج اداء نمی‌شود ورثه اختیار دارند که از طرفش حج کنند یا خیر، و همه وصیتها را همین حکم است.

مسئله ۱۰۶۷: اگر زن در عده طلاق است نمی‌تواند ترک عده نماید و به حج برود.

مسئله ۱۰۶۸: کسی که مخارج رفتن حج را دارد و مخارج رفتن مدینه منوره را ندارد بر آن حج فرض است، و هیچ گناهی در نرفتن به مدینه منوره دامن آن را نمی‌گیرد.

مسئله ۱۰۶۹: کسی که اراده حج دارد بدون احرام نمی‌تواند وارد حرم شود، و برای احرام بستن از طرف شریعت مقدس اسلام جاهای مخصوصی معین گردیده است، و آن‌ها عبارتند از:

(۱) ذوالحلیفه برای ساکنین مدینه منوره.

(۲) جحفه برای شامیان.

(۳) ذات العرق برای عراقیان.

(۴) یلملم برای اهل یمن.

(۵) قرن برای نجدی‌ها.

مسئله ۱۰۷۰: ساکنین دیگر نواحی چون به محلی که مقابل این مکان‌های معین است برسند از همان موضع احرام ببندند.

مسئله ۱۰۷۱: چون امروز از کشور ما به وسیله هواپیما به این مسافرت می‌روند لذا باید در خود فرودگاه یا در داخل طیاره احرام ببندند.

مسئله ۱۰۷۲: طریق احرام بستن این است که: اولاً غسل نماید اگر وسائل مهیا باشد، بعد عطرآمیزی کند، و موی و ناخن را بگیرد، و لنگ و قطیفه سفید و تمیز نو باشد یا کهنه باشد به نحوی که لنگ از ناف تا زیر زانو‌ها را بپوشاند و قطیفه را به شانه بیندازد و پول دان خود را بر کمر ببندد و برای پاپوش خود نعلین بگیرد.

مسئله ۱۰۷۳: اگر برای غسل جائی در موقع احرام بستن نبود به وضوء اکتفا نماید.

مسئله ۱۰۷۴: بعد دو رکعت نماز برای خدا بخواند و نیت حج کند، و نیت عبارت از این است که بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْحَجَّ فَيْسِرَهُ لِي وَتَقَبَّلَهُ مِنِّي». ای بار خدایا! من قصد حج دارم پس آسان گردان برای من و قبول کن از من. و این حج را حج مفرد می‌نامند.

مسئله ۱۰۷۵: اگر اراده حج و عمره هر دو را دارد و می‌خواهد در میان عمره و حج احرام را بشکنند به این حج تمتع گفته می‌شود، و نیت احرام اولش این است که بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْعُمْرَةَ فَيْسِرَهَا لِي وَتَقَبَّلَهَا مِنِّي». ای خدایا! قصد انجام عمره را دارم پس آسان گردان برای من و قبول فرما از من.

مسئله ۱۰۷۶: در روز هشتم ذی الحجة وقتی که حاجی تمتع اراده بستن احرام حج را بکند بعد از احرام بستن باید اینطور نیت کند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْحَجَّ فَيْسِرَهُ لِي وَتَقَبَّلَهُ مِنِّي».

مسئله ۱۰۷۷: اگر تصمیم دارد که حج و عمره را به یک احرام بجا آورد باید اینطور نیت کند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ فَيَسِّرْهُمَا لِي وَتَقَبَّلْهُمَا مِنِّي». یعنی: ای خدایا! من اراده حج و عمره را دارم هر دو را برای من آسان گردان و قبول گردان هر دو را از من. و به این حج قران گفته می‌شود، و در تمام موارد بعد از نیت تلبیه بگوید.

مسئله ۱۰۷۸: تلبیه عبارت از این است که: بعد از اداء نماز و نیت بگوید: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ، وَالنِّعْمَةَ، لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ».

مسئله ۱۰۷۹: تلبیه گفتن را وظیفه خود سازد خصوص بعد از نمازهای فرض، و وقت سوار شدن، و پیاده شدن، و بالا رفتن و پائین آمدن، و در وقت ملاقات دیگران، و وقت سحر.

مسئله ۱۰۸۰: احرام زن مثل احرام مرد است، مگر مرد را پوشیدن جامه دوخته شده غیر از نعلین و همان لباس بیان شده جائز نیست، و زن می‌تواند با لباس دوخته احرام ببندد مشروط بر اینکه بوی بدی یا خوبی ندهد، البته لباس سفید بهتر است.

مسئله ۱۰۸۱: زن‌ها باید تلبیه را آهسته بگویند.

مسئله ۱۰۸۲: چون احرام شخص به تلبیه گفتن ثابت و کامل گردید، باید احرام دارنده از جماع، و ذکر آن در حضور زنان، و سخنان یاوه، و دشنام، و جنگ و جدال، و هرکاری که شرعا گناه محسوب می‌شود، و همچنین از شکار کردن، و اشاره و دلالت بر آن، و پوشیدن سر، و رو از تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر و باقی بدن، و چیدن ناخن‌ها، و مالیدن روغن، و استعمال عطریات، و پوشیدن موزه یا کفش که برآمدگی وسط پا را بپوشد و از جمله ممنوعات احرام پرهیز کند.

مسئله ۱۰۸۳: سایه گرفتن به چتر به شرطی که به سر نچسبد و به خانه و خیمه و ماشین و سایر اشیاء سایه دار، و رفتن حمام بدون استعمال عطریات، و دیگر چیزها خللی به احرام نمی‌رساند.

مسئله ۱۰۸۴: وقتی که داخل مکه شد ابتدا به مسجد برود، و همینکه چشمش به خانه افتاد «اللهُ أَكْبَرُ» و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ» گویان بطرف حجرالأسود رفته استلام کند، یعنی در برگرفته و بوسه زند، بدون اذیت و آزار دیگران، و اگر امکان نداشت اشاره بطرف حجرالأسود نماید، و بعد از بوسه زدن یا تکبیر گفته اشاره نمودن طواف کند.

مسئله ۱۰۸۵: طواف عبارت از گردش به دور خانه کعبه است از دست راست خود و از نزدیکی درب خانه شروع به طواف کند، و همینکه به حجرالأسود رسید یک طواف کامل شد.

مسئله ۱۰۸۶: هفت مرتبه طواف کند، و در سه مرتبه اول پهلوانه برود و در بقیه بحال عادی برود.

مسئله ۱۰۸۷: در هر طوافی بوسه زدن سنگ به شرطی که به دیگران اذیت نرساند سنت است، و اگر به واسطه ازدحام بوسه زدن بدون اذیت و تکلیف ممکن نبود از بوسه صرف نظر کرده در مقابل سنگ الله أكبر گفته به طرف سنگ اشاره کند و بگذرد، و در صورت امکان دعاهای ماثوره را بخواند دعاها در کتاب‌هایی است که در خود حرم موجود است، و به فروش می‌رسد.

مسئله ۱۰۸۸: اگر دعاهای ماثوره را یاد نداشت کلمه توحید و تمجید را وظیفه ساخته همیشه بخواند.

مسئله ۱۰۸۹: بعد از اتمام طواف دو رکعت نماز در عقب مقام ابراهیم عليه السلام در صورت امکان و یا در هر جایی از مسجد که امکان داشت بخواند، و این را نماز طواف می‌نامند و واجب است، در این نماز سنت است که در رکعت اول فاتحه و «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» و در رکعت دوم سوره فاتحه و «قُلْ هُوَ اللهُ» شریف خوانده شود، و بعد از نماز دعاهای ماثوره یا هر دعائی که یاد داشت با آن دعا کند که وقت اجابت دعا است.

مسئله ۱۰۹۰: بعد از نماز طواف نزد آب زمزم رفته از آبش بنوشد و مزه بگیرد، و اگر امکان نداشت خریداری نماید، و در موقع نوشیدن این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقِيمٍ».

ای بار خدایا! از تو طلب می‌کنم علمی با منفعتی، و روزی پر وسعتی، و صحت از هر درد و مرض.

مسئله ۱۰۹۲: بعد از استلام حجرالأسود متوجه صفا شود و پای تپه صفا در حال بالا رفتن این آیه را بخواند: ﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ﴾ [البقرة: ۱۵۸].

مسئله ۱۰۹۳: در بالای صفا رو به کعبه ایستاده دست‌ها را بالا نموده «الله أكبر لا إله إلا الله» را بخواند، و بعد از صفا پائین آمده بطرف مروه به حالت طبیعی برود، و چون به خط سبز رنگی که بر دیوار کشیده شده رسید، دویدن شروع کند تا به خط سبز دیگر برسد، و بعد به حال طبیعی برود تا بالای تپه مروه، و در بالای مروه باز دست‌ها را بلند نموده «الله أكبر لا إله إلا الله» بگوید، و بطرف صفا راه افتد و این کار را هفت مرتبه تکرار کند، یعنی از صفا شروع کرده و به مروه ختم نماید، و اگر دعاهای معینه را یاد داشت بخواند، و اگر یاد نداشت به زبان خود برای خیر آخرت و دنیای خود و مسلمین دعا کند.

مسئله ۱۰۹۴: بعد از تمام شدن سعی بین صفا و مروه داخل مسجد گردد، و دو رکعت نماز شکرانه اداء نماید، و در اینجا عمره متمتع، و قارن، و طواف قدوم حاجی مفرد تمام می‌شود.

مسئله ۱۰۹۵: بعد از افعال بیان شده حاجی متمتع سر بتراشد و با لباس عادی وارد مکه شده اقامت ورزد، و از طواف، و آب زمزم، و نماز در مسجدالحرام استفاده نموده وقت را غنیمت شمرده مشغول ذکر و فکر باشد تا روز هشتم ذی الحجة.

مسئله ۱۰۹۶: حاجی قران بعد از تمام شدن عمره بصورتی که بیان شد به همان احرام خود ادامه بدهد.

مسئله ۱۰۹۷: روز هشتم که زائرین عازم منی می‌شوند حاجی متمتع از مسجدالحرام برای حج احرام ببندد، و دو رکعت نماز اداء نموده نیت حج کند به این طور: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْحَجَّ فَيَسِّرْهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي». بعد تلبیه گویان وارد منی شود.

مسئله ۱۰۹۸: نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء روز هشتم، و بامداد روز نهم را در منی بخواند، و سعی کند که در مسجد خیف اگر امکان داشت به جماعت اداء کند.

مسئله ۱۰۹۹: بعد از اداء نماز بامداد روز نهم در منی متوجه عرفات شده در خیمه‌ها اقامت کند، و وقت خود را صرف دعا، و درود، و تلبیه کنند و به غفلت، یا غیبت یا لهو نگذارند.

مسئله ۱۱۰۰: اگر میسر بود قبل از زوال روز عرفه به مسجد نمره رود، تا نماز ظهر و عصر را با جماعت امام اداء کند، و اگر دشوار بود در خیمه هر نماز را در وقت آن بخواند.

مسئله ۱۱۰۱: در عرفات اگر دعاهای ماثوره را حفظ داشت بخواند، وگرنه هر دعائی که یاد داشت بخواند و از خدا حاجت‌های خود را بخواهد.

مسئله ۱۱۰۲: در عرفات به هر جائی بخواهد توقف نماید غیر از وادی غربی مسجد عرفه که «بطنِ عرنه» نامیده می‌شود، و توقف خود را در عرفه تا غروب ادامه دهد.

مسئله ۱۱۰۳: رفتن در بالای تپه عرفات بدون اذیت کردن دیگران کاری است پسندیده، و در صورت اذیت رسانیدن به دیگران یا اذیت شدن جائز نیست.

مسئله ۱۱۰۴: بعد از غروب همینکه دستور حرکت بطرف مزدلفه صادر شد حجاج نیز حرکت نمایند.

مسئله ۱۱۰۵: در صورت امکان رسیدن به مسجد در مزدلفه نماز مغرب و عشا را در اول وقت عشا با جماعت بخواند، و إلا در توقفگاه خود ادا نماید.

مسئله ۱۱۰۶: شب دهم را در مزدلفه تا به صبح نزدیک کوه قزح یا هر جائی که ممکن باشد غیر از «وادی محصر» به ذکر و عبادت بگذارند.

مسئله ۱۱۰۷: در اول طلوع صبح صادق روز دهم در تاریکی نماز را اداء کند و مشغول ذکر و استغفار باشد تا خوب روشن شود، و اگر دعاهائی ماثوره را یاد داشت بهتر است آنها را بخواند.

مسئله ۱۱۰۸: شب در مزدلفه هفتاد ریگچه به اندازه هسته خرما جمع کنند، و بعد از روشن شدن صبح رهسپار منی شود در حالی که به آواز بلند تلبیه و تسبیح و درود بگوید.

مسئله ۱۱۰۹: همینکه روز دهم وارد منی شد، اگر ائاثیه همراه دارد در خیمه بگذارد برای جمره زدن نزد جمره عقبه برود، یعنی از میل اولی که نزد مسجد خیف است بگذرد، و همچنین از دومی، و بنزد میل سومی که جمره عقبه نامیده می شود رفته از طرف شمال گشته طوری بایستد که دست چپ آن بطرف میل و دست راست بطرف مکه قرار گیرد، آنگاه تلبیه گفتن را قطع کرده هفت ریگ بطرف آن میل بیاندازد.

مسئله ۱۱۱۰: طریق انداختن ریگها این است که: هر ریگ را پشت انگشت بزرگ خود نهاده و انگشت سبابه را حکم نموده «بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهِ أَكْبَرُ، رَغْمًا لِلشَّيْطَانِ وَحِزْبِهِ، وَرِضًا لِلرَّحْمَنِ». گفته طوری بزند که حداقل پنج متر راه دور انداخته شود، یعنی به نزدیکی میل برسد اگرچه به آن اصابت ننماید.

مسئله ۱۱۱۱: با ریگهای بزرگ یا کفش یا اسبابی دیگر که در صورت تصادف باعث اذیت دیگران می شود نزنند.

مسئله ۱۱۱۲: بعد از تمام شدن ریگها بطرف جنوب گردیده در حال حرکت این دعا را بخواند: «بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهِ أَكْبَرُ، رَغْمًا لِلشَّيْطَانِ وَحِزْبِهِ، وَرِضًا لِلرَّحْمَنِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُورًا، وَسَعِيًّا مَشْكُورًا، وَذَنْبًا مَغْفُورًا وَعَمَلًا صَالِحًا مَقْبُولًا وَتِجَارَةً لَنْ تَبُورَ».

مسئله ۱۱۱۳: بعد از جمره به قربانگاه برود، و بعنوان شکرانه گوسفندی یا گاوی یا شتری تحت شرایطی که در قربانی ذکر شد خریداری کرده ذبح کند.

مسئله ۱۱۱۴: بعد از قربانی کردن سر بتراشد یا کوتاه کند، و کوتاه کردن باید شامل همه موها باشد ولی تراشیدن بهتر است.

مسئله ۱۱۱۵: تراشیدن حجاج سرهای یکدیگر را مانع شرعی ندارد، و اشخاصی که سرهای آنها موی ندارد باید وسیله تراشیدن را بر سر خود بکشند.

مسئله ۱۱۱۶: بعد از تراشیدن سر یا کوتاه کردن همه چیزها بر حاجی حلال می‌شود غیر از زن.

مسئله ۱۱۱۷: در همان روز به مکه رفته طبق دستور و آداب مشروحه طواف فرض حج را که طواف زیارت نامیده می‌شود انجام دهد، و اگر این روز طواف زیارت میسر نشد روز پانزدهم و دوازدهم انجام دهد.

مسئله ۱۱۱۸: اگر قبلا در طواف پهلوانه رفته و سعی بین صفا و مروه را بجا آورده فعلا هفت مرتبه بحالت عادی بدورخانه بچرخد به نیت طواف فرض و بعد دو رکعت نماز بخوانند.

مسئله ۱۱۱۹: بعد از طواف زیارت در روز دهم مجدداً به منی برگردد و در آنجا مشغول عبادت باشد.

مسئله ۱۱۲۰: در روز دوم و سوم عید قربان یعنی یازدهم و دوازدهم ذی الحجة هر روز بعد از زوال بیست و یک ریگ از ریگ‌های خود برداشته برود، و همینکه به جمره اولی که نزدیک مسجد خیف است رسید پشت به طرف منی و رو بطرف مکه ایستاده هفت ریگ به دستور سابق بزند، و از محل ازدحام یک طرف رفته دعا کند، و بعد به نزد جمره وسطی رفته طبق دستور ریگ‌ها را بزند و دعا کند، و بعد نزد جمره عقبی رفته هفت ریگ را از ده بدون توقف و دعا به خیمه برگردد.

مسئله ۱۱۲۱: توقف نمودن شب و روز سیزدهم در منی اختیاری است.

مسئله ۱۱۲۲: اگر در روز دوازهم ذی الحجة پیش از غروب از منی خارج شد اشکالی ندارد، و اگر تا غروب توقف نمود لازم است شب را در منی بخواهد، و در روز سیزدهم بیست و یک ریگچه طبق دستور بعد از زوال یا پیش از زوال بزند و متوجه مکه گردد.

مسئله ۱۱۲۳: در مکه از طواف و نماز در مسجد الحرام و زمزم و عمره نافله، و زیارت کردن مقامات متبرکه استفاده کند.

مسئله ۱۱۲۴: وقتی که اراده خروج از مکه را داشت طواف وداع را که واجب است بدون پهلوانه رفتن و بدون سعی بین صفا و مروه در آخر ملاقات کعبه انجام دهد، سپس با خانه و ملتزم و حجرالأسود و مقام حضرت ابراهیم عليه السلام و زمزم خداحافظی نموده و به تضرع موفق شدن مرتبه دیگر را از خدا خواسته، از آب زمزم نوشیده و رو و سینه را به ملتزم چسبانیده و به پرده‌های کعبه آویزان نموده حاجات خود را از خدا خواسته عقب عقب اگر امکان داشت از مسجد بیرون شود.

احکام جنایات در حج

مسئله ۱۱۲۵: جنایت عملی است که انجام آن را شریعت مقدس اسلام حرام گردانیده است، و در حج اعمالی است که شخص حاجی نباید انجام دهد، و اگر انجام داد جنایت نامیده می‌شود، و به انجام بعضی گوسفند و بعضی دیگر گاو و بعضی شتر و بعضی دیگر صدقه لازم می‌گردد.

مسئله ۱۱۲۶: جنایاتی که به ارتکاب آن‌ها کشتن گوسفند لازم می‌گردد ۲۲ مورد است:

- ۱) استعمال خوشبوی در یک عضو کامل.
- ۲) رنگ کردن به رنگ حنا، و اگر طوری حنا را به سر مالید که مثل نم‌شد دو گوسفند لازم است صدقه داده شود یعنی ذبح گردد.
- ۳) مالیدن روغن زیتون و غیره بر عضو کامل.
- ۴) پوشیدن لباس دوخته شده بطریق عرف و عادت دوازده ساعت متصل.
- ۵) پوشیدن رو یا سر دوازده ساعت کامل.

- ۶) تراشیدن یک چهارم سر یا ریش یا تمام گردن یا زیر یکی از دو بغل یا زیر ناف.
- ۷) تراشیدن محل حجامت و حجامت کردن.
- ۸) کوتاه کردن تمام ناخن‌ها یا پنج ناخن.
- ۹) طواف قدوم یا وداع را در حالت جنابت و حیض انجام دادن، یا طواف فرض را بی‌وضو بجا آوردن.
- ۱۰) طواف و سعی عمره را بی‌وضوء انجام دادن، ولی تا موقعی که از مکه مکرمه خارج نشده می‌تواند طواف و سعی عمره را که بی‌وضو بجا آورده اعاده نماید، و در این صورت کشتن گوسفند لازم نیست.
- ۱۱) هنوز غروب نکرده از عرفات بیرون شدن.
- ۱۲) ترک ایستادن در مزدلفه یا پیش از روشنائی صبح از مزدلفه بیرون شدن.
- ۱۳) ترک تمام جمرها یا جمره یک روز یا بیشتر جمرهای یک روز را کردن.
- ۱۴) قربانی کردن پیش از زدن سنگریزه‌ها یا تراشیدن سر پیش از قربانی یا تراشیدن سر در زمین غیر حرم یا تراشیدن سر در حرم بعد از ایام عید در همه این‌ها لازم است که یک گوسفند ذبح نماید، و اگر سر را بعد از ایام عید و خارج از زمین حرم تراشید، دو خون لازم است، و اگر موقعی که می‌خواهد از عمره خود را حلال سازد در خارج از زمین حرم سر تراشید یک خون لازم می‌شود.
- ۱۵) مجامعت با عیال خود پیش از طواف فرض بعد از تراشیدن سر.
- مسئله ۱۱۲۷: اگر حاجی قران پیش از ایستادن به عرفات و پیش از چهار چرخ عمره جماع نمود حج و عمره هر دو فاسد می‌شوند و لازم است در همین صورت تمام افعال را مثل اینکه فاسد نشده انجام دهد، و در سال آینده قضا بجا آوردن لازم و حتمی است.
- مسئله ۱۱۲۸: اگر کسی بعد از ایستادن به عرفات و پیش از تراشیدن سر مجامعت نمود لازم است یک گاو و یک گوسفند یا یک شتر و یک گوسفند ذبح نماید، این جریمه

برای حاجی قران است، و اگر حاجی تمتع و یا حاجی مفرد این خلاف را مرتکب گردید باید گاو یا یک شتر ذبح نمودن کافی است.

مسئله ۱۱۲۹: اگر حاجی تمتع یا حاجی مفرد پیش از ایستادن به عرفات با عیال خود مجامعت نمود حج فاسد است، و باید بقیه افعال را مثل اینکه فاسد نشده بجا آورد و گوسفندی نیز ذبح کند و در سال آینده حج را قضائی بجا آورد.

مسئله ۱۱۳۰: اگر طواف فرض را در حالت جنابت بجا آورد کشتن گاو یا شتری لازم است.

۱۶) مباشرت فاحشه، یعنی مرد آلت خود را به فرج زن بدون پرده مالیدن یا بوسیدن آن، و یا مساس کردن به شهوت انزال گردد یا نه، همین حکم را دارد، یعنی ذبح نمودن گوسفندی لازم است.

۱۷) تاخیر طواف فرض از روزهای یازده و دوازده ذی الحجة، یا ترک سه چرخ یا کم تر از طواف فرض.

۱۸) ترک تمام طواف وداع یا بیشتر آن، و همچنین ترک سعی بین صفا و مروه که باید در سه چرخ اول پهلوانه برود.

مسئله ۱۱۳۱: اگر کسی بدون عذر بین صفا و مروه یا در طواف خانه سوار بر تخت روان گردید ذبح گوسفند لازم است، و اگر دو مرتبه پیاده طواف نمود بقیه را سواره لازم نیست.

مسئله ۱۱۳۲: اگر حاجی در موقع طواف که باید خانه مبارکه بدست چپ قرار گیرد و بدین منوال طواف نماید برعکس طواف نمود، مجدداً لازم است طرف را انجام دهد اگرچه از مکه خارج گردید، و خون لازم نمی‌گردد و حتماً باید طواف اعاده شود.

۱۹) از موارد لزوم ذبح گوسفند برهنه شدن یک چهارم عورت در موقع طواف، و اگر طواف را مجدداً انجام داد ذبح گوسفند لازم نیست.

۲۰) طواف را از غیر محل حجرالأسود شروع کردن و اعاده نکردن.

۲۱) در طواف از وسط حطیم عبور کردن و اعاده نمودن طواف.
 ۲۲) جماع کردن در عمره پس از چهار چرخ به دور خانه معظمه برای غیر حاجی قرآن.

مسئله ۱۱۳۳: جماع کردن در عمره پس از چهار چرخ چنانچه بیان شده عمره را فاسد می‌گرداند، و پس از فساد باید افعال عمره را انجام دهد و گوسفندی هم ذبح کنند، و در غیر ایام حج عمره را قضائی بجا آورد.

در بیان ممنوعات متفرقه و حج و تدارکات آن

مسئله ۱۱۳۴: به کشتن شکار بیابانی یا اشاره یا راهنمایی نمودن کسی را برای کشتن آن در هر سه صورت جزا لازم می‌شود، جزا، یعنی دو نفر عادل با بینایی کامل قیمت آن شکار را در جائی که کشته شده، یا در نزدیک‌ترین محل وقوع قتل سنجش نمایند آنگاه حاجی محرم اختیار دارد که به قیمت آن گوسفندی خریداری نماید و ذبح کند، یا گندم بخرد و به هر مسکین یک من گندم، و یا در عوض یک من گوسفند یک من گندم یک روز روزه بگیرد، و در کم‌تر از یک من که احیاناً باقیمانده آن را خیرات کند، یا بعوض آن یک روز روزه بگیرد.

مسئله ۱۱۳۵: به کشتن حیوانات درنده مثل گرگ، پلنگ و غیره بر محرم جزاء لازم است، ولی باید قیمت آنان از قیمت گوسفندی تجاوز نکند.

مسئله ۱۱۳۶: به قطع کردن عضو، یا زخمی نمودن، و یا کندن موی حیوانات جزا لازم است، باید هرچه به حیوان لطمه وارد شده است همان اندازه خیرات نماید.

مسئله ۱۱۳۷: به قطع قوه دفاعیه مثل بال، و دست و پای حیوان تمام قیمت آن بر احرام دارنده لازم می‌گردد.

مسئله ۱۱۳۸: به شکستن تخم پرندگان یا کندن گیاه، یا درخت بی‌صاحب جزا لازم است، البته به کندن فریز و درخت خشک چیزی لازم نمی‌شود.

مسئله ۱۱۳۹: اگر شخص احرام دارنده شکار نماید گوشت آن شکار حرام است، ولی ذبح حیوانات اهلی برایش جائز است و گوشت آن حلال است.

مسئله ۱۱۴۰: به کشتن مار، کژدم، گرگ و سگ حمله کننده، موش، زاغ، پشه، کیک، شپش، کنه، زنبور، خارپشت، لاک پشت، سوسمار، کلپاسه، پروانه و حمله کنندگان موذی چیزی لازم نمی‌شود. البته بدون ضرورت به هیچ حیوان اذیت نرساند.

مسئله ۱۱۴۱: به کشتن ملخ یا مانند آن محرم یا حرما یا قدری طعام خیرات بدهد.

مسئله ۱۱۴۲: به تراشیدن سر یا پوشیدن لباس دوخته، یا استعمال خوشبوئی‌ها در موقع ضرورت محرم بین سه کار مختار است: (۱) ذبح گوسفند، (۲) طعام دادن شش نفر مسکین، (۳) روزه گرفت سه روز.

مسئله ۱۱۴۳: اگر کسی در مسافرت حج بعد از زوال یعنی بعد از داخل شدن وقت ظهر روز نهم تا طلوع صبح صادق روز دهم به زمین عرفات نرسد اگر چه لحظه ای باشد حجش فوت می‌گردد، و باید تمام اعمال باقیمانده را انجام دهد، و در سال آینده حج قضائی بجا آورد.

مسئله ۱۱۴۴: در تمام ممنوعات ذکر شده جریمه حاجی قران دو برابر است مگر در تجاوز از میقاتجا بدون احرام و هدیه شکرانه که مردم قربانی می‌نامند. در این مورد مثل حاجی تمتع بر حاجی قران نیز یک گوسفند لازم است.

جنایاتی که با ارتکاب آنها صدقه لازم می‌شود

مسئله ۱۱۴۵: صدقه به معنی خیرات دادن و آن عبارت از مقداری است که حاجی پس از ارتکاب خلاف، بنا به رای خود به فقراء می‌دهد و در ده (۱۰) مورد باید صدقه بپردازد:

- (۱) خوشبوئی زدن یا مالیدن روغن یا حنا به بعضی از یک عضو بدن.
- (۲) پوشیدن لباس دوخته کم‌تر از دوازده ساعت.
- (۳) تراشیدن کم‌تر از یک چهارم سر باریش، یا یکی از دو بغل یا ناف یا گردن.

- ۴) تراشیدن سر دیگری را.
- ۵) کوتاه کردن بعضی از ناخن‌های دست و پا را به شرطی که به پنج انگشت نرسد، و اگر به پنج انگشت رسید ذبح گوسفند لازم است اگرچه متفرقه باشد.
- ۶) طواف قدوم یا طواف وداع را بی‌وضوء انجام دادن.
- ۷) ترک یک چرخ یا دو چرخ را از طواف وداع.
- ۸) ترک یک یا دو چرخ از صفا و مروه.
- ۹) نزدن یک یا دو یا سه عدد از ریگ‌های روز اول.
- ۱۰) نزدن نه عدد از ریگ‌های روز یازدهم و دوازدهم را، و اگر ده عدد را نزد، ذبح گوسفند لازم می‌شود.

مسئله ۱۱۴۶: هرگاه حاجی تمتعی یا حاجی قران از خریدن گوسفند برای ذبح عاجز بودند می‌توانند ده روز روزه بگیرند، سه روز پیش از عید قربان که این سه روز، هفتم و هشتم و نهم ذی الحجة باشد، و هفت روز بعد از ایام تشریق یعنی بعد از روز دوازدهم یا هر موقعی دیگر، و اگر پیش از عید سه روز روزه نگرفت کشتن گوسفند لازم است، و به روزه گرفتن جبران نمی‌گردد.

مسئله ۱۱۴۷: هدیه حاجی تمتع و قران و هدیه‌های نفلی مختص به زمین حرم است که باید در زمین حرم ذبح گردد، و مختص به روز عید قربان است.

مسئله ۱۱۴۸: خوردن از گوشت هدیه برای ثروتمندان و صاحبش جائز است، و خوردن از گوسفندی که برای کفاره ذبح می‌شود برای ثروتمندان و خود شخص جائز نیست.

مسئله ۱۱۴۹: گوسفندانی که حجاج برای کفارات و نذورات و جنایات و ذبح احصار که حاجی احرام برای حج می‌بندد و از رفتن مانعی پیش می‌آید، باید گوسفندی ذبح نماید، ذبح می‌نمایند مختص به زمین حرم است نه به روز عید.

احکام حج از جانب غیر

مسئله ۱۱۵۰: قانون کلی در احکام شرعی مطابق مذهب حنفی اینست که: شخص می‌تواند ثواب عملی خیر خود را مثل نماز، یا روزه، یا صدقات و غیره برای دیگری بگرداند مثلاً دو رکعت نماز می‌خواند ثوابش را به روح پدر یا مادر یا دوست خود می‌بخشد.

تذکر لازم: عبادات بر سه قسم است:

(۱) مالی خالص مثل زکات و صدقه فطر.

(۲) بدنی خالص مثل نماز.

(۳) مالی و بدنی مثل حج.

مسئله ۱۱۵۱: در عبادت مالی مثل زکات نیابت در حالت اختیار و اضطرار جائز است، مثلاً برای تقسیم پول زکات با اینکه خود شخص قدرت دارد کسی را نایب می‌گیرد.

مسئله ۱۱۵۲: در عبادت بدنی مثل نماز به هیچ عنوان نایب گرفتن صحیح نیست، مثلاً شخص نمی‌تواند بجای شخص دیگر نماز بخواند، چه آن شخص مریض باشد چه صحیح و چه زنده و چه مرده.

مسئله ۱۱۵۳: در عبادت مالی و بدنی مثل حج اگر حج فرض باشد و خود شخص از اداء به واسطه مریضی یا پیری عاجز باشد، می‌تواند برای اداء حج نایب بگیرد، ولی مریضی آن مرضی باشد که در آینده از بهبودی آن مایوس است، در حج نفل با صحت و قدرت بر انجام حج نایب گرفتن جائز است.

مسئله ۱۱۵۴: اگر شخص پس از فوت پدر و مادر و یا برادر برای آن‌ها حج نمود جائز است، و خداوند متعال ثوابش را به آن‌ها می‌رساند.

احکام و فضیلت زیارت مدینه منوره^۱

پیشوایان چهارگانه سنت متفق میباشند برای اینکه زیارت روضه مطهر حضرت خاتم النبیین علیه الصلوٰة والسلام از بهترین مستحبات است. امام ابن همام: در فتح القدير می فرماید: کسی که برایش رفتن به زیارت روضه رسول مقبول^ﷺ مقدور باشد نزدیک به وجوب است که به زیارت برود. رسول اکرم^ﷺ می فرماید: «مَنْ زَارَ قَبْرِي وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي!». یعنی هر کس زیارت نماید قبر مرا واجب می شود برای او شفاعت من.^۲

و نیز فرموده اند: «مَنْ جَاءَنِي زَائِرًا لَا يَعْلَمُهُ حَاجَةً إِلَّا زِيَارَتِي كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَكُونَ لَهُ شَفِيعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۳. یعنی کسی که بیاید به زیارت من و غیر از این مقصدی نداشته باشد، ثابت است بر من در روز قیامت او را شفاعت نمایم. و نیز فرموده اند: «مَنْ حَجَّ فَرَّارَ قَبْرِي بَعْدَ مَوْتِي كَانَ كَمَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي»^۴. یعنی کسی که حج بجا آورد و قبر مرا زیارت نماید بعد از وفات من، مثل این است که در حیات من مرا زیارت نموده است.

مسئله ۱۱۵۵: زیارت مدینه منوره قبل از حج یا بعد از حج فرقی ندارد ولی عده ای از علماء بعد از حج بهتر دانسته اند.

مسئله ۱۱۵۶: ثواب اداء یک نماز در مسجد حضرت رسول^ﷺ مساوی است با ادای پنجاه هزار نماز.

۱- سفر به قصد مسجد رسول الله^ﷺ برای زیاد کسب اجر و ثواب خواندن نماز می کند بعد وقتی که آنجا رسید در مسجد النبی نماز می خواند و زیارت قبر شریف رسول الله^ﷺ هم می کند.

۲- این حدیث ضعیف می باشد و استدلال به آن جایز نمی باشد و هیچ حدیثی در مسأله زیارت قبر شریف رسول الله^ﷺ به ثبوت نرسیده ولی اگر کسی به مدینه سفر کرد به قصد نماز خواندن در مسجد النبی مستحب است که قبر رسول الله^ﷺ هم زیارت کند. (مصحح)

۳- این حدیث ضعیف می باشد و استدلال به آن جایز نمی باشد. (مصحح)

۴- این حدیث ضعیف می باشد و استدلال به آن جایز نمی باشد. (مصحح)

آداب داخل شدن به مسجد حضرت رسول ﷺ و آداب زیارت

- (۱) داخل شدن به مسجد نبوی با آرامش و وقار.
- (۲) اینکه زائر پاکیزه و خوشبو باشد و با لباس تمیز داخل شود.
- (۳) اینکه قدم راست خود را در مسجد بگذارد و بگوید:

«أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ، وَبِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ، وَسُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ.»

یعنی: بخدای بزرگ و به ذات با کرم، و پادشاهی قدیمی آن، پناه می‌برم از شر شیطان رانده شده. سلام بر تو باد ای پیغمبر! و رحمت خدا و برکات او، سلام بر ما و بندگان نیکوکار. ای خدایا گناهان مرا ببخش و درهای رحمت خود را به سوی من بگشای.

- (۴) موقعی که داخل مسجد نبوی گردید و قصد زیارت روضه مطهره را داشت، اولاً دو رکعت نماز تحية المسجد بخواند، و بعد از اتمام نماز سپاس و ستایش خداوند متعال را بر این نعمت عظمی بجا آورد، و برای قبول زیارت از خدا مسئلت بخواهد.

آداب آمدن به محل مقبره مبارکه

زیارت کننده روبروی قبر مبارک ایستاده شود در حالیکه پشت به قبله نموده با کمال ادب بدون اینکه به پنجره‌ها نزدیک شود، و بدون بوسه زدن به آواز نرم و آهسته «الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ». را بخواند و دعاهائی که شامل صلوات و سلام می‌باشد در کتب ادعیه موجود است چنانچه از آن کتاب‌های دعا استفاده نمود بسیار خوب است.

بعد از اینکه از زیارت رسول خدا فارغ شد به اندازه یک زرع بالاتر رود و بر حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه سلام بگوید، و مقداری بالاتر بر جناب عمر فاروق رضی الله عنه سلام بگوید، و بعداً دعا برای خود و مؤمنین و کسانی که او را سفارش نموده‌اند.

تمام شد، بعد از عصر روز یکشنبه ششم شهر جمادی الأول سال یکهزار و چهار صد و سه هجری. (١٤٠٣هـ).

أحقر الطلبة: غلام أحمد موحدی.